

۳۸۳

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۲۲ تا ۲۸ مهرماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۴۹

دهه هشتادی‌ها ایستاده در برابر جمهوری در مانده!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/
newsletters-subscription

کیهان شما ، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton
Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۴۹ (۳۸۳)

جمعه ۲۲ تا ۲۸ مهرماه ۱۴۰۱

۱۸ تا ۲۴ اکتبر ۲۰۲۲



مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می توانند چاپ دوم این کتاب را از **کیهان** خریداری نمایند

**نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود**

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و بامسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)
ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne
Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisscau, 75018 Paris , FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیمهان

** فهرست مطالب **

- ۴ سر مقاله - زنان سرزمین تو؟! جمهوری اسلامی بی سرزمین؟! /الاهه بقراط
- ۴-۵ دهه هشتادی‌ها ایستاده در برابر جمهوری در مانده! / روشنک آسترکی
-
- ۶-۷ گفتگوی «پاری ماچ» با شهبانو فرح پهلوی ... /
- ۷ شاهزاده رضا پهلوی: اعتراض در خیابان را با اعتصابات سراسری تکمیل کنید! /
- ۷ پیام دوباره شهبانو فرح پهلوی به نیروهای مسلح: ابزار سرکوب مردم نشوید! /
- ۸ یورش نیروهای امنیتی باون و موتور به مدارس برای بازداشت دانش‌آموزان ... /
- ۹ تکرار دروغ «خودکشی» درباره سارینا اسماعیل زاده ... /
- ۱۰ کانادا صدای ایرانیان را شنید ... / احمد رأف
- ۱۱ **بازنشر** کالبدشکافی یک طغیان (۲۱) ... / احمد احرار
- ۱۲-۱۳ **بازنشر** معمایی به نام هویدا (۵) ... / عباس میلانی
- ۱۴-۱۵ استفاده از کودکان: نمایش و تاکتیک جنگی و ... / سیمغ (ایران)
- ۱۵ شیشه‌ی عمر هیولای جمهوری اسلامی در دستان «دهه هشتادی‌ها» ... /
- ۱۶-۱۷ پزشکی قانونی ادعای دستگاه امنیتی را درباره قتل حکومتی مهسا «تأیید» کرد! ... /
- ۱۷ امانوئل ماکرون: مبارزان در ایران حامل ارزش‌های مشترک جهانی اند ... /
- ۱۸ ایران: انقلاب علیه انقلاب ... / مصطفی فحص (شرق الاوسط)
- ۱۹ ریزش و خستگی نیروهای سرکوب در «خیزش محله محور» ... /
- ۲۰-۲۱ #سنندج: همبستگی و پایداری معترضان در خون و باور ... /
- ۲۱ توصیه‌ی خامنه‌ای برای سرکوب مردم: راه‌علاج دشمنی‌ها ایستادگی است! ... /
- ۲۲ گزارش ویژه: حضور اعتراضی مردم در نازی‌آباد، فلاح و «امامزاده حسن» ... /
- ۲۳ «روز کودک» در حکومت «کودک‌کش»: دست‌کم ۱۹ کودک در اعتراضات ... /
- ۲۴-۲۵ ذره‌بین افکار عمومی روی سلبریتی‌ها: ریزش مجری‌های صداوسیما حکومت و ... /
- ۲۶ «کمیته‌ر صد تورم» در ادامه‌ی سیاست‌های شکست‌خورده اقتصادی ... /
- ۲۷ **بازنشر** نمی‌شود جلوی فحش دادن مردم را گرفت! هر قدر هم «باادب» باشیم ... /
- ۲۸-۲۹ محدود ساختن اینترنت به هدف سانسور اعتراضات دست‌نیافت و ... /
- ۲۹ هک شبکه خبر صداوسیما جمهوری اسلامی و پخش شعار «زن، زندگی، آزادی» ... /
- ۳۰ بیستم مهر ماه: نداوم تظاهرات مردمی، اعتصاب بازاریان و دانشجویان و ... /
- ۳۱ فاجعه‌ی کودکان سرکوب شده: ۲۸ کشته و تأیید بازداشت دانش‌آموزان و ... /
- ۳۲ فقر و بیکاری نیروی کار متخصص؛ دستفروشی در داخل و ظرفشویی در ... /
- ۳۲-۳۳ انتشار ویدئو «اعتراف‌گیری» از دوشهر و ندفرانسوی ... /
- ۳۳ رژیم‌ی که متخصص بالارفتن از دیوار سفارتخانه‌هاست حالا منتقد حمله به ... /
- ۳۴ خیال حکومت با تأمین آب مردم همدان از چشمه راحت شد! ... /
- ۳۵ چه کسانی «انقلاب» برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به «اصلاحات» ... /
- ۳۶-۳۷ قطع اینترنت و محدودیت فضای مجازی: زورهای آخر حکومتی که در فضای ... /
- ۳۷ تطبیع سر بازان و وظیفه برای «خدمت» در یگان‌های سرکوب: از «مرخصی» ... /
- ۳۸ پشت‌جلد - عکس هفته / صحنه‌ای از اعتراضات مهر ماه ۱۴۰۱ در ایران



تیرا اول

دهه هشتادی‌ها ایستاده در برابر
جمهوری درمانده!

● نسل «دهه هشتادی» درگیر جناحین حکومت نیست و برای به گور سپردن پیکر فاسد و فرتوت جمهوری اسلامی که از انقلاب ۵۷ زاده شد تلاش می‌کند

رژیم کودک‌کش

جمهوری اسلامی اما با وجود امضای کنوانسیون جهانی حقوق کودک، قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشته و به شیوه‌های مختلف به سرکوب کودکان و نوجوانان می‌پردازد. بر اساس گزارش‌ها و به استناد موارد اطلاع‌رسانی شده، طی چهار هفته گذشته دست‌کم ۲۴ نوجوان زیر ۱۸ سال در خیابان توسط مأموران حکومتی با شلیک اسلحه و ضربات متعدد باتوم جان باخته‌اند. نیکا شاکرمی، سارینا اسماعیل‌زاده، حنا کبیا، زکریا خیال، امیرحسین بساطی، محمدرضا سروری از جمله کودکان جانباخته هستند که بین ۱۲ تا ۱۷ سال سن داشته‌اند.

همچنین صدها نوجوان در چهار هفته گذشته در شهرهای مختلف بازداشت شدند. جدا از آنکه بازداشت این کودکان اقدامی خلاف حقوق کودک به شمار می‌رود، این کودکان غالباً در کنار بزرگسالان در زندان‌ها، بازداشتگاه‌های موقت و سیلوها نگهداری می‌شوند که همین موضوع نیز خطرات مضاعف برای آنها دارد.

جو مدارس به ویژه دبیرستان‌ها در هفته‌های گذشته امنیتی‌تر از پیش شده و فایلهای صوتی و ویدئوهایی از تهدید و «دانش‌آموز معاند» و «خرابکار» و «قانون‌شکن» خطاب قرار دادن دانش‌آموزان توسط کادر مدرسه منتشر شده است. جمهوری اسلامی وقاحت را به جایی رسانده که در مدارس گاز اشک‌آور شلیک کرده و تیم‌های امنیتی برای «بازداشت دانش‌آموزان» به مدارس یورش برده و دختران و پسران را بازداشت و به مکان‌های نامعلوم منتقل می‌کنند.

همچنین وزیر آموزش و پرورش با تأیید بازداشت شماری از دانش‌آموزان از بیان تعداد آنان خودداری کرده ولی در اظهاراتی نگران‌کننده گفته که بازداشت کودکان برای اینکه آنها «به شخصیت‌های ضداجتماعی» تبدیل نشوند صورت گرفته و «برای بحث اصلاح و تربیت در مراکز روانشناسی

یک ماه پس از آغاز خیزش سراسری مردم علیه جمهوری اسلامی که به گفته شمار زیادی از جامعه‌شناسان در قالب «انقلاب» علیه جمهوری اسلامی ادامه یافته، جوانان و نوجوانان «دهه هشتادی» میدانداران مهم این اعتراضات هستند. آنها چه در دانشگاه و مدرسه و چه در خیابان‌ها صحنه‌های بی‌نظیر و ماندگاری از آزادیخواهی و ایستادگی در برابر جمهوری اسلامی رقم زده و بار سنگین این «انقلاب» را به دوش می‌کشند.

این نسل در رویارویی با حکومت، شیوه‌های اخلاقانه‌ای از مبارزه در پیش گرفته و در بیان نظرات و خواسته‌های خود چه با جمهوری اسلامی و چه با رسانه‌ها و نسل‌های پیشین با صراحت لهجه روبرو می‌شوند. علی‌خامنه‌ای در حالی رویای تبدیل کردن این نسل به سربازان «فرمانده» را داشت که همین نسل پایه‌های حکومت رهبر «وامانده» و «درمانده» را به لرزه درآورده است.

دختران نوجوان و جوان دانش‌آموز و دانشجو، به عنوان پرچمداران مبارزات اخیر، نه تنها خواهان آزادی پوشش و دیگر آزادی‌های اجتماعی هستند بلکه با کل نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی در مبارزه هستند. دخترانی که بیش از چهار دهه هدف اصلی نظام برای تبدیل شدن به ابزار تبلیغات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و ارائه نمونه‌ای از «دختر مسلمان» بودند حالا در مدارس و کلاس درس تحصن کرده و با برداشتن مقنعه علیه فاشیسم مذهبی شعار می‌دهند و انگشت میانه را به سوی عکس‌خامنه‌ای و خمینی و نظام می‌گیرند.

این مبارزان جوان در برابر فشارها و تهدیدهای مدیر و ناظم و معلمانی که همچنان در چهارچوب نظام ایستاده‌اند مقاومت می‌کنند. در این مسیر دانش‌آموزان پسر نیز همراه و همدل با دختران در مسیر مبارزه علیه جمهوری اسلامی پیش می‌روند.

سرمقاله
زنان سرزمین تو؟!
جمهوری اسلامی بی‌سرزمین!؟

دستگاه تبلیغاتی رژیم ضدزن و ضدانسان حاکم بر ایران در واکنش به انقلاب ملی سرزمینی که دختران و زنان در آن نقشی منحصر به فرد دارند، پوستری با عنوان «زنان سرزمین من ایران» در میدان «ولیعهد» (ولیعصر) به نمایش گذاشته است. گذشته از اینکه بیشتر چهره‌های فرهنگی و علمی و ورزشی در این تصویر به زور حجاب بر سر کرده‌اند، سوء استفاده از



عکس پروین اعتصامی که شعری شفاف در ستایش کشف حجاب و ۱۷ دی ۱۳۱۴ سروده و خود نیز نه تنها از پیشتاناز آزادی زنان بوده بلکه عکس‌های بدون حجاب از جمله در کنار «شاه جوان» نیز دارد، بیانگر استیصال و کم آوردن حکومت در برابر فریادها و شعارهای آزادیخواهی است که این روزها از دبستان تا دانشگاه، از خیابان تا بام و از بازار تا کارخانه‌ها شنیده می‌شود: «زن زندگی آزادی!»! شعاری که باز هم به شیوهی ابتکاری و منحصر به فرد نسل‌های جوان ایران با «مرد میهن‌آبادی» تکمیل شد تا مهر باطل بر تمامی تلاش‌های ایدئولوژیک مذهبی و غیرمذهبی بر جداسازی‌های جنسیتی و قومی و دینی و غیره از جمله تحت پوشش «دمکراسی» و «هویت‌طلبی» بزند.

در اعتراضاتی که پس از قتل حکومتی مهسا امینی بلافاصله روز بعد از جان باختن وی در سفر زادگاه وی شروع شد، هیچ شهروندی از دیگری درباره تعلقات طبیعی (جنسیت و گرایش‌های جنسی) و یا تصادفی و اکتسابی (قوم و مذهب و سیاست و...) نمی‌پرسد. همگی در سراسر سرزمین خود شعار همبستگی و «جانم فدای ایران» سر می‌دهند. سرزمینی که جمهوری اسلامی سوریه و لبنان و فلسطین را مهم‌تر از استان‌های آن می‌داند چون به دنبال استقرار یک «دولت جهانی اسلامی» است!

این روزها نیز مانند اعتراضات سال‌های گذشته نام شهرهایی شنیده می‌شود که شاید اهالی دیگر مناطق ایران آن را نشنیده باشند. شهرها و بخش‌هایی به اعتراضات می‌پیوندند که تا کنون تحرکی در آنها دیده نشده بود. آنچه به عنوان همبستگی ملی و فراجناسی و فراگروهی و سراسری، و در یک کلام، به نام جنبش آزادیخواهی و انقلاب ملی، شناخته می‌شود، درون ایران و به پشتوانه‌ی سال‌ها تجربه‌ی جمعی عینی و ذهنی شکل گرفته و به دستان توانای نسلی از تبار فکری و تکنولوژیک دیگر جاری شده است.

همه‌ی شهروندان با هر تعلق، این خیزش را مسیری به سوی اهداف دست‌یافتنی می‌بینند که در نهایت و کلیت خود در سه‌واژه خلاصه می‌شود: آزادی، امنیت، رفاه. یک خودآگاهی ملی و فرهنگی پس از ۴۳ سال آزمون و خطا در بطن جامعه پرورده شده که سرانجام به این نتیجه رسید تا وقتی حقوق نیمی از جامعه با فشار و سرکوب و تحقیر زیر پا گذاشته می‌شود، هم نیمی دیگر و هم کل جامعه آسایش نخواهد داشت. با این خیزش، ایران هرگز به پیش از ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ برنخواهد گشت و «زنان سرزمین» ادعایی جمهوری اسلامی دست در دست مردان آن را به قرون وسطا خواهند سپرد.

شفاف شده بود. اکنون نیز در چهار هفته گذشته تلاش اصلاح‌طلبان و حامیانشان نتوانسته کوچکترین توجهی از معترضان را جلب کند.

به تاریخ سپرده شدن جریان اصلاح‌طلب که سال‌هاست پروژه فریب افکار عمومی را به عهده دارد و حتی توانسته بود با صرف هزینه و پولپاشی و صدور و جاسازی مهره‌هایی در اپوزیسیون و رسانه‌های خارج کشور دست به سازماندهی بزند، یکی از مهمترین نقاط قوت خیزش ملی شهریور امسال است.

نسل «دهه هشتادی» درگیر جناحین حکومت نیست و برای به گور سپردن پیکر فاسد و فرتوت جمهوری اسلامی که زاینده انقلاب ۵۷ است تلاش می‌کند. شعارهای صریح و بی‌پرده‌ای که دانش‌آموزان و دانشجویان در روزهای اخیر سر داده‌اند نیز یکی از نشانه‌های هدف مشخص آنان برای براندازی نظام کنونی و ایجاد ساختاریست که آزادی‌های فردی و اجتماعی آنها را به رسمیت بشناسد و سرزمین آنها را به کشوری امن و مرفه برای زندگی تبدیل کند.

نسل «زد» توجه جهان را به «انقلاب ایران» جلب کرد
نسلی که در ایران به «دهه هشتادی» معروف است، در جهان به عنوان «نسل زد» یا «نسل زی» شناخته می‌شود. این نسل نخستین نسل بشر است که با اینترنت و تکنولوژی‌های جدید ارتباطی به دنیا آمده و بزرگ شده و نخستین نسل «شهروندان دیجیتال» به شمار می‌رود.

ارتباطات آزاد و گسترده این نسل از طریق پیام‌رسان‌ها و فضای اینترنت سبب شده درک آنها از عباراتی چون «حق» و «آزادی» و «گردش اطلاعات» با درکی که نسل‌های پیشتر داشتند متفاوت باشد. این نسل نمی‌تواند به ارتجاع مذهبی و ایدئولوژیک از جمله در قالب قوانین تن بدهد. هرچند برخی تلاش می‌کنند این نسل را بدون «ارزش»‌های انسانی و «بی‌تفاوت» و «خودپسند» و «ولنگار» معرفی کنند اما این نسل با میل شدید به «مشارکت» در همه مسائلی که به سرنوشت آن مربوط می‌شود، به محیط زیست و کار خود احساس «تعلق» (Engagement) دارد و برای ارتقا و بهبود آن می‌کوشد. این ویژگی «دهه هشتادی»‌ها و یا «نسل زد» در همین اعتراضات چهار هفته گذشته در ایران به صورت تمام و کمال به نمایش درآمده است.

نسل «دهه هشتادی» ایران از طریق شبکه‌های اجتماعی با دیگر هم‌سن‌وسالانش در جهان ارتباط دارد و در خیزش اخیر نقش مهمی در جهانی شدن صدای مردم ایران علیه جمهوری اسلامی دارد. اعتراضات مردمی در ایران پیش از آنکه در اینستاگرام که اغلب ایرانیان در آن فعال هستند توجه جهان را به خود جلب کند، در تیک‌تاک و توئیتر که بیشتر مورد استقبال این نسل است، ابعاد جهانی یافت. همچنین نخستین کمپین‌های حمایتی جهانی از این اعتراضات از جمله چیدن مو در تیک‌تاک جهانی برجسته شد. این نسل همچنین در تولید محتوای مبارزاتی، چه در ساخت و تکامل شعارها در خیابان، چه در شیوه مبارزه در کلاس درس و دانشگاه، و چه در تولید موسیقی و شعر و گرافیک به شکل حیرت‌آور و شگفت‌انگیزی موفق عمل و توجه جهان را به خود جلب می‌کند.

نسل «زد» که از جمله ویژگی‌های آن دوری از آرمانگرایی محض و ایده‌های تخیلی و خوش‌بینانه و همچنین رد ساختارهای عمودی و از بالا به پایین است، امروز در ایران این امیدواری را ایجاد کرده که با نگاهی عینی و واقع‌گرا بتواند بعد ایران بدون جمهوری اسلامی را به سرعت بازسازی و بازپوری کرده و سرزمینی آزاد و امن و آباد برای نسل‌های آینده برجای بگذارد.

روشنک آسترکی

در تحولات اجتماعی در هفتم آبان ۱۳۹۵ در پاسارگاد به مناسبت روز بزرگداشت کوروش بود. در آن روز هزاران نفر در پاسارگاد گرد آمدند تا در مقابل ارتجاع جمهوری اسلامی، بر فرهنگ و تاریخ ایران تکیه کنند و نشان دهند جایی خارج از جمهوری اسلامی ایستاده‌اند؛ در این تجمع که مقدمه



تحولات سیاسی خارج از چارچوب نظام در سال‌های بعد شد، حضور نوجوانان در کنار بزرگسالان چشمگیر بود. یک ماه بعد از شوک بزرگی که تجمع هزاران نفر در پاسارگاد به جمهوری اسلامی و حامیان انقلاب ۵۷ وارد کرد، سعید رضوی فقیه جامعه‌شناس اصلاح‌طلب و حامی نظام، در گفتگو با وبسایت انصاف‌نیوز تحولات آغاز شده را به عنوان «خطر» ارزیابی کرد و با تأکید بر «دهه هشتادی»‌ها گفت که «این نسل به محض آگاه شدن بر توانایی تأثیرگذاری و تغییر، این جمعیت انبوه حاکم بر دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ و کوچک همه چیز را دگرگون کرده و از هم‌همی جریان‌ها عبور خواهند کرد. این نسل مثل آب رودخانه ذره ذره پشت سدهای موجود جمع می‌شوند و یکباره وقتی نیروی مترکشان از نقطه‌ی خاصی فراتر رفت به یکباره سدها را ویران خواهند کرد.»

همچنین پس از اعتراضات دی ۹۶ که بطور رسمی آغازگر و یکی از نقاط عطف خیزش اعتراضی درون کشور علیه جمهوری اسلامی بود که تا امروز ادامه دارد، وزارت کشور دولت حسن روحانی پژوهشی تحلیلی درباره این اعتراضات انجام داد و نتیجه گرفت که ریشه اعتراضات جدا از مسائل اقتصادی و اجتماعی، «شکاف بین نسلی» نیز بوده است. عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور وقت درباره این موضوع گفته بود «نسلی که حالا به سن کنشگری سیاسی رسیده است و از طریق اینترنت، دسترسی بی‌حد و حصری هم به جهان و اطراف خود دارد، متفاوت عمل خواهد کرد.» یکی دیگر از مهمترین نشانه‌ها و فاصله‌گذاری این نسل با جمهوری اسلامی عدم توجه به انتخابات‌های ریاست جمهوری ۱۴۰۰ بود. در حالی که اصلاح‌طلبان همواره پال اثرگذار بر نسل جوان و رأی‌اولی‌ها در انتخابات‌های پیشین بودند اما در خرداد ۱۴۰۰ «دهه هشتادی»‌ها هوشیارانه بازی اصلاح‌طلبان را چنان بهم ریختند که این جریان حتی به آرای باطله نیز باخت. این فاصله بیشتر در اعتراضات دی ۹۶ که شعار «اصلاح‌طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا»

هستند و دوستان کارشان را انجام می‌دهند تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه برگردند!»

از سوی دیگر جمهوری اسلامی بخشی از کودکان و نوجوانان را در قالب نیروی سرکوب به کار گرفته تا با باتوم و اسلحه سرد به معترضان حمله کند؛ اقدامی که قطعاً مقدمه



تبدیل شدن این کودکان به «شخصیت غیراجتماعی» است! هرچند «کودک‌کشی» و امنیتی کردن فضای مدرسه و بازداشت و شکنجه کودکان توسط جمهوری اسلامی هنوز با واکنش جدی بین‌المللی روبرو نشده اما کارشناسان و فعالان حوزه کودک در ایران هشدارهای زیادی در شیوه برخورد جمهوری اسلامی با کودکان داشته‌اند. از جمله بیش از ۶۰۰ فعال ادبیات، هنر و فرهنگ کودک و نوجوان روز پنجشنبه ۲۱ مهر در بیانیه‌ای نقض حریم مدارس از سوی نیروهای نظامی و انتظامی را محکوم کردند. آنها با استناد به مواد ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۳۷، ۳۸ و ۴۰ کنوانسیون جهانی حقوق کودک، قانون حقوق کودک مصوب سال ۱۳۹۹ و نیز قانون فضاهای آموزشی مصوب سال ۱۴۰۰ و قانون مدنی درباره شرایط دستگیری افراد زیر سن قانونی، به عملکرد نیروهای امنیتی اعتراض کرده‌اند.

در این میان، نوجوانان جانباخته از نخستین طعمه‌های جمهوری اسلامی برای سناریوسازی بوده‌اند و حکومت با زیر فشار قرار دادن خانواده‌ها و گرفتن اعتراضات اجباری، در «داستان‌های تکراری» درباره نیکا و سارینا اعلام کرد آنها خودکشی کرده‌اند. برخی معتقدند این دروغ‌پردازی‌های آشکار به دلیل هراس جمهوری اسلامی از محکوم شدن به کودک‌کشی در محاکم بین‌المللی صورت گرفته است!

گفتار و رفتار صریح و قاطع جوانان

هرچند جمهوری اسلامی به زور سرکوب مرگبار توانست بر بخشی از دهه پنجاه، شصت و هفتادی‌ها تسلط پیدا کند و با سناریوهای اتاق‌های امنیتی از جمله دوگانه اصلاح‌طلب-اصولگرا، ظرفیت اعتراضی و حق‌خواهی آنها را هدایت کند، اما برای «دهه هشتادی»‌ها هیچ چیز در آستین ندارد. نداشتن برگی که برای این نسل رو شود تا همچنان در چارچوب نظام و بازی‌هایش در تحرک باشند، از مدت‌ها پیش از سوی برخی از تحلیلگران و مقامات حکومتی در قالب «آسیب» و «هشدار» مطرح شده بود. نباید فراموش کرد که یکی از نخستین حضورهای این نسل

گفتگوی «پاری ماچ» با شهبانو فرح پهلوی: آنچه غرب باید انجام دهد حمایت از خیزش مردم است!



کیهان شاهدخت نور، شهبانو فرح و بانو یاسمین پهلوی

● «آخوندها با چهل و سه سال قدرت انحصاری موفق به نابودی آزادی اندیشه نشده‌اند. ایرانیان با وجود اینهمه تبلیغات آنها بیا خاسته‌اند.»

● «آنچه غرب باید انجام دهد حمایت از خیزش مردم است. سازمان ملل متحد واکنش نشان داد؛ دنیای هنری و مطبوعات کل جهان نیز. در سراسر اروپا تظاهرات برگزار می‌شود. اما ایرانی‌ها تقریباً از اینترنت محروم شده‌اند. رژیم مانع دسترسی آنها می‌شود. اگر ما بتوانیم این شبکه‌ها را سامان بدهیم آنوقت می‌توانیم به معترضان داخل اطمینان بدهیم که ما در خارج کشور با آنها هستیم.»

● «در ایران طرفداران پادشاهی وجود دارند اما آنچه پسر رضا چهل سال است برایش مبارزه می‌کند، تفکیک قوا، تمامیت ارضی ایران، رهایی زنان و دموکراسی است. وی همیشه تکرار می‌کند: این بر عهده ایرانی‌هاست که تصمیم بگیرند چه می‌خواهند.»

شهبانو فرح پهلوی در ۲۲ مهرماه ۸۴ ساله می‌شود. مجله فرانسوی «پاری ماچ» به همین مناسبت در گفتگویی با شهبانو فرح پهلوی به رویدادهای ایران پرداخته است که فشرده‌ی آن را در ادامه می‌خوانید.

«پاری ماچ» در مقدمه می‌نویسد، شهبانو فرح پهلوی که ما «علیاحضرت» خطابش می‌کنیم، همزمان یک اینفلوئنسر اینستاگرام با تقریباً دو میلیون دنبال‌کننده در صفحات خود است. فضایی که وی در آن زندگی می‌کند شباهتی به کاخ‌های ایرانی ندارد. آپارتمانی در پاریس با دیوارهایی از چوب تیره که با عکس‌هایی از همسر و خانواده‌اش پوشانده شده به همراه تابلوهای فیگوراتیو مدرن و قاجاری و پرتره‌هایی از خودش، فرش ایرانی و حتا سنگفرش‌های خاکستری از خیابان‌های تهران (همانهایی که جوانان به طرف بسیجی‌ها پرتاب می‌کنند). رسم ایرانیان در مهمان‌نوازی نیز برقرار است: میزبانی با ظرف‌های شیرینی و پسته و خشکبار و شکلات. شهبانو در ۱۴ اکتبر ۸۴ ساله می‌شود. اما سن وی ده سال کمتر به نظر می‌رسد. بلندبالا و با قامتی راست کت و شلوار کرپ بی عیب و نقص به تن دارد، با چهره‌ی آراسته و آرایش موی شاهانه...

پاری ماچ: پس از گذشت بیش از چهار دهه، شما همچنان برای بسیاری از ایرانیان یک مآد به شمار می‌روید.

شهبانو: آنها به پشت‌گرمی از سوی من نیاز دارند و خودم نیز به آنها نیاز دارم. این جوشش محبت به من آرامش می‌دهد. خیلی‌ها با من تماس می‌گیرند، برایم ایمیل می‌فرستند، نامه می‌فرستند، مثلاً یک راننده تاکسی که یادداشتی را از طریق یک توریست فرانسوی فرستاده بود. شماره تلفن داده بود و وقتی با او تماس گرفتم خیلی خوشحال شد... من اغلب با نام مستعار تماس می‌گیرم. ولی به محض گفتن «سلام» صدایم را می‌شناسند: «شهبانو!» البته مانع می‌شوم و می‌گویم «اسم مرا نگویند، ممکن است شما را به دردرس بباندازد...» می‌گویند برایشان مهم نیست.

- بسیاری از ناظران می‌گویند که این اعتراضات گسترده‌تر و متفاوت از گذشته است. آیا شما هم همین احساس را دارید؟
- این جوانان مرا شگفت‌زده می‌کنند. جان باختن مهسا امینی قلبم را شکست. شجاعت زنان، دختران و پسران جوان

متولد شده پس از انقلاب اسلامی را تحسین می‌کنم. درون خود را بیشتر به خون جوانان هم‌میهن خود آغشته نکنند. انسانی آنها با وجود اینهمه خطرات سالم می‌ماند.

- سپاه پاسداران اینهمه ثروت به دست آورده... آیا به حرف شما گوش خواهند داد؟
- در میان آنها افرادی هستند که دیگر نمی‌خواهند به سمت جمعیت شلیک کنند.

- در مورد مخالفت نشان دادن فرزندان ثروتمند حاکمان اطلاعی دارید؟

- تظاهرات در نزدیکی محله‌های ثروتمند شمال تهران وجود دارد. اما نه از سوی ساکنان ثروتمند آنها، نه... اما اینبار، اعتراضات واقعاً در سراسر کشور گسترش یافت، نه فقط در شهرهای بزرگ.

- آیا تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی باید افزایش پیدا کنند یا حذف شوند؟
- رفع تحریم‌ها جیب آیت‌الله‌ها را پر می‌کند و نه مردم.

- اما سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند برگردند و شغل ایجاد کنند...

- بله، اما به نفع سرمایه‌گذاران شرکت‌ها و جمهوری اسلامی! آنچه غرب باید انجام دهد حمایت از خیزش مردم است. سازمان ملل متحد واکنش نشان داد؛ دنیای هنری و مطبوعات کل جهان نیز. در سراسر اروپا تظاهرات برگزار می‌شود. اما ایرانی‌ها تقریباً از اینترنت محروم شده‌اند. رژیم مانع دسترسی آنها می‌شود. اگر ما بتوانیم این شبکه‌ها را سامان بدهیم آنوقت می‌توانیم به معترضان داخل اطمینان بدهیم که ما در خارج کشور با آنها هستیم...

- شما که مسلمان هستید، آیا فکر نمی‌کنید مسلمانان در غرب باید به شدت با این رژیم مخالفت کنند؟

← شما که مسلمان هستید، آیا فکر نمی‌کنید مسلمانان در غرب باید به شدت با این رژیم مخالفت کنند؟

→ بسیاری از کشورهای مسلمان مخالف جمهوری اسلامی و شریعت آن هستند. این موضوع مهمی است.

- اما عجیب است که مسلمانان فرانسه سکوت می‌کنند...
- در میان شما و ما عده‌ای هم هستند که این چیزها [شریعت] را قبول دارند. افراد متعصب همیشه وجود خواهند داشت.

- در ایران شکاف عمیقی بین حکومت و افسر و مذهبی با ایرانیانی وجود دارد که همه جا می‌توان آنها را دید: مدرن و تحصیلکرده که بی‌تفاوتی خود را نسبت به دین تأیید می‌کنند.

- بله، آخوندها با چهل و سه سال قدرت انحصاری موفق به نابودی آزادی اندیشه نشده‌اند. ایرانیان با وجود اینهمه تبلیغات آنها بپا خاسته‌اند.

- تصور اینکه فرزندان ثروتمند مقامات سرکوبگر با این روش‌ها موافق باشند دشوار است. شما اطلاعی دارید؟
- فکر می‌کنم که «بچه پولدارهای تهران» اهمیتی نمی‌دهند. اما همه موافق نیستند. دختر رئیس جمهور سابق رفسنجانی به اتهام «تحریک به اغتشاش» در زندان است. او ۵۹ ساله است و اولین بار نیست که از نظام انتقاد می‌کند. خودم در زوم با یکی از خواهرزاده‌های خامنه‌ای صحبت کردم که شعری برای من سروده بود. او را به زندان انداختند. حتی مذهبی‌ها هم از رژیم انتقاد می‌کنند...

- به نظر شما سپاه پاسداران با میلیارد دلار که جمع کرده می‌تواند قدرت را به دست بگیرد؟

- این پول از پورسانت معاملات و قاچاق مواد مخدر و عملیات غیرقانونی به دست آمده. اما می‌دانم که برخی دیگر نمی‌خواهند خون بریزند. و از پدر و مادر خود به خاطر اینکه انقلاب کرده و حکومت شاه را سرنگون کردند عصبانی هستند.

- آیا امروز با «سالمندانی» روبرو می‌شوید که از کار خود پشیمانند؟
- بله، آنها این پشیمانی را به من ابراز می‌کنند که مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- آیا در آن زمان، در سال ۱۹۷۹، چشم‌ها کور شده بود؟
- مائوئیست‌ها، کمونیست‌های مارکسیست اسلامی فکر می‌کردند حتماً برنده می‌شوند اما بسیاری از آنها حذف شدند. الله قوی‌تر از آنها بود!

- آیا پیروزی آن انقلاب پاسخ به نوعی نیاز عرفانی بود؟
- شاید؛ یک استاد دانشگاه را به یاد می‌آورم که مدعی بود چهره خمینی را بر ماه دیده است! یک روشنفکر! هذیان محض!

- چه کسانی در ایران خواهان بازگشت خاندان پهلوی هستند؟

- در ایران طرفداران پادشاهی وجود دارند اما آنچه پسر رضا چهل سال است برایش مبارزه می‌کند، تفکیک قوا، تمامیت ارضی ایران، رهایی زنان و دموکراسی است. وی همیشه تکرار می‌کند: این بر عهده ایرانی‌هاست که تصمیم بگیرند چه می‌خواهند.

*منبع پاری ماچ

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

پیام مهم شاهزاده رضا پهلوی به مردان و زنان و فرزندان ایران: اعتراض در خیابان را با اعتصابات سراسری تکمیل کنید! جمهوری اسلامی به زودی در خیابان‌ها نیز سقوط خواهد کرد



پس گرفتن ایران است. خیابان‌ها از آن شماست، و در آستانه یک پیروزی تاریخی هستید. رمز پیروزی، اتحاد، همبستگی و تداوم است. اعتراض در خیابان را با #اعتصابات_سراسری تکمیل کنید.
جمهوری اسلامی در ذهن و قلب شما سقوط کرده است و به زودی در خیابان‌های ایران نیز سقوط خواهد کرد.

پاینده ایران،
رضا پهلوی
۱۶ مهر ۱۴۰۱

هم‌میهن‌انم،
جوانان تهران و البرز، دلبران کردستان و کرمان، پهلوانان سیستان و بلوچستان و کرمانشاه، دلاوران مازندران و گیلان و گلستان، سرداران خراسان، شجاعان اراک و همدان و زنجان، سرداران لرستان و ایلام و یاسوج و بختیاری، بلندهمتان آذربایجان و اردبیل، شیردلان اصفهان و شیراز و یزد، مردان و زنان و فرزندان ایران،

بیش از سه هفته است که در خیابانید و خواب را از ضحاک و گماشتگانش ربوده‌اید. امروز حماسه دیگری آفریدید. چشمان جهان به شما و مبارزه دلاورانه‌تان برای باز

پیام دوباره شهبانو فرح پهلوی به نیروهای مسلح:

ابزار سرکوب مردم نشوید! با این ملت باشید!



من دوباره به عنوان یک مادر از شما نیروهای انتظامی، ارتش، سپاه، بسیج و لباس‌شخصی‌ها می‌خواهم که در ضمیر ذهنی خود، خواهران، برادران، پدران و مادران‌تان را در مقابل خود ببینید و اجازه ندهید که سردمداران نظام برای گریز از خشم ملت، شما را ابزار سرکوب مردم کنند. شما هم از این ملت هستید پس با این ملت باشید.

هر روز که می‌گذرد با نهایت تاسف و اندوه، شاهد رفتار بی‌رحمانه و غیر انسانی عوامل رژیم با جوانان کشورمان هستم.

امروز مردم ایران، زن و مرد، پیر و جوان، دانشجو و دانش‌آموز از هر گوشه ایران و با گرایش‌های متفاوت برای از میان برداشتن ظلم بپا خاسته‌اند.



یورش نیروهای امنیتی با ون و موتور به مدارس برای بازداشت دانش آموزان؛ معاون آموزش و پرورش: دانش آموز اخراجی نداریم

----- در پی اعتراضات گسترده دانش آموزان در شهرهای مختلف ایران، آماري از دانش آموزان بازداشت شده و يا اخراجي در دست نيست. با وجود اين، گستردگي اعتراض دانش آموزان و مقابله جديشان با مسئولان مدارس، وزارت آموزش و پرورش را در موقعيت بي سابقه اي قرار داده بطوري كه تلاش مي كند با انكار نگرش متفاوت كودكان و نوجوانان به شيوه هاي تربيتي و ايدئولوژيك و سرکوبگرانه ي جمهوري اسلامي و تضاد تمام عيار آن با افکار و چشم اندازهاي نسل جوان، موضوع را فراقكني كند.

يوسف نوري وزير آموزش و پرورش در همين ارتباط گفته است، «هر ساعتی که دانش آموزان از درس جا همانند ضرر کرده اند، امروز دشمن در پی غيرحضورى كردن آموزش است.»

او درباره کلاس های غيرحضورى نيز مي گويد، «دانش آموز ما در فضاى مجازى در هر ثانيه فرصت هاي زيادى براى آموزش را از دست مي دهد و برنامه ريزى دشمن بر روى همين مسأله و حضور گسترده دانش آموزان در فضاى مجازى جهت فرصت سوزى است.»

وزارتخانه آموزش و پرورش تلاش مي كند تا وضعيت پرتنش ناشى از اعتراض و اعتصاب دانش آموزان را با اعلام برقرارى كلاس هاي حضورى عادى جلوه دهد. با اينهمه اما به دليل ابعاد گسترده اعتراضات در استان كردستان، مدارس را در اين استان امروز تعطيل و غيرحضورى کرده است.

چندى پيش نيز «انجمن صنفى معلمان كردستان» در بيانيه اي به نيروهاي سرکوبگر هشدار جدي داده بود در صورت عدم مدارا و به كار گرفتن خشونت عليه دانش آموزان در اعتراض درنگ نخواهند كرد: «براى ما معلمان جان و آينده ي دانش آموزان همه چيز است و كمترين بها براى حفظ آن جان ماست.»

در اين بيانيه تأكيد شده، «آگاه باشيد اگر حتى يك موى از سر دانش آموزى كم بشود و يا دانش آموزى را بازداشت كنيد ما معلمان با دانش آموزان خود به خيابان مي آييم و در خيابان و در انتظار عموم درس آزاديخواهى با موضوع زن - ژيان - نازادى (زن، زندگى، آزادى) را برگزار خواهيم كرد.»

در بخش ديگرى از اين بيانيه نيز هشدار داده شد، «به كار بردن خشونت و سپردن امور به جريانات تندرو و ارتجاعى خصوصاً در دستگاه آموزش و پرورش تباهى به بار خواهد آورد و چنان شد لذا اكيده هشدار مي دهيم در صورت تشديد فشار و ادامه جان ستاندى از شهروندان ايران در سيستان و بلوچستان، كردستان، مازندران، تهران و ... ما معلمان با دانش آموزان خود به خيابان خواهيم آمد و تا حصول پيروزى قطعى در خيابان خواهيم ماند.»

از مدارس با هدف بازداشت دانش آموزان معترض خبر داده و فيلمى نيز از اين حمله به هنرستان آفرينش در پرديس منتشر کرده است.

بر اين مبنا، مأموران به مدرسه ها حمله کرده اند و كودكان و نوجوانان را «فله اي بازداشت مي كنند». اين حساب فعال خواستار اطلاع رسانى عمومى و حمايت از دانش آموزان شده است.

«۱۵۰۰+ تصوير» روايت يك مدرسه را كه مورد حمله مأموران قرار گرفته را اينطور آورده است: «اجازه نداديم لباس شخصى ها كسى رو بپند و فرار كردند و با ون ها شون رفتند. بعد نيروى انتظامى آمد و دوباره مردم به شون هجوم بردند. بعد بالای ده تا ماشين و ده تا موتور يگان ويژه مسلح آمدند. بچه ها را در مدرسه نگه داشتند كه تحويل بدهدشان و در كلاس هايما هم آمدند.»

در اين حساب از خانواده ها خواسته شده تا به مدارس بروند و مانع از بازداشت كودكان و نوجوانان و فرزندان خود شوند.

در اين ميان، كاظمى معاون آموزش و پرورش هر كوشش را داراى خطوط قرمزى و دانش آموزان معترض را «اندك» دانسته و گفته است: «ما بايد زمينه آموزش را براى همه دانش آموزان فراهم كنيم و اگر جايى تعداد اندكى در مقابل حدود ۱۶ ميليون دانش آموز ما بخواهند حركتى انجام دهند، بايد براى همان دانش آموزان نيز فرصت آموزش را فراهم كنيم.» معاون آموزش متوسطه تأكيد داشته است، «وزارت آموزش و پرورش خود را موظف مي داند تلاش خود را براى دانش آموزانى كه از قبل بازگشايى مدارس برايشان اتفاقاتى افتاده و مشكلاتى داشته اند، انجام دهد.»

او در سخنان تكرارى و بي معنى بار ديگر اعتراض دانش آموزان را ناشى از «جنگ رسانه اي استكبار» خوانده و افزوده: «استكبار از طريق جنگ رسانه اي و از طريق رسانه، سعى در بزرگنمايى و بعضا ساختار شکنى هايى دارد كه تعدادى در كشور شروع به انجام دادن آن كردند. برخى از اين خبررسانى ها كه بعضا در اين ايام شكل گرفت، اخبار دروغ و بزرگنمايى شده بود.»

معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش با بيان اينكه برخى به دنبال بهم زدن فضاى آموزش در مدرسه بودند و از اقتضائى سن و هيجانات نوجوانان و كنجكاوى دانش آموزان استفاده كردند، گفت: «برخى در پى اين بودند مدرسه را با چالش مواجه كنند و برخى اغتشاشات كه در گوشه هايى شكل گرفت را به مدرسه بكشاند كه اين موضوع با درايت مديران و هوشمندی دانش آموزان و اولياء محقق نشد.»

● محمدمهدي كاظمى معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش در يك نشست خبرى درباره اخراج دانش آموزان باتوجه به پيوستن دانش آموزان به اعتراضات سراسرى در ايران گفت: «هيچ دانش آموزى در اين راستا اخراج نشده است.» او افزود: «اگر مشكلى براى يكي از اين دانش آموزان پيش آيد ما خود را موظف مي دانيم براى آموزش او تلاش كنيم. دانش آموزى در اين راستا اخراج نشده؛ اگر هم تحت تاثير قرار گرفته و حركتى انجام داده بايد به او آگاهى بخشى كنيم.»

● حساب حقوق بشرى «۱۵۰۰+ تصوير» از يورش و حمله نيروهاي امنيتى حكومت به برخى مدارس با هدف بازداشت دانش آموزان معترض خبر داده و فيلمى نيز از اين حمله به هنرستان آفرينش در پرديس منتشر کرده است.

● طبق اعلام منابع آگاه، مأموران به مدرسه ها حمله کرده اند و كودكان و نوجوانان را «فله اي بازداشت مي كنند». اين حساب فعال خواستار اطلاع رسانى عمومى و حمايت از دانش آموزان شده است.

● «۱۵۰۰+ تصوير» روايت يك مدرسه را مورد حمله قرار گرفته را اينطور آورده است: «اجازه نداديم لباس شخصى ها كسى رو بپند و فرار كردند و با ون ها شون رفتند. بعد نيروى انتظامى آمد و دوباره مردم به شون هجوم بردند. بعد بالای ده تا ماشين و ده تا موتور يگان ويژه مسلح آمدند. بچه ها را در مدرسه نگه داشتند كه تحويل بدهدشان و در كلاس هايما هم آمدند.»

معاون وزير آموزش و پرورش مي گويد دانش آموزان معترض از مدرسه اخراج نمى شوند و تلاش اين وزارتخانه تداوم آموزش دانش آموزان است! اين در حاليست كه حساب حقوق بشرى «۱۵۰۰+ تصوير» از حمله نيروهاي امنيتى حكومت به مدارس براى بازداشت دانش آموزان معترض خبر داده است.

محمدمهدي كاظمى معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش در يك نشست خبرى درباره اخراج دانش آموزان باتوجه به پيوستن دانش آموزان به اعتراضات سراسرى در ايران گفت: «هيچ دانش آموزى در اين راستا اخراج نشده است.» او افزود: «اگر مشكلى براى يكي از اين دانش آموزان پيش آيد ما خود را موظف مي دانيم براى آموزش او تلاش كنيم. دانش آموزى در اين راستا اخراج نشده؛ اگر هم تحت تاثير قرار گرفته و حركتى انجام داده بايد به او آگاهى بخشى كنيم.»

اين در حاليست كه حساب حقوق بشرى «۱۵۰۰+ تصوير» از يورش و حمله نيروهاي امنيتى حكومت به برخى

تکرارِ دروغ «خودکشی» درباره سارینا اسماعیل زاده؛

به دلیل ضربات منجر به قتل، یک سناریو تکرار می‌شود: سقوط از بلندی!

پزشکی قانونی و حتی سردخانه کهریزک مراجعه کردند اما پاسخی دریافت نکردند. در حالی که به گفته مادر نیکا، روز ۲۹ شهریور پیکر بیجان نیکا به کهریزک تحویل و به پلیس هم گزارش شده بود.

سناریوهای نخ‌های جمهوری اسلامی درباره قتل نیکا شاکرمی؛ مادرش در یک پیام ویدئویی دروغ‌ها را رد کرد خانواده نیکا شاکرمی پس از اینکه پیکر وی را پیدا کردند تصمیم گرفتند او را در خرم‌آباد، زادگاه و شهر اجدادی‌اش به خاک بسپارند اما مقامات امنیتی پیکر او را دزدیده و در روستایی دورافتاده در مسیر خرم‌آباد- اندیمشک بدون حضور خانواده به خاک سپردند. همزمان دایمی و خاله نیکا نیز بازداشت شدند و در روزهای گذشته با پخش اعترافات اجباری آنها از صداوسیما جمهوری اسلامی، داستان دروغینی درباره خودکشی نیکا با پرت کردن از ارتفاع منتشر کردند.

افکار عمومی نه تنها سناریوی جمهوری اسلامی درباره نیکا را باور نکرده بلکه کاربران در شبکه‌های اجتماعی گف‌هایی را که در این گزارش‌های دروغین از سوی نهادهای امنیتی داده شده بود نیز برشمرده‌اند.



مادر نیکا نیز با انتشار ویدئویی که در اختیار «رادیو فردا» قرار گرفت، تأکید کرده اعترافات خواهر و برادرش اجباری و زیر فشار در بازجویی بوده و خودش هم زیر فشار شدید امنیتی قرار دارد.

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه دختران نوجوان و جوان طی سه هفته گذشته در کانون خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی قرار گرفته‌اند و با سوزاندن روسری و مقنعه یکی از پایه‌های ایدئولوژی حکومت را نشانه گرفته‌اند، جمهوری اسلامی سناریوسازی علیه جانباختگان را با نوجوانان آغاز کرده تا جنایات خود را لاپوشانی کند. معلوم نیست جوانانی که با شور و امید به خیابان‌ها آمده‌اند و از هر زمانی به آزادی و ایران بدون جمهوری اسلامی بیشتر نزدیک هستند، چرا باید با پریدن از بلندی خودکشی کنند! همین موضوع که مقامات مسئول به دلیل ضربات وارده بر پیکر این نونهالان بی‌گناه نمی‌تواند نوع دیگری از «خودکشی» را به آنها نسبت دهد، گویای وقاحت و بی‌شرمی رژیم است که در برابر کودکان و نوجوانان ایران ناتوان شده است.

گفته بود. او در ویدئوی دیگری با عزم و امید گفته نوجوان ایرانی دیگر نوجوان ۲۰ سال پیش نیست؛ از اوضاع جهان باخبر است و از خودش می‌پرسد چه چیزی کمتر از نوجوان آمریکایی دارد تا دغدغه‌هایشان اینقدر متفاوت باشد.

سارینا طی هفته نخست اعتراضات نیز علاوه بر انتشار عکس‌هایی از اعتراضات، سه روز قبل از اینکه کشته بشود نوشته بود: «یعنی میشه بشه؟» و روز بعد هم نوشته بود: «وطنم بوی غربت میده...»

اکنون پس از بیش از دو هفته از جان باختن سارینا اسماعیل زاده، رئیس کل دادگستری استان البرز مدعی شده که سارینا در اعتراضات نبوده و «در بررسی‌های مشخص شده که متوفی در منزل مادر بزرگ، خود را به پشت بام طبقه پنجم رسانده و از آنجا پس از ورود به پشت بام همسایه به پایین پریده و طبق بررسی‌های اولیه خودکشی کرده است!»

حسین فاضلی هریکندی با بیان اینکه تحقیقات بازپرسی از مادر ایشان مشخص کرده که متوفی سابقه خودکشی ناموفق با مصرف قرص داشته، افزوده است که «پلیس نیز با تماس

تلفنی همسایه از موضوع سقوط از ارتفاع مطلع و به محل مراجعه کرده و با حضور اورژانس در محل مشخص گردیده که وی متأسفانه فوت نموده است!»

رئیس کل دادگستری استان البرز همچنین گفته که «طبق گزارش پزشکی قانونی علت فوت، شوک ناشی از ضربه به دنبال صدمات و شکستگی‌های متعدد و خونریزی به واسطه سقوط از ارتفاع بوده است.»

این ادعاها پس از تلاش جمهوری اسلامی برای ارائه سناریویی دروغین و مشابه از جان باختن نیکا شاکرمی نوجوان ۱۶ ساله‌ی دیگری صورت گرفته که ۲۸ شهریور در اعتراضات بلوار کشاورز تهران مفقود و پس از ۹ روز پیکر او را به خانواده تحویل دادند. جمجمه او نیز بر اثر ضربات شدید از چند نقطه شکسته بود و گونه‌ها و بینی او نیز خرد شده بود. بر اساس گواهی فوت نیز مرگ این دخترک بر اثر «ضربات متعدد جسم سخت به سرش» بوده است.

در طول روزهایی که نیکا مفقود بود خانواده او بارها به پلیس امنیت، آگاهی، دفاتر نهادهای امنیتی، بیمارستان‌ها و

● معلوم نیست جوانانی که با شور و امید به خیابان‌ها آمده‌اند و از هر زمانی به آزادی و ایران بدون جمهوری اسلامی بیشتر نزدیک هستند، چرا باید با پریدن از بلندی خودکشی کنند! همین موضوع که مقامات مسئول به دلیل ضربات وارده بر پیکر این نونهالان بی‌گناه نمی‌تواند نوع دیگری از «خودکشی» را به آنها نسبت دهد، گویای وقاحت و بی‌شرمی رژیم است که در برابر کودکان و نوجوانان ایران ناتوان شده است.

● رئیس کل دادگستری استان البرز؛ در بررسی‌های مشخص شده که متوفی در منزل مادر بزرگ، خود را به پشت بام طبقه پنجم رسانده و از آنجا پس از ورود به پشت بام همسایه به پایین پریده و طبق بررسی‌های اولیه خودکشی کرده است!

● سارینا دانش‌آموز و بلاگر نوجوان و پرشوری بوده که ویدئوهایی درباره زندگی روزانه و دغدغه‌های زندگی یک نوجوان در ایران را از جمله همراه با تصاویری از اعتراضات سراسری اخیر در اینستاگرام و یوتیوب و تلگرام منتشر می‌کرده است. شور و شوق این دختر نوجوان به زندگی در تضاد کامل با سناریوی رژیم در مورد «خودکشی» وی قرار دارد.

رئیس کل دادگستری استان البرز مدعی شده سارینا اسماعیل زاده نوجوان ۱۶ ساله‌ای که در اعتراضات ۳۰ شهریور در کرج به دلیل اصابت باتوم به سرش جان باخت، خود را از پشت بام خانه مادر بزرگش به پایین پرت و خودکشی کرده است. این ادعای کذب دو روز پس از پخش اعترافات اجباری خاله و دایمی نیکا شاکرمی نوجوان جانباخته دیگر در اعتراضات مطرح شده است.

جمهوری اسلامی در پی سناریوهای سریالی به شدت آبرویافته تلاش دارد قتل حکومتی جوانان و نوجوانان معترض توسط سرکوبگران مزدور را «خودکشی» جا بزند. همزمان ماشین دروغ و فریب جمهوری اسلامی، اعضای خانواده جانباختگان را زیر فشار قرار داده و آنها را به گروگان می‌گیرد تا سکوت کنند و با دروغ‌های اجباری جملات دیکته شده مقامات امنیتی را تکرار نمایند.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه بامداد جمعه ۱۵ مهرماه به نقل از حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز نوشته که «جسد دختر جوانی حدود ۱۶ ساله در محل ورودی پارکینگ پشتی ساختمان همسایه منزل مادر بزرگ متوفی در عظیمه کرج قرار داشت!» در این خبر ادعا شده است که گزارش «سقوط از ارتفاع» دوم مهرماه دریافت شده و «علت فوت ضربه، شکستگی و خونریزی ناشی از سقوط از ارتفاع بوده است.»

سارینا اسماعیل زاده ۱۶ ساله در جریان اعتراضات در شهر کرج در استان البرز در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ پس از ضرب و جرح شدید توسط نیروهای امنیتی با باتوم از جمله در ناحیه سر، جان خود را از دست داد.

سارینا دانش‌آموز و بلاگر نوجوان و پرشوری بوده که ویدئوهایی درباره زندگی روزانه و دغدغه‌های زندگی یک نوجوان در ایران را از جمله همراه با تصاویری از اعتراضات سراسری اخیر در اینستاگرام و یوتیوب و تلگرام منتشر می‌کرده است. شور و شوق این دختر نوجوان به زندگی در تضاد کامل با سناریوی رژیم در مورد «خودکشی» وی قرار دارد.

سارینا در ویدئویی که آن را در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده بود، از مشکلات زندگی زیر سایه جمهوری اسلامی و نبودن حداقل‌های یک زندگی عادی برای ایرانیان نیز سخن

اروپا نیز قانون ماگینتسکی خودش را به تصویب رساند. با وجود این باز هم بسیاری از ناقضان حقوق بشر تا زمانی که نام آنها در فهرست‌های تحریمی قرار نگیرد، خواهند توانست از تور این قانون فرار کنند.

عطا هودشتیان استاد دانشگاه و از اعضای انجمن «کانادایی‌ها برای دموکراسی در ایران» تصمیم روز گذشته دولت کانادا را مثبت ارزیابی می‌کند اگرچه به کیهان لندن می‌گوید «این گامی کوچک برای دستیابی به هدفی بس بزرگتر یعنی قرار دادن کلیت سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی است.»

حسین رئیسی حقوقدان ایرانی- کانادایی نیز در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «انتظارات جامعه ایرانیان کانادا از دولت بیش از این بود و دولت جاستین ترودو که تحت فشار شدید حزب محافظه‌کار که در اپوزیسیون قرار دارد و در این ماه‌ها از سوی ایرانی- کانادایی‌ها نیز تحت فشار بود، بالاخره مجبور شد چند قدمی عقب‌نشینی کند.»

کانادا صدای ایرانیان را شنید؛ ده هزار مقام ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحریم می‌شوند



جاستین ترودو تدابیر دولت کانادا را علیه جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام می‌کند /
جمعه ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲

حسین رئیسی در ادامه می‌افزاید «جاستین ترودو چندین سال تلاش کرد روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی را احیا کند، و شاید به همین دلیل تحریم مقامات سپاه پاسداران اینهمه سال به تعویق افتاد.» کانادا در ۱۷ شهریور ۱۳۹۱ روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی به تعلیق درآورد.

بابک پیامی کارگردان ایرانی- کانادایی نیز که اخیراً مستند او با عنوان «۷۵۲ یک عدد نیست» در جشنواره سینمایی تورنتو اکران شد به کیهان لندن می‌گوید «امروز دولت کانادا موضع خود را مشخص کرد که در کنار مردم ایران در مقابل ظالمانی که جان و مال ایرانیان را تصرف کرده اند قرار دارد.» این کارگردان در ادامه بر نکته دیگری نیز تأکید کرد: «ایرانیان خارج کشور نشان دادند که با همگرایی مدنی می‌توانند صدای مردم کشور خود در کشورهای مختلف باشند و دولت‌های خارجی را با مردم ایران همراه کنند. امروز با پیشگامی کانادا نقطه عطفی در تاریخ حرکت‌های مدنی ایرانیان خارج از کشور به شمار می‌رود که حقوق بشر، آزادی زنان، آزادی بیان و اقلیت‌ها را در راس مسائل مربوط به ایران قرار دهند و در مقابل روایتی که جمهوری اسلامی می‌خواهد به مردم ایران و جهان تحمیل کند بایستند.»

دراستی‌های افراد تحریم شده اختصاص خواهد داد.» موضوع قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی برای اولین بار در سال ۲۰۱۸ میلادی در پارلمان این کشور مطرح شد. فرخ زندی استاد دانشگاه ایرانی- کانادایی به کیهان لندن می‌گوید «در آن سال این طرح با آرای تمام احزاب حاضر در پارلمان به استثناء یک حزب به تصویب رسید و برای اجرائی شدن به مجلس سنا فرستاده شد، ولی متأسفانه در آنجا باقی ماند و هرگز به تصویب نرسید.» این استاد دانشگاه در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید «اگرچه تقاضای ما مبنی بر قرار دادن کلیت سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی مورد قبول واقع نشد، ولی به هر حال اکنون گامی مثبت برداشته شده است.» فرخ زندی معتقد است که اگر «قانون موسوم به ماگینتسکی به اجرا گذاشته شود، انوقت بخش عمده خواست‌های جامعه ایرانیان در کانادا برآورده خواهد شد.» بر پایه قانون ماگینتسکی که در سال ۲۰۱۲ به تصویب کنگره آمریکا و امضای رئیس‌جمهور وقت آن کشور باراک اوباما رسید، کلیه کسانی که متهم به نقض حقوق بشر هستند نه تنها حق ورود به آمریکا را نخواهند داشت، بلکه کلیه اموال آنها نیز ضبط خواهد شد. در سال ۲۰۱۵ کانادا نیز طرح مشابهی را به اجرا درآورد و در سال ۲۰۲۰ پارلمان

بنا بر آنچه جاستین ترودو با اشاره به شنیدن صدای ایرانیان از جمله جامعه ایرانیان کانادا، در عصر روز جمعه اعلام کرد ده هزار نفر از اعضای ارشد و میانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست ویژه قرار خواهند گرفت و برای همیشه ورودشان به خاک کانادا و انجام هرگونه تراکنش مالی در این کشور برای آنها ممنوع خواهد بود. جاستین ترودو در یک کنفرانس رسانه‌ای مشترک با کریستینا فریلد، یکی از معاونین‌اش، گفت احتمال اینکه در آینده کلیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی قرار گیرد را رد نمی‌کند. در کانادا نیروی «قدس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مدت‌ها پیش در فهرست تروریستی قرار دارد.

فرخ زندی استاد دانشگاه: «اگرچه تقاضای ما مبنی بر قرار دادن کلیت سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی مورد قبول واقع نشد، ولی به هر حال اکنون گامی مثبت برداشته شده است.»

عطا هودشتیان استاد دانشگاه: «این گامی کوچک برای دستیابی به هدفی بس بزرگتر یعنی قرار دادن کلیت سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی است.»

حسین رئیسی حقوقدان: «جاستین ترودو چندین سال تلاش کرد روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی را احیا کند، و شاید به همین دلیل تحریم مقامات سپاه پاسداران اینهمه سال به تعویق افتاد.»

بابک پیامی فیلمساز: «ایرانیان خارج کشور نشان دادند که با همگرایی مدنی می‌توانند صدای مردم کشور خود در کشورهای مختلف باشند و دولت‌های خارجی را با مردم ایران همراه کنند.»

احمد رأفت - جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا سرانجام پس از چهار سال تلاش ایرانیان ساکن این کشور و به ویژه خانواده‌های قربانیان سرنگونی هواپیمای شرکت هواپیمایی «اوکراین اینترنشنال» توسط دو موشک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در سرگراه ۱۸ دی‌ماه ۹۸ (۸ ژانویه ۲۰۲۰) که در آن همه‌ی ۱۷۶ سرنشین این پرواز جان خود را از دست دادند، پذیرفت تدابیری علیه حضور اعضای ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کانادا و پولشویی در این کشور اتخاذ کند.

بنا بر آنچه جاستین ترودو با اشاره به شنیدن صدای ایرانیان از جمله جامعه ایرانیان کانادا، در عصر روز جمعه اعلام کرد ده هزار نفر از اعضای ارشد و میانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست ویژه قرار خواهند گرفت و برای همیشه ورودشان به خاک کانادا و انجام هرگونه تراکنش مالی در این کشور برای آنها ممنوع خواهد بود. جاستین ترودو در یک کنفرانس رسانه‌ای مشترک با کریستینا فریلد، یکی از معاونین‌اش، گفت احتمال اینکه در آینده کلیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی قرار گیرد را رد نمی‌کند. در کانادا نیروی «قدس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مدت‌ها پیش در فهرست تروریستی قرار دارد.

کریستینا فریلد البته گفت «ما عملاً سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده‌ایم.» معان نخست‌وزیر کانادا افزود «طبق قوانین منع ورود و مهاجرت اعضای سپاه و در سطح گسترده‌تری مقامات ارشد جمهوری اسلامی به معنای تلقی کردن سپاه به عنوان یک گروه تروریستی است.» نخست‌وزیر کانادا افزود کشورش از ابزار قدرتمندی برای فشار بر «رژیم بی‌رحم جمهوری اسلامی» برخوردار است و «تحریم‌ها علیه آن را ادامه خواهد داد.» جاستین ترودو اشاره کرد که دولت او ۷۶ میلیون دلار کانادایی «برای اجرای تحریم‌ها و توقیف

جنبش‌های داخلی و دشمنان خارجی

علاوه بر جنبشهای مقاومت در داخل ایران، اشرف افغان با دو دشمن خارجی روبرو بود.

روسیه و عثمانی، هر دو با استفاده از فرصت در صد بودند قسمتهایی از خاک ایران را به تصرف درآوردند و ضمیمه خاک خود کنند. از همین رو، پس از سقوط سلطنت صفویه و به تخت نشستن محمود، به هم نزدیک شدند و سفیرانی مبادله کردند و حریمی برای متصرفات خود در نظر گرفتند. پطر کبیر فرمانروای روسیه، که در عین حال سفیر پهماسب میرزا را به حضور پذیرفته و قراردادی با وی بسته بود، سرزمینهای غربی دریای خزر و گیلان را در تصرف داشت. سلطان احمد سوم، فرمانروای عثمانی، گرجستان و ارمنستان و نیز بخشهایی از ایالات غرب ایران را به چنگ آورده بود. در خراسان ملک محمود سیستانی حکومت می‌کرد و پهماسب میرزا به نام شاه پهماسب دوم بر مازندران و استراباد (گرگان) حکم می‌راند.

چنین بود اوضاع ایران تا زمانی که پطر کبیر از جهان رفت (۱۷۲۵ میلادی / ۱۱۲۸ هجری قمری) و همسرش کاترین جانشین او شد.

در این زمان، ترکها بر دامنه متصرفات خود می‌افزودند. دربار عثمانی که از جنگهای اروپا خلاص شده بود به تمامی خاک ایران نظر داشت و به این بهانه که با برافتادن سلطنت شیعیان، ایران باید تحت قیادت خلیفه اسلام (سلطان عثمانی) درآید، تاخت و تاز آغاز کرد. پس از تصرف مرند و تسلط بر قلعه زئوز، لشکریان عثمانی به پشت دروازه تبریز رسیدند ولی با مقاومت سخت اهالی شهر و حاکم آن، مصطفی خان، روبرو شدند.

در همین احوال، سفیری که اشرف برای مذاکره و مصالحه با سلطان عثمانی اعزام داشته بود، به اسکوتاری (از نواحی قسطنطنیه) رسید. دربار عثمانی در شرایط عادی نیز چندان حرمتی برای سفیران قائل نمی‌شد چه رسد به آن که در این زمان، ایران را کشوری درهم پاشیده می‌یافت و حکومت افغانستان را بر این کشور به چیزی نمی‌شمرد. از طرفی، عبدالعزیز، فرستاده اشرف فردی عامی و به تعبیر کروسینسکی یک قاطرچی بود که جسارت و شجاعتش در لشکرکشیها تنها علت ترقیات او محسوب می‌شد. نامه‌ای هم که اشرف به این سفیر سپرده بود تا به «باب عالی» برساند لحنی کاملاً خودخواهانه داشت.

نامه را به عنوان شاه شاهان نوشته و با این دو بیت عربی به پایان رسانیده بود:

السيف والخنجر ربحاننا
أفّ علی التّرجس و الآس
شربنا من دمّ اعدائنا
و کأسنا جمجمه الزّاس

یعنی گل و گیاه ما خنجر و شمشیر ماست - نرگس و آس (درختی با گلهای سفید خوشبو) را خوار می‌شماریم. شراب ما خون دشمنان ماست - و جام ما کاسه سر آنها.

سجع مهرش نیز چنین بود: «اشرف، مطیع فرمان خداوند و خاک پای چهار یار - ابوبکر و عمر و عثمان و علی - به اذن پروردگار، برجسته‌ترین پادشاه روی زمین».

عبدالعزیز انتظار داشت به عنوان فرستاده چنان پادشاهی از سوی همسایگان همکیش با تشریفات رسمی استقبال و به حضور سلطان پذیرفته شود اما شورای دولتی مقرر داشت که با وی تنها به عنوان قاصدی ساده که از سوی همکیشان به دربار خلافت آمده است برخورد شود. از این رو، اذن ورود به پایتخت و تشرّف به حضور سلطان نیافت و به او

کالبدشکافی یک طغیان (۲۱)

(کیهان لندن شماره ۱۱۰۰-۱۱۲۵)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵

بازنشتم

احمد احرار



عثمان یکم پایه گذار امپراتوری عثمانی

گفته شد فقط می‌تواند با وزیر اعظم ملاقات کند و نامه‌ای را که آورده است توسط او به عرض سلطان برساند.

یک دلیل این رفتار، روابط روسیه و عثمانی و تعهد هر دو دولت در قبال پهماسب میرزا بود.

در سال ۱۳۷۴ میلادی، با وساطت دولت فرانسه، قراردادی بین روسیه و عثمانی به امضا رسیده بود که به موجب آن تمام نواحی مجاور بحر خزر، منهای اردبیل که زادگاه و خاستگاه اجدادی صفویه محسوب می‌شد، به روسیه و سراسر منطقه غربی ایران به عثمانی تعلق گیرد. هر دو دولت متعهد شده بودند که با مساعی مشترک، پهماسب میرزا را به قبول این قرارداد وادار سازند و تنها در این صورت، متفقاً سلطنت او را بر ایران به رسمیت بشناسند و هرگاه از چنین گذشتی سر باز زد «شخصی لایق از ایرانیان» یا به عبارت روشنتر، شخصی گشوه به فرمان را بر تخت سلطنت ایران بنشانند.

این قرارداد در آخرین سال حیات و تاجداری پطر کبیر به امضا رسیده بود و سفیر روسیه در «باب عالی» - ژنرال رومانستف - به استناد آن، دولت عثمانی را از پذیرفتن سفیر اشرف برحذر می‌داشت.

با این حال، باب عالی که پس از مرگ امپراتور روسیه خیالات بزرگتری نسبت به همسایه شرقی در سر می‌پخت، مایل بود بداند هدف اشرف از اعزام سفیر چیست و آیا می‌توان از طریق مصالحه با وی، ایران را بدون جنگ و خونریزی بر قلمرو «خلافت اسلامی» افزود؟

بدین سان، در حالی که رسماً اجازه ورود به قسطنطنیه (اسلامبول) به سفیر اشرف داده نمی‌شد در خفا راهی یافتند و او را به بهانه این که سخت بیمار و نیازمند طبیب و داروست به آن سوی آب رساندند. وزیر اعظم در دیدار با

عبدالعزیز، از وی خواست نامه اشرف را در اختیارش قرار دهد تا قبل از باریابی، از نظر سلطان بگذراند. عبدالعزیز امتناع کرد و گفت که نامه را به کسی جز سلطان نمی‌دهد. به امر وزیر اعظم، نامه را به زور از وی گرفتند و چون از لحن و مضمون آن آگاه شدند بر خشمشان افزود.

بین سفیر با وزیر اعظم و اطرافیانش گفت و گویی تند درگرفت. عبدالعزیز با لحنی پرخاشگرانه، دربار عثمانی را طرف ملامت قرار داد و گفت در طول سالهای درازی که شیعه بر ایران حکومت می‌کرد و سنیان در زیر فشار و آزار قرار داشتند دستگاه خلافت کلمه‌ای به دفاع از اهل تسنن بر زبان نیاورد و به روابط گرم خود با دربار صفوی بیشتر اهمیت می‌داد تا ادای تکلیف مذهبی. اکنون که همکیشان شما سلطنت شیعه را برانداخته‌اند و یک پادشاه سنی مذهب در ایران بر تخت سلطنت تکیه زده است شما به جای اخوت و مودت، دست تجاوز به خاک این پادشاه دراز کرده و با برادران همکیش خود در جنگ شده‌اید.

وزیر اعظم و مشاورانش در جواب گفتند در مذهب سنت و جماعت، خلافت فقط حق یک نفر است و آن یک تن نیز کسی جز خلیفه عثمانی نیست. بنابراین، فرمانروای شما اگر ادعای همکیشی ما را دارد باید به متابعت تن دردهد و فرمان حکومت از طرف این خلیفه بگیرد.

عبدالعزیز، گستاخانه پاسخ داد این که شما می‌گوئید سلطان عثمانی خلیفه بر حق تمام مسلمین است چون بر سه شهر مقدس (مکه و مدینه و اورشلیم) تسلط دارد منطقی نیست. این شهرها به زور شمشیر تسخیر شده است و به ضرب شمشیر می‌توان آنها را پس گرفت. دیگر این که پادشان ما نسبش به قریش می‌رسد و خلافت اسلامی به او برزنده‌تر است تا سلطان شما که اصل و نسب مشخصی ندارد.

وزیر اعظم و مذاکره‌کنندگان عثمانی چون بحثشان با سفیر اصفهان به جایی نمی‌رسید، حکمیت به مفتی اعظم وانهادند و از او در دو مورد فتوی خواستند:

اول این که آیا شرع مقدس به مسلمانان واقعی اجازه می‌دهد در یک زمان از دو خلیفه فرمان ببرند؟

دوم، درباره فرد مسلمانی که پس از تصرف پایتخت ایران و بعضی از شهرهای مجاور متصرفات عثمانی، با سلطان که خلیفه مسلمانان است به مقابله برخاسته و نامه‌هایی فرستاده و به بهانه این که چون مالک پایتخت ایران است و تخت و تاج شیعیان را در تصاحب دارد، متصرفات عثمانی را مطالبه می‌کند حکم شرعی چیست؟

مفتی به سؤال اول چنین پاسخ داد که جمعی از اصحاب پیغمبر وجود رؤسا ویا خلفای متعدد را در سرزمینهای اسلامی، تنها به شرط آن که بین قلمرو آنها موانع طبیعی - مانند اقیانوس هند - وجود داشته و مانع از مشاوره و ارتباط نزدیک باشد مجاز دانسته‌اند و در غیر این صورت مخالف شرع انور است.

و درباره سؤال دوم: اگر مسلمان مذکور دست از ادعای خود بردارد و فرمان امیرالمؤمنین (خلیفه عثمانی) را گردن نهد خراجی بر او نخواهد بود و اگر به تهرّد ادامه دهد واجب‌القتل است.

سلطان عثمانی، این فتاوی را به عنوان جواب برای اشرف فرستاد و پای آن را با این عبارات مهر کرد: فرزند محمد دلیر، که دفع‌کننده دشمنان، مدافع عدالت و هواخواه چار یار است. به حقیقت سوگند که اشرف برجسته‌ترین پادشاه روی زمین نیست. خمیره وجود او از میرویس یاغی و مظهر رسوائی سرشته شده است».

ارسال این نامه به منزله اعلان جنگ بود.

«در شماره آینده: جنگ با عثمانی»

معمایی به نام هویدا (۵)



نوشته دکتر عباس میلانی

شریف امامی، نامناسبترین گزینش برای تشکیل کابینه «وحدت ملی» بود

بازشم

هویدا با این انتصاب موافق نبود و می‌خواست علی‌امینی را جانشین آموزگار کند
پیشنهاد پرویز ثابتی در مورد مداخله موثر «ساواک» و بازداشت مخالفان عمده رژیم
(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره‌های ۸۷۷-۸۶۱)



کابینه اول جعفر شریف امامی

روشن نیست.

دولت شریف امامی

پس از چندی، نه تنها موج مخالفت‌های سیاسی بالا گرفت، بلکه بهبود چندی هم در وضع اقتصادی حاصل نشد. شاه هم ناچار آموزگار را به استعفا واداشت. او پیش از ده سال در انتظار نوبت صدارتش نشسته بود، اما از بخت بدش دولتی سخت مستعجل داشت. شاه می‌خواست به جای آموزگار یک دولت «وحدت ملی» سر کار بیاورد. بی شک تشکیل چنین کابینه‌ای در آن شرایط امری خطیر بود. اما مشکل بتوان تصور کرد که برای این امر حساس، شخصی نامناسب‌تر از جعفر شریف امامی هم یافت می‌شد. از قضا در همان روزها، شاپور بختیار، در دیداری با یکی از اعضای سفارت آمریکا، هشدار داده بود که، «دولت شریف امامی خود عمیقاً آغشته به همان فساد است که ظاهراً با آن مبارزه می‌کند... بختیار در مورد فساد مالی خود شریف امامی اطلاعات دست اولی داشت.» همه می‌دانستند که شهرت دارد. می‌گفتند وجه تسمیه لقبش هم این بود که از پیش و کم تمامی قراردادهای دولتی، پنج درصد حق حساب می‌گرفت. به علاوه، بالاترین مقام فراماسونری در ایران بود، و با این همه، شاه کار مبارزه با فساد و «وحدت ملی» و بالمآل نجات رژیم پهلوی را، در حساس‌ترین لحظات تاریخ آن، به همین شخص محول کرد.

گمان می‌داشتند که تنها به مدد رأی واقعی مردم بخت بازگشت به مجلس را خواهند یافت و چون مردم ناراضی به نظر می‌رسیدند، این نمایندگان دستچین شده حزب رستاخیز هم ناگهان، یک شبه انقلابی و منتقد دولت از آب درآمدند. مجلس که تا دیروز مطیع و منقاد بود به عرصه دایمی سخنانی‌های سخت تند و پیشنهادهایی انقلابی بدل شد. موجی ناگهانی از حملات و انتقادات شدید علیه دولت، رسانه‌های عمومی جامعه را یکسره در بر گرفت. آتش حملات هر روز تندتر می‌شد. انگار می‌خواستند با کلام به ظاهر انقلابی در مجلس، حرکت خشمگین مردم را در خیابانها مهار کنند. شاید هم امید داشتند که با این حملات تند، نه تنها گناهان گذشته خویش را پاک کنند، بلکه جایی هم در اوضاع جدید و هرم قدرت آینده بیابند. نیتشان هرچه بود، حاصل لفاظی‌هایشان چیزی جز دامن زدن به موج ناراضیتی و تقویت روحیه انقلابی در مردم نبود. محور عمده این حملات، دست کم در آغاز، دولت هویدا بود. جملگی مسایل اجتماعی، از سانسور مطبوعات و انتخابات فرمایشی گرفته تا دشواری‌های اقتصادی و فساد مالی در ادارات دولتی، همه به حساب هویدا گذاشته می‌شد. معلوم نیست این حملات تا چه حد خودانگیخته بود. به علاوه، نمی‌دانیم که آیا شاه یا دیگر اعضای خاندان سلطنت در شکل بخشیدن به این حملات نقشی داشتند یا نه. در عین حال، نقش دشمنان هویدا در کل این ماجرا و در این واقعیت مشخص که لبه تیز حملات متوجه او بود

دکتر عباس میلانی، متن انگلیسی کتاب خود را با عنوان Persian Sphinx انتشار داد.

«اسفنجس» در اساطیر نام یک موجود افسانه‌ایست با کله انسان و اندام شیر که بر دروازه شهری نشسته بود و هر کس می‌خواست وارد شهر شود مجبور بود به معمایی که او مطرح می‌کرد پاسخ دهد. اگر پاسخ صحیح بود، اجازه ورود می‌یافت و الا سرش به باد می‌رفت. این کلمه اما به معنی شخص پیچیده و مرموز وارد زبانهای اروپایی شده و به کسانی اطلاق می‌شود که نمی‌توان از اسرار و افکارشان سر درآورد. آیا هویدا واقعاً چنین پدیده‌ای بود و باقی ماندن او در مقام نخست وزیری به مدت سیزده سال یک معماست؟

قضاوت در این مورد با خواننده کتاب است که به لطف شش سال کار نویسنده و گفتگوی او با دوستان و دشمنان و مخالفان و موافقان هویدا، با شخصیت وی از زوایای مختلف آشنایی پیدا می‌کند. چنان که قبلاً نوشتیم، هرآینه آگاهان و صاحب‌نظران در باره این کتاب و مندرجات آن نظری داشته باشند ما استقبال می‌کنیم به شرط آن که هدف، روشن شدن موضوعات و کمک به تصحیح و تکمیل تاریخ باشد.

دست کم دو عامل مهم به همزمانی خطرناک این دو سیاست مختلف - یعنی حل بحران اقتصادی و فضای باز سیاسی - کمک کرد. مهمترین عامل را قاعدتاً باید بیماری شخصی شاه دانست. او در یافته بود که به مرضی مهلك دچار است و می‌دانست که از آن پس، زمان دشمن اوست و با او سر یاری ندارد. به علاوه، با روی کار آمدن جیمی کارتر در آمریکا، مساله دموکراسی سیاسی در ایران هم فوریت در نتیجه فشارهای بین‌المللی، و نیز برای «تضمین ثبات دودمان پهلوی و تثبیت انتقال قانونی قدرت»، تدابیری تازه اندیشیده است. می‌گفت: «آزادی‌های بیشتری به مردم خواهد داد.» تاکید می‌کرد که «فرماندهان ارتش بدانند که سر نخ همه این تحولات در دست خود ما است و جای هیچ گونه نگرانی نیست.» به علاوه، چند روز بعد هم جلسه‌ای با شرکت فرماندهان ارتش تشکیل شد. هویدا و ازهارای رئیس وقت ستاد ارتش، برای جمع حاضر سخناری کردند و هر دو تاکید داشتند که «کلیت تحولات» همه «حساب شده» اند و جایی برای نگرانی نیست.

از نخستین نشانه‌های دموکراسی جدید، آزادی بیشتر مطبوعات بود. در عین حال، نمایندگان مجلس هم رخصت پیدا کردند که با آزادی بیشتری از دولت و سیاستهای آن انتقاد کنند. بسیاری از این نمایندگان بر این گمان بودند که انتخابات دور بعد مجلس به راستی آزاد خواهد بود.

شریف امامی، منادی سیاست آشتی و باج بودند. بعضی دیگر می‌گفتند در شرایط بحرانی کنونی، رژیم نباید از خود ضعف نشان دهد. برخی می‌گفتند روحانیون تنها زبان قدرت را درک می‌کنند و از نشانه‌های ضعف برای تقویت هرچه بیشتر خود بهره می‌گیرند. مهدی پیراسته می‌گفت به شاه گفتیم: «آخوندها را من می‌شناسم. تنها چیزی که می‌فهمند زور است. به شاه توصیه کردم مجلس را منحل کند، مدتی با اختیارات ویژه امور را اداره کند، به تدریج تغییرات و اصلاحات لازم را به مرحله اجرا درآورم.» در عین حال، به نظر مقامات آمریکایی چنین می‌رسید که پیراسته در آن روزها سودای صدارت هم در سر داشت. در دیداری با یکی از نمایندگان سفارت آمریکا، گفته بود: «سندی در دست دارد که نشان می‌دهد هویدا، به رغم دعاوی مکرر که بهایی نیست، در واقع بهایی بود. به علاوه، می‌گفت هویدا نخست وزیر سخت ضعیف بود» خواهیم دید که چه بسا بی‌مهری پیراسته به هویدا سرانجام نقشی در تعیین سرنوشت او بازی کرد.

البته پیراسته تنها منادی سیاست سرکوب نبود. هویدا هم به تدریج نگرانت و مستأصل‌تر می‌شد. می‌گفت: «دولت هیچ برنامه درازمدتی برای حل بحران جامعه ندارد.» بارها بر سبیل انتقاد تذکر داده بود که، «کارهای فعلی دولت همه واکنش است.» می‌گفت ابتکار عمل را از دست داده‌اند. معتقد بود دولت باید با قدرت تمامی کافی و لازم اوضاع را آرام کند و از این آرامش برای آرایش مجدد نیروهای وفادار به رژیم بهره گیرد. می‌گفت استیصال و واماندگی فعلی سخت خطرناک است و بر همه شئون سیاسی مملکت سایه انداخته است. وقتی برخی از دوستان هویدا به تشکیل «گروه‌های ضربت» از سوی دولت اعتراض کردند، هویدا در جواب گفته بود، «اوضاع جدید واکنش جدیدی می‌طلبد. باید صبر داشت و امیدوار بود که فشار از هر دو طرف کمتر شود.»

اما قاعدتا مهم‌ترین طرفدار سیاست سرکوب پرویز ثابتی بود. او همواره تاکید داشت که دولت باید با قاطعیت تمام، تظاهرات را سرکوب کند. سپس به تدریج دست مخالفان وفادار به رژیم را باز بگذارد که از نظام حاکم، و حتی از اعضای خاندان سلطنت انتقاد کنند. در اواسط بهار ۱۳۵۷، ثابتی از طریق هویدا پیامی به شاه فرستاد. از او خواست که عنان کار را دست کم برای مدتی کوتاه به ساواک بسپارد و بگذارد آنها تدابیر لازم را برای سرکوب قیام مردم و آرام کردن کشور اتخاذ کنند. می‌گفت هنوز شیرازه اوضاع مملکت یکسره از هم نگیخته و راه بازگشت هست. ثابت قدم می‌خواهد و نمایش قدرت. شاه این پیشنهاد را یکسره رد نکرد. از ثابتی خواست که طرح مشخص عملیات مورد نظرش را تدارک و تقدیم کند. ثابتی هم به سرعت مشغول به کار شد. سیاهه‌ای از ۱۵۰۰ تن از مخالفان عمده رژیم فراهم آورد. معتقد بود با بازداشت این عده، آرامش هم بلافاصله به شهرها باز خواهد گشت. این سیاهه در اختیار شاه قرار گرفت. او یک روز تمام قضیه را سبک و سنگین کرد. آن روزها تردید و بی‌تصمیمی چون خورهای به جانش افتاده بود. سرانجام دستور داد که ساواک تنها کسانی را بازداشت کند که شاه در کنار نامشان علامت گذاشته بود. وقتی سیاهه اسامی مخالفان به ثابتی باز پس فرستاده شد، شاه تنها در کنار سیصد نفر علامت گذاشته بود.

دنباله دارد

محور اصلی سیاست‌های دولت شریف امامی باج دادن به مخالفان بود. به قیاس تاریخ، او چمبرلن زمان و اهل تسلیم و تمکین بود و به گمان بسیاری، همین سیاق سیاسی‌اش راه را برای انقلاب هموار کرد. با هر يك امتیازی که می‌داد، مخالفان دو امتیاز تازه می‌طلبیدند. او از همان روز نخست صدارتش، بی‌پرده و پروا تاکید داشت که می‌خواهد با محافل مذهبی از در آشتی درآید. بلافاصله پس از آغاز کار، «پست وزیر امور زنان را از میان برداشت؛ وزارتخانه جدیدی برای رسیدگی به امور اوقاف تشکیل داد. همه کازینوهای مملکت را [که از قضا جملگی به بنیاد پهلوی تعلق داشت و ریاست بنیاد هم سالها در کف خود او بود] تعطیل کرد. دستور بستن بسیاری از کاباره‌های



سپهبد ناصر مقدم

تهران را صادر کرد؛ تقویم اسلامی را از نو برقرار ساخت؛ فعالیت احزاب سیاسی را آزاد اعلام کرد؛ سانسور مطبوعات را برچید؛ پخش مشروح مذاکرات مجلس را مجاز داشت؛ مبارزه با فساد را در راس برنامه دولت قرار داد و به همه کارمندان دولت اضافه حقوق پرداخت... و حزب رستاخیز را هم یکسره منحل کرد.»

از سویی شریف امامی به مخالفان باج می‌داد و از سوی دیگر سبک کار شاه یکسره دگرگون شده بود. آن چنان که از یادداشت‌های علم بر می‌آید، شاه هرگز رغبت چندانی به استفاده از گروه مشاور نداشت. اما با اوج گرفتن بحران، شاه نیز بر آن شد که از رای و مشورت دیگران بهره جوید. ناگهان انگار سیلی از مشاوران گونه‌گون راهی دربار شد. کمتر روزی بود که شاه با گروهی به مشورت نشینند. بسیاری از سیاستمداران پارسا به ایران که هر يك به دلیلی سالها مغضوب دربار بودند، دوباره به دیدار شاه فراخوانده شدند.

عبدالله انتظام و علی امینی و مهدی پیراسته از جمله این مشاوران تازه بودند. طبعاً هر يك از این مشاوران راه حل متفاوتی پیشنهاد می‌کرد. برای مثال، برخی چون

البته علل متعددی شاه را در جهت این انتخاب غریب سوق داد. یکی از این عوامل را قطعاً باید خواست‌های نیروهای میانه‌رو و مذهبی دانست. شاه بر آن بود که به این خواست‌ها تمکین کند و جبهه مذهب‌یون را در هم بشکند. چند و چون این جنبه از تحولات پشت پرده انتخاب شریف امامی را می‌توان در تلگرافی مشاهده کرد که در ۲۶ مرداد ۱۳۵۷ از طرف سفارت آمریکا در تهران مخابره شد. آنجا می‌خوانیم که، «منبع بسیار حساسی، مضمون مذاکرات مقدم [رئیس ساواک] با عباسی، داماد شریعتمداری را در اختیار ما گذاشته. این دیدار در شب ۲۶ مرداد صورت گرفت. مقدم پرسیده بود که محافل مذهبی چه خواستهایی دارند. عباسی هم نکات زیر را برشمرده بود: الف) دولت باید عوض شود... ب) دولت بعدی باید دست کم برخی از کسانی را که به فساد شهرت دارند محاکمه کند... ج) فعالیت‌های شاهدخت اشرف منفور محافل مذهبی‌اند. جلوی کارهای او را باید گرفت... د) مردم باید از آزادی بیان و مذهب برخوردار شوند. اطرافیان شریعتمداری از سخنرانی شاه در روز مشروطیت [که در آن شاه وعده داد که از این پس قانون اساسی را کاملاً رعایت خواهد کرد] ستایش کردند. عباسی از مقدم خواست که این نکته را حتماً به شاه بگوید. مقدم در جواب گفته بود که شاه را همان شب خواهد دید. منابع موثق مذهبی در عین حال اضافه کردند که در طول مذاکرات آن شب، اسامی کاندیداهای نخست‌وزیری هم مورد بحث قرار گرفت. گویا دو نام ذکر شدند: علی امینی و جعفر شریف امامی، رئیس مجلس سنا... یکی از منابع می‌افزاید که در میان این دو نفر، شریف امامی را کاندیدی بهتر و مناسب‌تری دانستند. چون گویا خود انسانی سخت مؤمن است و به علاوه از پشتوانه سیاسی محکمی هم برخوردار است.»

علاوه بر اظهار علاقه برخی از محافل مذهبی، قاعدتاً عامل دیگری که در این انتصاب موثر بود گمان شاه درباره نقش انگلیس در تحولات انقلاب بود. شاه یقین داشت که دولت انگلستان از محرکان اصلی انقلاب اسلامی است. شاید به همین خاطر فکر می‌کرد که فراماسون پرسیاچه‌ای چون شریف امامی از عهده تشکیل کابینه «وحدت ملی» یا در مفهوم دقیق‌تر، از پس تطمیع انگلستان برخواهد آمد.

اما هویدا با این انتصاب موافق نبود. می‌خواست علی امینی را جانشین آموزگار کند. در اواسط تیرماه به این نتیجه رسیده بود که ترکیبی از مشکلات اقتصادی و نوعی فلج سیاسی «مردم را به دولت آموزگار کم اعتماد کرده» و لاجرم می‌خواست، «پیش از آن که کنترل اوضاع از دست خارج شود، تغییری در دولت ایجاد کند.» به همین خاطر، با علی امینی تماس گرفت و به او توصیه کرد که بیانیه‌ای در مورد ضرورت تشکیل يك «دولت وحدت ملی» صادر کند. هویدا در عین حال از دوستش فریدون مهدوی که در آن زمان در اروپا بود خواست که هرچه زودتر به ایران بازگردد و از جبهه ملی بخواهد که به تشکیل دولت آشتی ملی همت کنند. هویدا حتی با کمک مهدوی با مظفر بقایی هم دیدار کرد. به هر دری می‌زد که راه حلی پیدا کند. اما این تلاشها هیچ کدام مفید فایده‌ای نشد. شاه کماکان به سابقه دل چرکینی که از امینی داشت، حاضر به دیدارش نبود. جبهه ملی هم به نجات دادن شاهی مستأصل رغبتی نداشت و دوران شخصیت‌هایی چون مظفر بقایی هم به‌راستی به سرآمده بود.

استفاده از کودکان؛ نمایش و تاکتیک جنگی و هراس حکومت از پیوستن لشکر منفعت طلبان به انقلاب مردم!



مشکلاتشان مانند سایر مردم این سرزمین است و تنها به واسطه حفظ شغل و موقعیت مالی خود و فرزندانشان است که ظاهرشان را مانند وفاداران حکومت کرده‌اند و نه باطنشان را. حکومت به خوبی از این مطلب آگاه است و می‌داند که چنانچه حکومت در موقعیت ضعف قرار گیرد، بسیاری از اینان به مردم پیوسته و با آنان هم‌صدا خواهند شد. پس این گروه نیز از نگاه حاکمیت مورد اطمینان نبوده و نمی‌تواند از آنها به عنوان نیروی سرکوب استفاده کند.

۴- بسیجی‌ها

از نگاه عموم مردم، بسیج ارگان و نهادی است که طرفداران حکومت و وفاداران به آن، در آنجا ثبت‌نام کرده و آماده شهادت‌اند! اما به‌واقع چنین نیست. بسیج مخلوطی است از اقلیت طرفدار حکومت و اکثریت منفعت‌طلب. برخی از دانش‌آموزان جهت دریافت سهمیه بسیج در این ارگان ثبت‌نام می‌کنند تا شاید بتوانند به کمک آن در دانشگاهی بهتر پذیرفته شوند. برخی دیگر به این سبب در این ارگان نام‌نویسی می‌کنند تا در سربازی بتوانند «امریه» گرفته و نه در پادگان‌ها بلکه در ادارات و نهادها به خدمت سربازی بپردازند و یا مدت خدمت سربازی کمتری را سپری کنند. برخی از کارمندان دولتی هنگام فراخوان ثبت‌نام در بسیج، از ترس از دست دادن موقعیت شغلی و پست و مقام خود در این ارگان نام‌نویسی می‌کنند و برخی دیگر به قصد دریافت مزایا و پاداش به این ارگان ملحق می‌شوند. در مناطق فقیرنشین و بی‌بضاعت پایگاه بسیج مکانی است برای دور هم بودن و اردو رفتن و خندیدن و نه حفاظت از ارکان جمهوری اسلامی. حکومت اگرچه از بسیج به عنوان نیروهای وفادار خود یاد می‌کند، اما نیک می‌داند که اکثریت آنها دچار مشکلات معیشتی بوده و گرایشی به نظام حاکمه ندارند. پس بخش وسیعی از این گروه از نگاه حاکمیت مورد اطمینان نبوده و نمی‌تواند از آنها به‌عنوان نیروی سرکوب استفاده کند و فقط تعداد انگشت‌شماری به عنوان لباس شخصی به خدمت گرفته می‌شوند.

• گروه‌های ایدئولوژیک که بر اساس باورها و تعصباتشان با اسرائیل و آمریکا و غیره دشمنی دارند و تا پای جان برای این هدف می‌جنگند، اما محتمل است که در مواجهه با مردم کشور خود تعلل کرده و تمرد کنند. پس از نگاه حاکمیت مورد اطمینان نبوده و نمی‌توان از آنها به عنوان نیروی سرکوب استفاده کرد.

• گروه‌های ایدئولوژیک قدیمی و مبارزین ابتدای انقلاب که در حال حاضر پیر و فرسوده شده و توان مقابله با نیروهای جوان (که شامل فرزندان و نوه خود آنها نیز می‌شود) ندارند.

۲- سربازان وظیفه

بخش عمده‌ای از نیروهای درون پادگان‌ها و رژه‌های نظامی را سربازان وظیفه تشکیل می‌دهند. این گروه جوان که از دل مدارس و دانشگاه‌های کشور بیرون آمده و به اجبار لباس نظامی بر تن آنان پوشانده شده است، طبیعتاً از جنس مردم بوده و بیشترین آنان از کشتار و سرکوب مردم بیزارند و در صورتی که به آنان تجهیزات و امکاناتی داده شود، ممکن است علیه خود حکومت به کار برده و به مردم بپیوندند. پس این گروه از نگاه حاکمیت مورد اطمینان نبوده و نمی‌تواند از آنها به عنوان نیروی سرکوب استفاده کند.

۳- پرسنل نیروی انتظامی و سپاه پاسداران

بسیاری از پرسنل بدنه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای انتظامی نه ایدئولوژیک هستند و نه وفادار به حکومت. با هرکدام که صحبت کنید دلیلی به غیر از مسائل مذهبی و یا حکومتی برای پیوستن به این ارگان‌ها داشته‌اند. برخی این سازمان‌ها را صرفاً مانند سایر ادارات دولتی دیده‌اند که می‌تواند حقوق ثابتی برایشان مهیا کند تا گذران زندگی کنند. اکثریت این افراد به واسطه داشتن آشنا و یا پارتی به این سازمان‌ها متصل شده‌اند و نه چیز دیگری و چنانچه پیش از پیوستن به این ارگان‌ها در جای دیگری برایشان شغل مهیا می‌شد چه بسا به شغل دیگری مشغول می‌بودند. اینان از جنس مردم‌اند و دغدغه‌ها و

• از نگاه عموم مردم، بسیج ارگان و نهادی است که طرفداران حکومت و وفاداران به آن، در آنجا ثبت‌نام کرده و آماده شهادت‌اند! اما به‌واقع چنین نیست. بسیج مخلوطی است از اقلیت طرفدار حکومت و اکثریت منفعت‌طلب.

• با نگاهی گذرا به تصاویر و فیلم‌های اعتراضات به وضوح می‌توان دریافت که نیروهای ضد شورش و سرکوب بسیار کم تعداد هستند (در بسیاری از میداین تنها ده یا بیست پلیس ضد شورش و لباس شخصی دیده می‌شود) زیرا حکومت از پیوستن نیروهای غیرخودی به مردم بیم دارد و به همین سبب است که تجهیزات و لباس در اختیار سربازان و کارمندان سپاه و نیروی انتظامی نمی‌گذارد.

• درگذشته و در میداین جنگ، برای ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن، پرچم‌های بی‌شماری افزوده می‌شد تا به وسیله آن تعداد جمعیت بیشتر از آنچه هست به نمایش درآید، همچنین با زدن طبل و پاکوبیدن می‌توانستند صدا را تا دوردست‌ها رسانده و چنین وانمود کنند که جمعیتی انبوه آماده مبارزه است. اسب‌هایی که چهره‌هایشان به وسیله پارچه‌های سیاه پوشانده شده بود می‌توانست چهره‌های مخوف و ترسناک بیافریند و در دل دشمن وحشت ایجاد کند.

امروزه حکومت نیز از همین روش استفاده می‌کند. او تعداد کم وفاداران به حکومت را با لباس بر تن کردن کودکان جبران می‌کند، زیرا حکومت به واسطه کودک بودن آنان نگران پیوستن‌شان به مردم نیست و تنها می‌تواند در بین تظاهرکنندگان چنین القاء کند که تعداد نیروهای سرکوب و ضدشورش بالا است، زیرا آنان از دوردست نمی‌توانند سن این افراد را تشخیص دهند.

سیمرخ (ایران) - با نگاهی کوتاه به چهره و هیکل کودکانی که به تازگی به نظر می‌رسد جزو نیروهای ضد شورش به کار گرفته شده‌اند، به روشنی نشان می‌دهد که این کودکان نه به عنوان نیروهای سرکوب بلکه با هدف دیگری به کار گماشته شده‌اند. سربهای بسیار کوچک و باتوم‌هایی که قادر نیست ضربات جدی را به معتزترین بزند، بیانگر همین موضوع است.

اما چرا حکومت بجای استفاده از آن حجم از نیروهای مستقر در پادگان‌ها، به سراغ کودکانی رفته که قادر نیستند بطور مستقل اقدام کنند و یا باید گفت که این کودکان در شرایط آشوب حتی نیاز به مراقبت و حمایتگر دارند؟! برای پاسخ به این پرسش باید نگاهی انداخت به پرسنل نیروی انتظامی و سپاه پاسداران و بسیج و دیگر نیروهای سرکوب و بررسی میزان وفاداران آنها به حکومت در این نهادها.

۱- نیروهای ایدئولوژیک و وفادار به حکومت

نیروهای ایدئولوژیک را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

• گروهی که از آنها به عنوان عناصر ضدشورش و سرکوب یاد می‌شود و چشم و گوش بسته تحت فرمان رژیم هستند. اینان چنان غرق در باورهای قرون وسطایی خود هستند که برای ماندگاری رژیم بر روی مردم سرزمین خود نیز اسلحه می‌کشند. تعداد این افراد بسیار محدود بوده و از سوی حاکمیت به شدت مورد اطمینان هستند.

شیشه‌ی عمر هیولای جمهوری اسلامی در دستان «دهه هشتادی‌ها»ی شجاع و بی‌بدیل



تظاهرات ضدحکومتی مهرماه ۱۴۰۱

را دنبال می‌کنند که جهاد تبیین باطل‌السرحد فتنه‌ها و توطئه‌های آنان است.»

اما تحلیل شخصیت‌ها و مقامات غربی و رسانه‌های بین‌المللی از آنچه در ایران می‌گذرد با روایتی که جمهوری اسلامی نقل می‌کنند کاملاً متفاوت است.

مارک دوپوویتز مدیر بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) در توثیقی با اشاره به اعتصاب کارگران پتروشیمی عسلویه می‌نویسد «اگر اعتراضات به اعتصاب عمومی تبدیل شود، روزهای رژیم را می‌توان شمرد... سال‌هاست که FDD از دولت آمریکا خواسته است تا یک صندوق اعتصاب برای حمایت از کارگران اعتصابی ایرانی ایجاد کند. این می‌تواند به فلج کردن رژیم کمک کند.»

روزنامه انگلیسی «تلگراف» در مقاله‌ای می‌نویسد نسل جدید جوانان معترض در ایران که به «دهه هشتادی‌ها» مشهورند با اینترنت آشنا هستند و دیدگاه آنها به مسائل جهانی است و همین نسل نیز بلای جان جمهوری اسلامی شده است.

کابلی مور- گیلبرت کارشناس امور ایران و گروگان سابق جمهوری اسلامی در همین ارتباط به «تلگراف» گفته است: «ترس جوانان شجاع ایران از رژیم ریخته است. دهه هشتادی‌ها از رژیم پیر پدرسارار نمی‌ترسند.»

وی همچنین افزود: «نسل جوان ایران مثل جوانان سرتاسر جهان می‌خواهد ابراز عقیده و ابراز وجود کند و آنطوری که خودش دلش می‌خواهد زندگی کند. اما رهبران فرتوت جمهوری اسلامی اصلاً خواست جوانان را به رسمیت نمی‌شناسد بنابراین مدت‌هاست که مشروعیت خود را نزد آنها از دست داده است.»

تحلیلگران می‌گویند در ایران نسلی پدید آمده که برخلاف حاکمان این کشور از یکسو با جهان روابط مثبت و مسالمت‌جو دارند و از سوی دیگر به برکت اینترنت از آنچه در دنیا می‌گذرد و بر حقوق انسانی خود آگاه شده‌اند و به این ترتیب یک «نیروی بی‌بدیل برای تغییر» در ایران پدید آورده‌اند.

● یحیی رحیم صفوی مشاور علی خامنه‌ای می‌گوید، «ناآرامی‌های اخیر، محصول جنگ شناختی و ترکیبی و پیچیده دشمن برای مهندسی ادراک مخاطبان ایرانی و تحریک آنان برای برهم زدن ثبات و امنیت داخلی است.»

● عبدالله حاجی‌صادقی نماینده علی خامنه‌ای در سپاه پاسداران: «دشمنان برای ضربه زدن به جبهه انقلاب اسلامی، ایجاد انحراف فکری و رفتاری را دنبال می‌کنند.»

● مارک دوپوویتز مدیر بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) در توثیقی با اشاره به اعتصاب کارگران پتروشیمی عسلویه می‌نویسد «اگر اعتراضات به اعتصاب عمومی تبدیل شود، روزهای رژیم را می‌توان شمرد.»

● کابلی مور- گیلبرت کارشناس امور ایران و گروگان سابق جمهوری اسلامی در همین ارتباط به «تلگراف» گفته: «ترس جوانان شجاع ایران از رژیم ریخته است. دهه هشتادی‌ها از رژیم پیر پدرسارار نمی‌ترسند.»

یک عضو کمیسیون امنیت ملی جمهوری اسلامی از وزارت خارجه رژیم خواست «با کشورهای حامی رسانه‌های آشوبگر فارسی‌زبان در انگلیس برخورد کند.»

شهریار حیدری دوشنبه ۱۸ مهرماه به تسنیم گفت، «این شبکه‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران طراحی شده‌اند و از حمایت مالی آمریکا و انگلیس هم برخوردارند و آنها با استفاده از این رسانه‌ها به دنبال جوسازی‌های کاذب و دروغ‌پرانی و در پی اهداف خصمانه و شوم خود هستند.» وی افزود جمهوری اسلامی باید به مسئولان انگلیس هشدار دهد تا اجازه ندهند که این رسانه‌ها تبدیل به رسانه‌ای برای اقدامات «ضد امنیت ملی ایران» شوند.

یحیی رحیم صفوی مشاور علی خامنه‌ای نیز می‌گوید، «ناآرامی‌های اخیر، محصول جنگ شناختی و ترکیبی و پیچیده دشمن برای مهندسی ادراک مخاطبان ایرانی و تحریک آنان برای برهم زدن ثبات و امنیت داخلی است.» عبدالله حاجی‌صادقی نماینده علی خامنه‌ای در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز می‌گوید: «دشمنان برای ضربه زدن به جبهه انقلاب اسلامی، ایجاد انحراف فکری و رفتاری

۵- ثروت‌اندوزان و منفعت‌طلبان

بسیاری از افرادی که در راهپیمایی‌ها و ارگان‌های نظامی و حکومتی حضور دارند، منفعت‌طلبانی هستند که می‌خواهند از پول بادآورده شکم‌های خود را انباشته کرده و یک‌شبه ره صدساله ببینند. اکثریت این افراد مجیزگویان بی‌هنری هستند که به تنها چیزی که می‌اندیشند پول بدون زحمت است و لاغیر! به همین سبب در خانه و در همسایگی، چهره‌ای مخالف حکومت به نمایش گذاشته و فرزندانشان با ظاهری متفاوت در اروپا به تفریح مشغول‌اند، اما در ادارات و سازمان‌ها به عنوان چهره‌ای حکومتی و وفادار به نظام شهره هستند. این منفعت‌طلبان هرکجا که پول و امنیت وجود داشته باشد حضور پیدا می‌کنند و هیچگاه حاضر نمی‌شوند جان و موقعیت خود را برای نگاه داشتن حکومت به خطر اندازند. پس این گروه از نگاه حاکمیت مورد اطمینان نبوده و نمی‌تواند از آنها به عنوان نیروی سرکوب استفاده کند.

حال با این توضیحات و شاید ده‌ها دلیل دیگر که در حوصله این مقاله نمی‌گنجد، حکومت برای مهار انقلاب با مشکل جدی کمبود نیروی وفادار مواجه است.

با نگاهی گذرا به تصاویر و فیلم‌های اعتراضات به وضوح می‌توان دریافت که نیروهای ضد شورش و سرکوب بسیار کم تعداد هستند (در بسیاری از میدانی‌ها تنها ده یا بیست پلیس ضد شورش و لباس شخصی دیده می‌شود) زیرا حکومت از پیوستن نیروهای غیرخودی به مردم بیم دارد و به همین سبب است که تجهیزات و لباس در اختیار سربازان و کارمندان سپاه و نیروی نظامی نمی‌گذارد.

حکومت برای جبران این مشکل از تکنیک جنگ‌های قدیمی بهره می‌برد. در گذشته و در میدانی‌ها، برای ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن، پرچم‌های بی‌شماری افراشته می‌شد تا به وسیله آن تعداد جمعیت بیشتر از آنچه هست به نمایش درآید، همچنین با زدن طبل و پاکوبیدن می‌توانستند صدا را تا دوردست‌ها رسانده و چنین وانمود کنند که جمعیتی انبوه آماده مبارزه است. اسب‌هایی که چهره‌هایشان به وسیله پارچه‌های سیاه پوشانده شده بود می‌توانست چهره‌های مخوف و ترسناک بیافریند و در دل دشمن وحشت ایجاد کند.

امروزه حکومت نیز از همین روش استفاده می‌کند. او تعداد کم وفاداران به حکومت را با لباس بر تن کردن کودکان جبران می‌کند، زیرا حکومت به واسطه کودک بودن آنان نگران پیوستن‌شان به مردم نیست و تنها می‌تواند در بین تظاهرکنندگان چنین القاء کند که تعداد نیروهای سرکوب و ضدشورش بالا است، زیرا آنان از دوردست نمی‌توانند سن این افراد را تشخیص دهند.

همچنین حکومت برای جبران کمبود نیروهای وفادار به خود، از موتورهایی به رنگ سیاه و یا ماشین‌های آپایش عظیمی که می‌تواند تولید رعب و وحشت کند استفاده می‌کند. به‌طور مثال شما هنگامی که در یک چهارراه دو ماشین آپایش بزرگ و سیاه، بیست عدد موتورسیکلت، بیست سپر و بیست نفر نیروی ضد شورش بزرگ‌سال و ده عدد کودک با لباس ضد شورش ببینید، تصور می‌کنید فضا بسیار امنیتی و پر تعداد است، اما در واقع تنها ۲۰ نفر نیرو در مقابل هزاران نفر جمعیت ایستاده است.

آری، حکومت با مشکل مشروعیت و کمبود نیروهای وفادار مواجه است و سعی می‌کند با پوشاندن لباس بر تن کودکان و استفاده گسترده از تجهیزات نظامی این کمبود نیرو را جبران کرده و ظاهر خود را حفظ نماید.

پزشکی قانونی ادعای دستگاه امنیتی را درباره قتل حکومتی مهسا «تأیید» کرد!

مادر و پدر مهسا به دنبال دادخواهی



مهسا امینی پس از مرگ مغزی در بیمارستان

درخواست خانواده امینی و همچنین سخنان وکیل آنها، گفته بود که «وکیل خانواده امینی حرف‌های بدون مدرک مطرح می‌کند و پیش از آنکه نظر پزشکی قانونی اعلام شود، می‌گوید نظر آنها را قبول ندارد، این چه حقوقدانی است که پیش از اعلام نظر مرجع قانونی، آن را قبول ندارد و خواهان تشکیل کمیته حقیقت‌یاب شده است. به عبارتی از فردا هر کسی دچار حادثه‌ای شود، خواهان تشکیل چنین کمیته‌ای می‌شود.» البته پیشتر یک وکیل دادگستری در گفتگو با کیهان لندن گفته بود پرونده قضایی با شکایت خانواده امنیتی برای مجازات قاتلان مهسا، و پرونده‌های اینچنینی در جمهوری اسلامی به نتیجه نمی‌رسد. حالا سخنان امروز محمد جعفر منتظری نشان می‌دهد که سنگ اندازی سازمانیافته بر سر راه خانواده امینی و شاکیان آغاز شده و نتیجه پرونده هم به سود قاتلان مشخص است!

مژگان افتخاری و امجد امینی، مادر و پدر مهسا، نیز در بیانیه‌ای از قوه قضاییه خواسته بودند کمیسیونی با حضور ۵ پزشک از ۱۰ پزشکی که آنها معتمد می‌دانند برای بررسی مدارک تشکیل شود؛ خواسته‌ای که بلافاصله از سوی دادستان کل کشور رد شد!

مادر و پدر مهسا امینی تأکید کرده بودند که مهسا اکنون در میان ما نیست و باز نخواهد گشت ولی ما به عنوان خانواده او موظف به پیگیری عادلانه آنچه رخ داده است هستیم. متن کامل بیانیه مژگان افتخاری و امجد امینی به شرح زیر است:

به نام خدا

بلبلی خونِ دلی خورد و گُلی حاصل کرد

باغِ غیرت به صدش خار پریشان دل کرد

اکنون که بازداشت غیرقانونی و پیامد مصیبت‌بار آن، مرگ غریبانه دخترمان مهسا (ژینا) امینی وارد چهارمین هفته می‌شود، بر خود لازم می‌دانیم از همه همشهریان و هموطنانمان در سراسر کشور و خارج از ایران و نیز اشخاصی که به سمت نمایندگی دستگاه‌های دولتی و خصوصی اظهار همدردی کرده اند تشکر کنیم. امیدواریم پس از این

گفتند حین آنکه مامور مهسا را دستگیر کرده به مامور گفتند چون او از سقز آمده و در تهران غریبه بوده و مهمان است از دستگیری او خودداری کند. اما مامور در جواب اصرار دختر خاله او می‌گوید: «برو کنار چون روی لباس من دوربینی وجود دارد که عکس تصویر تو را هم می‌اندازد و اگر تصویر تو هم باشد من بازخواست می‌شوم که چرا تو را بازداشت نکردم!» به گفته وکیل، خانواده امینی همچنین درباره ادعای جراحی تومور مغزی مهسا در کودکی گفته که «مهسا امینی در سال ۱۳۸۶ یعنی حدود ۱۵ سال پیش وقتی ۷ سال سن داشته، عمل داشته و عمل جراحی روی او صورت گرفته ولی این عمل هیچگونه ارتباطی با مرگ او در بیمارستان کسری یا اینکه قبل از آن در جاهای دیگر حادثی به وجود آمده نداشته است.» او افزوده بود که «او غده‌ای بزرگ در بالای چشمش داشته و پیش دکتر شیروانی رفته و او طبق نظر پزشکی اعلام کرد اگر این غده را عمل کنیم یا نکنیم هیچ تأثیری در وضعیت سلامتی او نخواهد گذاشت و جانش در سلامت کامل خواهد بود. اما با وجود چنین غده‌ای که ممکن است در بینایی او تأثیر بگذارد ما برای احتیاط عمل خواهیم کرد. این نهایت موضوعی بوده که برخی این را بهانه کردند که سابقه این بیماری و بیماری‌های دیگر را داشته است.»

به گفته این وکیل دادگستری «مهسا امینی به بیماری تیروئید هم مبتلا بوده است. خانم مهسا امینی ۲۲ سال سن داشت و با توجه به وضعیت آب و هوایی غرب کشور که کوهستانی است و به علت باران‌های سیل‌آسا در آب‌های آنجا به دلیل کمبود ماده لیون، مانند اکثر همشهری‌های خود به بیماری تیروئید مبتلا بوده و اما این بیماری هم هیچ تأثیری در حادثه‌ای که برای او به وجود آمده نداشته است. زیرا به دلیل نتایج آزمایش سالیانه مهسا امینی که توسط پزشک متخصص او انجام می‌شد، صراحتاً اعلام شده که نیازی به تهیه قرص بیماری تیروئید نیست و حتی نیازی به تغییر دوز مصرف آن قرص‌ها هم ندارد.»

محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور اما در واکنش به

● سازمان پزشکی قانونی با طرح مقدماتی ادعا کرده که درگذشت مهسا امینی به دلیل «نارسایی چند ارگانی ناشی از هیپوکسی مغزی» بوده و مرگ مهسا امینی «ناشی از اصابت ضربه به سر و اعضا و عناصر حیاتی بدن نبوده است.»
● پدر مهسا امینی ساعاتی پس از انتشار گزارش سازمان پزشکی قانونی ایران آن را رد و گفت این گزارش با آنچه وی بر پیکر دخترش دیده است همخوانی ندارد و تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند این گزارش را تأیید کند.

سه هفته پس از قتل حکومتی مهسا امینی سازمان پزشکی قانونی مدعی شده که کشته شدن مهسا امینی ناشی از «اصابت ضربه به سر و اعضا و عناصر حیاتی بدن نبوده» و علت اصلی عمل جراحی این دختر جوان در کودکی بوده است. سازمان پزشکی قانونی همان ادعایی را تکرار کرده است که نهادهای امنیتی در نخستین روزها پس از جان باختن مهسا از طریق رسانه‌های حکومتی منتشر کردند.

سازمان پزشکی قانونی که زیر نظر رئیس قوه قضائیه اداره می‌شود روز جمعه ۱۵ مهر در بیانیه‌ای درباره علت درگذشت مهسا امینی اعلام کرده «با استناد به مدارک پزشکی بیمارستانی، بررسی سی.تی.اسکن مغز و ریه، نتایج معاینه ظاهری جسد و کالبدگشایی، آزمایشات آسیب‌شناسی، فوت نامبرده ناشی از اصابت ضربه به سر و اعضا و عناصر حیاتی بدن نبوده است.» این سازمان در گزارش خود دلیل مرگ مهسا امینی را سابقه بیماری وی عنوان کرده و آورده است: «متوفیه پس از عمل جراحی تومور کرانیوفارنژیومای مغزی در سن ۸ سالگی دچار اختلال در محور مهم هیپوتالاموس-هیپوفیز و غدد تحت فرمان آن (از جمله آدرنال و تیروئید) شده است. به علت این بیماری زمینه‌ای متوفیه تحت درمان با داروهای هیدروکورتیزون، لووتیروکسین و دسموپرسین بوده است.» پزشکی قانونی نوشته که مهسا روز ۲۲ شهریور «از ساعت ۱۹:۵۶ بطور ناگهانی دچار افت هوشیاری شده و متعاقب آن بر زمین می‌افتد که با توجه به بیماری زمینه‌ای، متوفیه توانایی لازم جهت جبران و تطابق با وضعیت ایجاد شده را نداشته است.»

سازمان پزشکی قانونی با مقدماتی که ادعا کرده، نتیجه گرفته که جان باختن مهسا امینی به دلیل «نارسایی چند ارگانی ناشی از هیپوکسی مغزی» بوده و مرگ مهسا امینی «ناشی از اصابت ضربه به سر و اعضا و عناصر حیاتی بدن نبوده است.» امجد امینی پدر مهسا امینی ساعاتی پس از انتشار گزارش سازمان پزشکی قانونی ایران این گزارش را رد کرد. امجد امینی در گفتگو با بخش فارسی صدای آمریکا گفت که گزارش سازمان پزشکی قانونی با آنچه وی بر پیکر دخترش دیده همخوانی ندارد و به هیچ وجه نمی‌تواند این گزارش را تأیید کند. پدر مهسا گفته که پاهای قسمت زیادی از پیکر بی‌جان دخترش کبود و در ناحیه پشت گردن و گوش رد خون وجود داشته است. پدر و مادر مهسا امینی و وکیل آنها پیشتر از دادسرای جنایی استان تهران «مصراانه» خواسته بودند که بررسی پرونده مرگ مهسا امینی با حضور ۵ پزشک متخصص مغز و اعصاب و همچنین یک متخصص قلب و یک روانپزشک انجام شود.

صالح نیکبخت وکیل خانواده امینی در پرونده قتل مهسا هفته گذشته گفته بود «حین دستگیری مهسا امینی، دخترخاله او نیز همراه او بوده است. دخترخاله و برادر مهسا امینی



اعتراضات ضدحکومتی در ایران مهرماه ۱۴۰۱

گفته می‌شود شامل ۱۵ فرد و نهاد است که مستقیم در سرکوب‌ها دخالت دارند.

اورزولا فن درلاین رئیس کمیسیون اروپا با تأکید بر اینکه خشونت علیه معترضان در ایران باید متوقف شود گفت: «زمان آن فرا رسیده تا مسئولان سرکوب این اعتراضات را تحریم کنیم. خشونت‌های تکان‌دهنده‌ای که بر مردم ایران تحمیل می‌شود نباید بی‌پاسخ بماند.»

هانان نیومن عضو پارلمان اروپا نیز گفت: «اینبار باید هر کاری بکنیم تا چرخه وحشیانه کشتار، بخشودگی کیفری و سکوت را متوقف کنیم و مطمئن شویم مردم داخل ایران برای هیچ و پوچ زندگی‌شان به خطر نمی‌افتد.»

آنچه در ایران می‌گذرد بر سیاست‌های کلان دولت‌های غربی در قبال جمهوری اسلامی تأثیر مستقیم گذاشته است. ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز گفته در حال حاضر ایالات متحده بجای تمرکز بر مذاکرات احیای برجام توجه اصلی خود را به حمایت از معترضان ایران معطوف کرده است.

در همین ارتباط در سند استراتژی جدید امنیت ملی آمریکا که چهارشنبه ۱۲ اکتبر منتشر شد بر ضرورت مقابله با دخالت جمهوری اسلامی در امور همسایگان، موشک‌ها و پهپادها و پشتیبانی رژیم از گروه‌های نیابتی، توطئه برای آسیب رساندن به آمریکایی‌ها و برنامه هسته‌ای ایران تأکید شد. همچنین در این سند آمده «در خاورمیانه، ما برای تقویت بازدارندگی در قبال ایران، کاهش تنش‌های منطقه‌ای، تعمیق یکپارچگی میان مجموعه‌ای از شرکای منطقه و تقویت ثبات انرژی کار کرده‌ایم.»

یکی از مسائل مهم در این سند عدم اشاره به «برجام» است. هرچند که دولت بایدن تأکید کرده که «دیپلماسی را دنبال خواهیم کرد تا اطمینان حاصل کنیم که ایران هرگز نمی‌تواند به سلاح هسته‌ای دست یابد» اما صراحتاً اعلام شده «در صورت شکست دیپلماسی برای استفاده از ابزارهای دیگر آماده هستیم.» آمریکا هشدار داده حمله علیه اتباع آمریکایی و همچنین مقامات فعلی و سابق ایالات متحده قابل تحمل نخواهد بود و همانطور که نشان داده‌ایم، وقتی پای منافع مردم و آمریکا در میان است هر حمله‌ای را پاسخ خواهیم داد. در این سند با اشاره به اعتراضات مردم ایران تأکید شده است «ما همیشه در کنار مردم ایران خواهیم بود که برای حقوق اولیه و کرامتی تلاش می‌کنند که مدت‌هاست توسط رژیم تهران از آنها محروم شده‌اند.»

امانوئل ماکرون: مبارزان در ایران حامل ارزش‌های مشترک جهانی‌اند؛

حمایت از اعتراضات مردم ایران در «سند استراتژی امنیت ملی آمریکا»

● ماکرون رئیس جمهوری فرانسه: به خاطر زنانی که شجاعانه حجاب برداشته و در برابر اسلحه ایستاده‌اند و برای جوانان و مردانی که برای حقوق زنان و خواسته‌های مشترک این مبارزه می‌جنگند، سرکوبگری رژیم ایران را محکوم می‌کنند.

● کشورهای عضو اتحادیه اروپا توافق کرده‌اند که تحریم‌هایی جدیدی علیه جمهوری اسلامی اعمال کنند. چهار دیپلمات اروپایی گفته‌اند که وزیران خارجه این تحریم‌ها را دوشنبه ۱۷ اکتبر (۲۴ مهرماه) اعلام خواهند کرد.

در ادامه حمایت‌های بین‌المللی از خیزش سراسری مردم ایران رئیس‌جمهوری فرانسه در یک مصاحبه تلویزیونی که چهارشنبه شب ۱۲ اکتبر (۲۰ مهرماه) صورت گرفت، سرکوب مردم ایران به دست حکومت جمهوری اسلامی را محکوم کرد و گفت جوانانی که در ایران در حال مبارزه هستند حامل ارزش‌های مشترک جهانی‌اند.

امانوئل ماکرون در این مصاحبه درباره دست دادن وی با ابراهیم رئیسی در حاشیه نشست مجمع سالانه سازمان ملل در نخستین روزهای اعتراضات در ایران گفت که «این دست دادن به معنای تأیید اقدامات رژیم نبوده ولی دیپلماسی یعنی صحبت کردن با افرادی که عقیده آنها لزوماً با شما یکسان نیست.»

وی تأکید کرد مبارزه ایرانی‌ها ارزش‌هایی را شامل می‌شود که مورد تأیید فرانسه است. وی افزود: «حقوق زنان یک اصل منطقه‌ای و مربوط به اروپا نیست بلکه جهانشمول است. طی این چند هفته اتفاقی در جریان است که همه ما را به وجد می‌آورد.»

ماکرون همچنین در توییتی نوشت: «فرانسه به خاطر زنانی که شجاعانه حجاب برداشته و در برابر اسلحه ایستاده‌اند و برای جوانان و مردانی که برای حقوق زنان و خواسته‌های مشترک این مبارزه می‌جنگند، سرکوبگری رژیم ایران را محکوم می‌کنند.» شمار زیادی از ایرانی‌ها زیر توییت ماکرون به وی یادآوری کرده‌اند که خواسته‌ی اصلی مردم ایران که در شعارهای خود نیز اعلام کرده و می‌کنند، «سرنوشتی جمهوری اسلامی» است.

در پی سرکوب وحشیانه‌ی خیزش مردم ایران از سوی رژیم، کشورهای عضو اتحادیه اروپا توافق کرده‌اند که تحریم‌هایی جدیدی علیه جمهوری اسلامی اعمال کنند. چهار دیپلمات اروپایی گفته‌اند که وزیران خارجه این تحریم‌ها را دوشنبه ۱۷ اکتبر (۲۴ مهرماه) اعلام خواهند کرد. تحریم‌هایی که

دیگر هیچ خانواده‌ای در کشور ما دچار چنین فاجعه دهشتناکی نشود. مهسا اکنون در میان ما نیست و باز نخواهد گشت ولی ما به عنوان خانواده او موظف به پیگیری عادلانه آنچه رخ داده است هستیم.

پیگیری که مورد رضایت پروردگار و شادی روح فرزند دل‌بندمان و آرامش قلبی ما می‌شود، بیان واقعیت و کمک به کشف حقیقت و اجتناب از کتمان حقایق و جلوگیری از قلب واقعیت در خصوص این جنایت است.

ما مسیر دادخواهی در مراجع قضایی را انتخاب کرده‌ایم. از مقامات ذریع و مسئولان مربوطه درخواست می‌کنیم طبق قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه و مطابق وعده‌های صریح ریاست محترم قوه، تمامی تلاش خود را در جهت کشف حقیقت علت این مرگ هولناک و نیز نحوه برخورد با فرزندان مهسا از لحظه بازداشت غیرقانونی و اعزام وی به مرکز پلیس موسوم به گشت ارشاد به عمل آورند و با این کار هم از تکرار چنین فجایعی جلوگیری به عمل آید و هم از حقوق اولیای دم صیانت نمایند.

اساسی‌ترین خواسته ما از مرجع قضایی رسیدگی کننده به این پرونده این است که با دقت و شفافیت تمام، جزئیات پرونده را بررسی کرده و درخواست اساسی و غیرقابل چشم‌پوشی خانواده ما در خصوص حضور اساتید برجسته پزشکی در رشته مغز و اعصاب و قلب و یک روانپزشک در جلسات رسیدگی به پرونده در کمیسیون پزشکی قانونی به منظور بررسی علت یا علل فوت را بپذیرند و از دانش و تجربه پزشکان معتمد مراجع علمی کشور و خانواده ما که از مشاهیر در رشته تخصصی خود می‌باشند بهره‌برند.

اینک با توجه به تحقیقات و مشورت‌های صورت گرفته و با اعتماد به صداقت، شرافت و دانش استادان بزرگوار آقایان دکتر سیدعلی طباطبایی، دکتر کاظم عباسیون، دکتر هوشنگ معین، دکتر علی مشکینی، دکتر موسی تقی‌پور، دکتر محمد فرجی‌راد، دکتر خسرو پارسا، دکتر بابک زمانی، دکتر غلامرضا بهادرخان و دکتر رضا باقری، از ریاست محترم دادرسی جنایی استان تهران مصرانه می‌خواهیم که دستور تشکیل جلسه کمیسیون پزشکی قانونی با دعوت از حداقل ۵ نفر از اساتید معرفی شده فوق در رشته مغز و اعصاب به همراه دکتر سیف‌الله عبیدی متخصص قلب و دکتر محمد صنعتی روانپزشک را صادر فرمایند. بدیهی است بدون دعوت و حضور پزشکان عالیقدر و معتمد، در جلسات کمیسیون به منظور بررسی علت مرگ فرزندانمان، به جهت نوع برخوردهای اولیه پزشکی قانونی که جزئیات آن به اطلاع ریاست محترم دادرسی جنایی رسیده است، اعلام می‌داریم که «به هیچ وجه» نظریه پزشکی قانونی مورد تأیید ما نخواهد بود.

شایان ذکر است که ما و وکلای منتخب قصد مداخله در امور تخصصی پزشکی را نداریم و دعوت از این اساتید و پزشکان برجسته کشور برای حضور در جلسه کمیسیون بررسی علت فوت مهسا را انکار و نافی وظیفه قانونی سازمان پزشکی قانونی کشور نمی‌دانیم، بلکه این خواسته اساسی، عملاً بر غنا و اعتبار نظریه پزشکی قانونی می‌افزاید و در جامعه هم موجب اعتمادسازی می‌شود، و برای ما نیز اطمینان قلبی ایجاد می‌کند. در پایان از حقوقدانان محترم و وکلای ارجمند دادگستری که آمادگی خود را برای پذیرش وکالت خانواده ما در پرونده قتل مهسای عزیزمان اعلام کرده‌اند سپاسگزاریم. ضمناً چون آقایان صالح نیک‌بخت و علی رضایی را از آغاز به عنوان وکیل خود در پیگیری و تعقیب این پرونده انتخاب کرده‌ایم سپاسگزاریم که اگر نظراتی از لحاظ حقوقی دارند آن را به وکلای منتخب خانواده اعلام فرمایند.

مژگان افتخاری، امجد امینی
مادر و پدر مهسا



اعتراضات ضد حکومتی در ایران

ایران؛ انقلاب علیه انقلاب

● بن بست رژیم فعلی این است که در خیابانها، پارکها، دانشگاهها و مؤسسات با مخالفت آشکار و صریح روبروست. مخالفتی که دیگر نیازی به بررسی هویت یا بازجویی ندارد و نمی‌توان آن را به «دشمن» نسبت داد! رژیم مذهبی ایران با مخالفت اکثریت زنان ایران مواجه است. زنانی که آشکارا کلیت رژیم را نشانه گرفته‌اند و رژیم از مهار و محاصره آنها ناتوان است. شکاف بین زن ایرانی و رژیم جمهوری اسلامی یک شکاف تاریخی است که از سال ۱۹۷۹ و با تاسیس جمهوری اسلامی آغاز و امروز به بزرگترین گسست تبدیل شده است.

مصطفی فص (شرق الاوسط) خیزش مردم ایران
یک جنبش ضددینی نیست و در کنار زنانی که برای رفع محدودیت‌های اجباری حجاب به خیابانها ریخته‌اند، تظاهرکنندگانی از زنان با حجاب نیز ضمن داشتن حجاب اختیاری نه اجباری در کنار آنها علیه رژیم دینی شعار می‌دهند. همچنین مردان و جوانانی که لزوماً مخالف پوشش دینی نیستند، بلکه مخالف کسانی که می‌خواهند با زور سر نیزه آن را بر زنان تحمیل کنند و به نام دین، عقیده، انقلاب و حاکمیت یک «بیت» یا خانواده محدودیت‌های دیگری برای آنها ایجاد کنند، در کنار زنان هموطن خود ایستاده‌اند.

در صحنه کنونی ایران، خیزش و اعتراضاتی که به شکل پراکنده آغاز و دایره آن گسترش یافت، برای ادامه آن نه تنها به دو عامل زمان و ادامه خیزش نیاز است بلکه به سازماندهی و رهبری نیز محتاج است تا بتواند اهداف، مؤلفه‌ها و محرک‌های آن را برای رسیدن به یک خیزش عظیم و یکپارچه تبدیل کند اما با همه نقص‌ها این جنبش در محتوای عمیق‌تر خود دارای دو ویژگی است که هیچ جنبش اعتراضی پیش از آن نداشته است:

مهمترین ویژگی این خیزش «انقلاب علیه انقلاب» یا «انقلاب در انقلاب» است. این دو ویژگی برای اولین بار در تاریخ رژیم جمهوری اسلامی نمایان شده و تهدیدی واقعی علیه این رژیم به شمار می‌رود زیرا ظاهر ایدئولوژیک جمهوری اسلامی یعنی همان لباسی را هدف قرار داده که

و برابری‌هایی که از زمان رضاشاه پهلوی بنیانگذار دولت مدرن ایران داشتند حفاظت کنند. زن ایرانی از زمان تاسیس جمهوری اسلامی بسیاری از آن دستاوردها را از دست داد به ویژه اینکه زن در زمان حکومت پهلوی دارای امتیازات خانوادگی و اجتماعی بود که او را نه تنها از نظر روانی، فرهنگی و مالی مستقل می‌کرد بلکه حضور او در خانواده، اجتماع و زندگی عمومی در سطح نفوذ مردان تأثیرگذار بود. خطرناک‌ترین جنبه این خیزش رویارویی بین زنان و رژیم برای جمهوری اسلامی این است که رژیم می‌خواهد به جامعه‌ای که ظاهرش مذهبی است، حتی اگر باطن آن تهنی از مذهب و دین باشد راضی شود در حالی که در دهه‌های حکومت رضاشاه و فرزندش محمدرضا شاه برخی از پدیده‌های جامعه دینی ظاهری مثل حجاب دیده نمی‌شد اما محتوای آن در جامعه وجود داشت و این یعنی هم زن و مرد در جامعه ایران آن زمان در کنار هم بودند به همین دلیل انقلاب ۵۷ روی داد.

آنچه از نظر اجتماعی در ایران کنونی می‌گذرد، شبیه بحران مدیریت دولتمردان نظام محمدرضا شاه پهلوی با تغییرات اجتماعی در ایران در پایان دهه هفتاد میلادی قرن گذشته است که نتوانستند شرایط جامعه آن روز خود را خوب درک کنند. بن بست رژیم فعلی این است که در خیابانها، پارکها، دانشگاهها و مؤسسات با مخالفت آشکار و صریح روبروست. مخالفتی که دیگر نیازی به بررسی هویت یا بازجویی ندارد و نمی‌توان آن را به «دشمن» نسبت داد! رژیم مذهبی ایران با مخالفت اکثریت زنان ایران مواجه است. زنانی که آشکارا کلیت رژیم را نشانه گرفته‌اند و رژیم از مهار و محاصره آنها ناتوان است. شکاف بین زن ایرانی و رژیم جمهوری اسلامی یک شکاف تاریخی است که از سال ۱۹۷۹ و با تاسیس جمهوری اسلامی آغاز و امروز به بزرگترین گسست تبدیل شده است.

*منبع: شرق الاوسط

*نویسنده: مصطفی فص

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

یک زن باید در حکومت اسلامی به آن متعهد باشد. حجاب اجباری در این معادله جزء اساسی آموزه رژیم و جوهره ظاهری آن است و مستقیماً مربوط به حجاب عمومی است که برای زنان واجب کرده. بنابراین حجاب مستقیماً و صرفاً مربوط به ظاهر زن مربوط می‌شود. برای جمهوری اسلامی زن محجبه باشد کافست و حکومت کاری به عبادت زن ندارند! عوامل امنیتی و اخلاقی رژیم برایشان مهم نیست کسی نماز بخواند یا نخواند تا کنون هم برای بی‌نمازی نه کسی را تعقیب کردند و نه کسی را تنبیه اما کسانی که ظاهر رژیم یعنی حجاب را رعایت نمی‌کنند تحمل نخواهند کرد.

بنابراین، بسیار بعید به نظر می‌رسد که رژیم جمهوری اسلامی اینبار در در سرکوب جنبش اعتراضی از طریق خشونت مفرط و ستیزه‌جویی فزاینده علیه زنانی که نمی‌تواند خواسته‌های آنها را در مرحله انتقالی کنونی یا آینده پاسخ دهد، موفق شود.

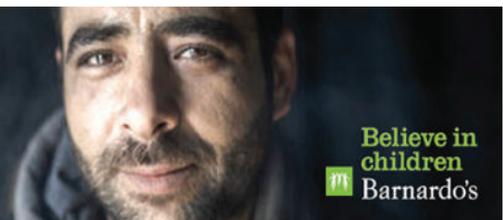
رژیم جمهوری اسلامی پس از اینکه تصمیم گرفت به سرشت اصلی خود برگردد و بجای تغییر به سمت اعتدال، بیشتر به عقب برگردد، باعث شد که محدودیت‌ها را بیشتر بر زنان اعمال کند و با لجاجت و نگاه ایدئولوژیک، فرصت واقعی را برای کاهش خشم مردم ایران که از مشکلات متعدد سیاسی، اقتصادی و معیشتی رنج می‌برند از دست داد. رژیم هیچ انعطافی در برابر خواسته‌های مردم از خود نشان نداد. رژیم کنونی ایران در ذات خود با کثرت‌گرایی در تضاد است و ستیزه‌جویی ماهیت آن را تشکیل می‌دهد و به دلیل ترس از نابودی، خشونت و سرکوب را بر پاسخ به خواسته‌های مردم و انعطاف‌پذیری ترجیح داده است.

بنابراین خشم زن ایرانی و مردان حامی آنان اگر به حد ناامیدی نمی‌رسیدند منفجر نمی‌شد. زنان ایران از فشارهای تحمیلی رژیم اسلامی خسته شده‌اند پس برای حفاظت از دستاوردهایی که در طول تاریخ معاصر در اختیار آنها قرار گرفته بود، بپا خاستند و به خیابانها آمدند.

این زنان با شجاعت بیرون آمدند تا از دستاوردهای حقوقی

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



ریزش و خستگی نیروهای سرکوب در «خیزش محله محور»؛ روشی که مردم برای مقابله با سرکوبگران انتخاب کرده‌اند



تظاهرات در تهران خیابان وصال شیرازی

تظاهرات در تهران به مناطقی رسیده که حامیان انقلاب و خانواده بسیجی‌ها و سپاهی‌ها آنجا ساکن‌اند. همزمان با این اعتراضات شبکه خبر جمهوری اسلامی برای ثانیه‌هایی هک و شعار «زن زندگی آزادی» از آن به همراه فراخوان به اعتراض پخش شد. خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه در گزارشی ادعا کرد «کاهش تعداد افراد شرکت‌کننده در تجمعات، عوامل ضدانقلاب را به انجام اقدامات فائزتی سوق داده است.»

اما کانال تلگرامی «شبکه اول سیما» شنبه شب گزارش داد «آشوب‌های گسترده و شدید شبانه در ده‌ها شهر کشور و ده‌ها نقطه تهران جریان دارد... به‌رغم آماده‌باش صد درصدی نیروهای امنیتی و قطع اینترنت، در ادامه اعتراضات گسترده و بی‌سابقه امروز، اغتشاشگران با تاریکی هوا شهرها را بیشتر به‌آشوب کشیدند.»

در این گزارش تأکید شده «در بسیاری شهرها موتورها و مراکز حساس با پرتاب کونکله‌ها آتش گرفته و گارد ویژه و نیروهای بسیج مجبور شده‌اند از بسیاری مناطق عقب بنشینند.»

نکته قابل توجه این است که در همین خبر آمده: «سردار سلامی کجایید؟! خود شما به تازگی هشدار دادین که: شیاطین عالم برای تهران نقشه کشیده‌اند. اکنون نقشه آنها به عمل تبدیل شده اما روشن نیست نیروهای شما چه عمل می‌کنند! نکند آنقدر درگیر معاملات اقتصادی و پیمانکاری قرارگاه خاتم شده‌اند که اکنون که روز ورود آنها به صحنه است، دل و دماغی برای به خطر انداختن امنیت خود و منافع اقتصادی‌شان ندارند! حتی اگر مسئله بود و نبود نظام در میان باشد!»

از سوی دیگر، مهدی رفیعی بهابادی رئیس مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران در مصاحبه با ایرنا هشدار داده «خشم نسبت به حکومت» در وضعیت خطرناکی قرار دارد.

هفت حوض نارمک، سیلان تا فلکه وثوق و تهرانپارس) مردم معترض دست به تظاهرات زدند. پراکندگی اعتراضات تمرکز نیروهای امنیتی را به شدت بهم زد. به ویژه آنکه در حومه تهران (شهریار، قلعه حسن‌خان، فردیس و کرج) درگیری‌ها گسترده شد و یگان‌های امنیتی نتوانستند به کمک یگان‌هایی اعزام شوند که در محدوده مرکزی پایتخت درگیر بودند. در سایر شهرها نیز وضعیت مشابه بود. در شهری که مردم شهرستان‌های اطراف آن نیز در تظاهرات بودند، نیروهای سرکوبگر مجبور شدند با همان قوای محدود مقابل مردم بایستند و به همین دلیل در بعضی از مناطق تهران و چند شهر دیگر از جمله سنجند و اصفهان گزارش شد که محلات در اختیار مردم قرار گرفته است.

روشی که مردم برای مقابله با سرکوبگران انتخاب کرده‌اند «خیزش محله محور» است. آنها بسیجی‌ها و نیروی انتظامی را به کوچه‌ها می‌کشاند تا آرایش تیمی یگان‌های مهاجم شکننده شود.

روزنامه «کیهان» چاپ تهران خشمگین از خیزش مردم ایران در گزارشی دروغ و عصبی مدعی شد «دشمن کم‌آورده، تودهنی خورده و ناامید از ملت مؤمن، آگاه و مبارز، دیروز اوپاش اجاره‌ای خود را به عنوان نوحه‌های داعش به خیابان فرستاد، آنها هم خوراک‌شان محتوای سطل‌های زباله است که به آتش بکشند و فرار کنند. تروریست‌های بدبخت اجاره‌ای که هر لحظه و هرچه سریع‌تر در تور سربازان و پاسداران گمنام و امنیت‌ساز امام زمان گیر خواهند کرد.»

در همین ارتباط محسن منصورى استاندار تهران در جلسه‌ای با فرماندهان نیروی انتظامی غرب استان تهران هشدار داد، «در مجموعه دستگاه‌های امنیتی زیرساخت‌های موجود جواگو نیست و کمبودهایی وجود دارد... برخی از نیروهای پلیس در طول اغتشاشات تا چند روز به منزل نرفتند.»

● محسن منصورى استاندار تهران در جلسه با فرماندهانی نیروی انتظامی غرب استان تهران هشدار داد، «در مجموعه دستگاه‌های امنیتی زیرساخت‌های موجود جواگو نیست و کمبودهایی وجود دارد... برخی از نیروهای پلیس در طول اغتشاشات تا چند روز به منزل نرفتند.»

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران خشمگین از خیزش مردم ایران در گزارشی دروغ و عصبی مدعی شد «دشمن کم آورده، تودهنی خورده و ناامید از ملت مؤمن، آگاه و مبارز، دیروز اوپاش اجاره‌ای خود را به عنوان نوحه‌های داعش به خیابان فرستاد، آنها هم خوراک‌شان محتوای سطل‌های زباله است که به آتش بکشند و فرار کنند.

● کانال تلگرامی «شبکه اول سیما» در گزارشی به گسترش اعتراضات در ایران پرداخت و نوشت: «سردار سلامی کجایید؟! خود شما به تازگی هشدار دادین که: شیاطین عالم برای تهران نقشه کشیده‌اند. اکنون نقشه آنها به عمل تبدیل شده اما روشن نیست نیروهای شما چه می‌کنند!»

● مهدی رفیعی بهابادی رئیس مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران در مصاحبه با ایرنا هشدار داده «خشم نسبت به حکومت» در وضعیت خطرناکی قرار دارد.

مردم ایران روز شنبه ۱۶ مهرماه ۱۴۰۱ نیز بدون توجه به هشدارها و تهدیدات حکومت به اعتراضات خود برای آزادی ادامه دادند و در شهرهای مختلف به خیابان‌ها آمدند. در پایتخت اعتراضات این روز یک ویژگی داشت: بازاریان از صبح مغازه‌ها و حجره‌ها را بستند و در همان محلات جنوب شهر از لاله‌زار و پامنار تا میدان ارگ و تیموری و کوچه‌های منتهی به خیابان «جمهوری» تظاهرات کردند. این اعتراضات با تاریک شدن هوا به نازی‌آباد کشیده شد.

دانشجویان نیز بار دیگر در محوطه دانشگاه ماندند و به خیابان‌ها آمدند و مردم به آنها پیوستند و تا نیمه‌های شب در غرب تهران (آرایشهر و جنت‌آباد) و در شرق («پیروزی»،

#سنندج؛ همبستگی و پایداری معترضان در خون و باورت؛ فراخوان اعتراضات پشتیبانی از یکدیگر در ۲۰ مهرماه



ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد زنان و مردان با صدای گرفته اما مصمم و خشمگین همچنان در شامگاه سه‌شنبه ۱۹ مهرماه در خیابان هستند و شعار می‌دهند. یکی از شهروندان ساکن سنندج که توانسته به سختی به اینترنت متصل شود در رشته توییتهای به مقاومت مردم شهر در برابر جمهوری اسلامی اشاره و خواستار حمایت همه‌جانبه مردم دیگر شهرها از شهروندان سنندج شده است.

این شهروند نوشته که «چی بگم براتون که درد زیاده، یکی از بچه‌ها مون شهید شده، می‌گن تو کماست اما کشتنش، آمار گرفتیم، رسماً فراری‌ام. سنندج بیشتر از سهمیه‌ش خون داد و باز می‌ده، ولی این مردم آگه پشت ما رو بگیرن خودشون هم به اندازه ما تاوان میدن، شک نکنید. ما پا پس نکشیدیم و نمی‌کشیم تا آخرش میریم.»

او در ادامه نوشته که «من جواب شیون و زاری مادرمو ندادم، دیگه هیچی نمی‌تونه منصرفم کنه. میدونم که اینا آگه بمونن بلاخره میان سراغم و جایی نیست که قایم بشم، نمی‌تونم هم که تا ابد قایمکنی زندگی کنم. امیدوارم تمام ایران به روز من دچار بشه، راه پس نداشته باشه. اونوقت به روزه مملکت آزاد میشه.»

او همچنین از یکی از جانباختگان نوشته که «اون پسره بود، یحیی بچه محله نله بود، بخاطر یه بوق زدن کشتنش، خونه‌ها مونو به گلوله بستن، تو خیابون کارآموزی بچه رو جلو چشم باباش کشتن، اینجا اوضاع اونقدر جنگیه که در کلمه نمی‌گنجه، اما سنندج واقعا اکثریت مردم اومدن بیرون، کمتر کسی هست که نیومده. رزم موندگاریمونم همینه.»

در این میان سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی دارای پرونده تروریستی بین‌المللی

با اینهمه سرکوب معترضان با اسلحه و به شکل خشونت‌باری ادامه دارد؛ اینترنت شهر تقریباً قطع است و اخبار از وضعیت شهروندان به گندی منتشر می‌شود. سنندج در حالی در چهارمین هفته خیزش ملی به کانون اعتراضات تبدیل شده که هشتگ «سنندج» در توییتر حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار بار مورد استفاده قرار گرفته و ترند شده است.

ویدئوها و اخبار منتشر شده از سنندج نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی دوشنبه شب وارد مجموعه مسکونی مهر بهاران و محله نایس شدند و به سمت خانه‌های مردم گاز اشک‌آور شلیک کرده و به سوی پنجره خانه‌هایی که از آنها صدای شعار می‌آمد تیراندازی کرده و به شهروندان دشنام و ناسزا می‌گفته‌اند.

سرکوب گسترده سبب جان باختن، مجروح شدن و بازداشت هزاران تن در سراسر کشور شده است. هنوز آمار دقیقی از شمار قربانیان سرکوب روزهای گذشته در سنندج منتشر نشده اما بر اساس اخبار شمار بازداشت‌شدگان آنقدر زیاد است که نه تنها زندان و بازداشتگاه‌ها مملو از معترضان است بلکه سیلوا و انبارهایی در نزدیکی منطقه تاناکورا این شهر هم در اختیار نهادهای امنیتی و انتظامی قرار گرفته و به بازداشتگاه تبدیل شده است.

همچنین گفته شده برای سرکوب بیشتر مردم نیروهای ضدشورش و امنیتی از شهرهایی چون یزد و همدان به سنندج منتقل شدند. شهروندان گزارش می‌دهند که شب گذشته تا ساعت دو بامداد صدای تیراندازی و شعار از چند محله سنندج به گوش می‌رسید. نیروهای سرکوبگر بدون هیچ ملاحظه‌ای به خانه‌ها و پنجره‌ها شلیک می‌کنند و صدای شیون و گریه بچه‌هایی که ترسیده‌اند به گوش می‌رسد.

ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد زنان و مردان با صدای گرفته اما مصمم و خشمگین همچنان در شامگاه سه‌شنبه ۱۹ مهرماه در خیابان هستند و شعار می‌دهند. سازمان عفو بین‌الملل و چند سازمان حقوق بشری غیردولتی دیگر، نسبت به ابعاد گسترده سرکوب معترضان در جریان خیزش سراسری علیه جمهوری اسلامی در سنندج، مرکز استان کردستان، هشدار داده‌اند.

شمار بازداشت‌شدگان آنقدر زیاد است که نه تنها زندان و بازداشتگاه‌ها مملو از معترضان است بلکه سیلوا و انبارهایی در نزدیکی منطقه تاناکورا این شهر هم در اختیار نهادهای امنیتی و انتظامی قرار گرفته و به بازداشتگاه تبدیل شده است.

با وجود تلاش نیروهای امنیتی برای سرکوب مردم معترض، فراخوان‌هایی برای تجمع‌های اعتراضی در روز چهارشنبه ۲۰ مهر از جمله در حمایت از مردم سنندج منتشر شده است.

در چهارمین هفته خیزش ملی در ایران، شهر سنندج مرکز استان کردستان با اعتراضات گسترده مردم، رویارویی و نبرد متقابل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و شهروندان غیرمسلح، قطع اینترنت و سرکوب گسترده معترضان روبرو شده است.

در چهارمین هفته خیزش سراسری مردم علیه جمهوری اسلامی، اعتراض گسترده شهروندان در سنندج به صورت شبانه‌روزی ادامه دارد؛ گزارش‌ها نشان می‌دهد دور تازه اعتراضات در این شهر از روز شنبه ۱۶ مهر آغاز و تا کنون ادامه داشته است. مردم در برابر سرکوب مسلحانه نیروهای حکومتی مقاومت کرده و آنها را در بسیاری از محله‌ها عقب رانده‌اند.

توصیه علی خامنه‌ای برای سرکوب مردم:

راه علاج دشمنی‌ها ایستادگی است!



طرح ارسالی به کیهان لندن

جمهوری اسلامی چیزی جز سوزاندن مردم در سینما و اعدام و ترور و کشتار در خیابان و زیر شکنجه و تیرباران نبوده است! خامنه‌ای یک روز بدون این «کمک الهی» را می‌تواند آزمایش کند تا ببیند مردمی که جمهوری اسلامی را می‌خواهند چگونه دودمان آن را بر باد خواهند داد! در تمام این سالها نیز با وجود «کمک الهی» مورد نظر خامنه‌ای که فقط خون ریخت، مردم هرگز از مبارزه با رژیم جور و جهل و ویرانی دست نکشیده‌اند.

حالا نیز علی خامنه‌ای در حالی خیزش سراسری مردم را که جهان مبهور آن شده، «حوادث جزئی» خوانده که از دو هفته پیش با گسترده‌تر شدن اعتراضات، خود مقامات رژیم نیز اعتراف کردند که اعضای «یگان ویژه» پلیس چند شب است نخوابیده‌اند!

چهارمین هفته‌ی خیزش سراسری مردم ایران که بسیاری آن را انقلاب می‌دانند و می‌نامند روزهای میانی را می‌گذراند و لایه‌های مختلف جامعه از هر گروهی به اعتراضات پیوسته‌اند. اعتراضاتی که حتا دانش‌آموزان مدارس ابتدایی نیز از آن برکنار نمانده‌اند چرا که جهل و جور حکومت اسلامی و مغزشویی‌ها و تبلیغاتی تحمیلی و ضدانسانی‌اش از همان دبستان آغاز می‌شود! یاران دبستانی با ابتکار خود تصاویر خامنه‌ای و خمینی را از کتاب‌های درسی پاره می‌کنند و دخترکان با هم روسری و مقنعه آتش می‌زنند و موهای پریشان و زیبایی خود را به نمایش می‌گذارند.

این کودکان که جمهوری اسلامی فکر می‌کند می‌تواند آنها را گوشت دم توپ سلطه‌جویی‌های جنگ‌افروانه‌ی خود کند، علیه آن بپا خاسته و زندگی شیرین گروه‌ها و خانواده‌های مافیایی رژیم را در داخل و خارج بر آنها تلخ کرده‌اند! این روزها شعار زن زندگی آزادی و مرد میهن آبادی بر تخته‌های کلاس مدارس نقش بسته و تا زمانی که جامعه تکلیف خود را با این حکومت معلوم نکند، همچنان تکرار خواهد شد.

● **خامنه‌ای که مردم را «دشمن» می‌بیند در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته «در اغتشاشات برخی افراد یا عامل دشمن هستند یا اگر عامل هم نباشند هم جهت با دشمن هستند و مسئولان قضایی و امنیتی باید وظیفه خود را انجام دهند».**

● **رهبان جمهوری اسلامی به مسئولان نظام توصیه کرد، «مراقب باشید حوادث جزئی حواس شما را پرت نکند و از کارهای اصلی و اساسی باز نمانید!» او همچنین گفت: «ما به وعده الهی مبنی بر پیروزی قطعی یقین داریم و حتماً کمک الهی همراه ما خواهد بود».**

رهبان جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۲۰ مهرماه در دیدار با اعضای «مجمع تشخیص مصلحت نظام»، به مسئولان قضایی و امنیتی توصیه کرده که با مردم معترض و به گفته‌ی وی «عوامل دشمن در اغتشاشات» برخورد قضایی و امنیتی صورت گیرد. علی خامنه‌ای گفته «در اغتشاشات برخی افراد یا عامل دشمن هستند یا اگر عامل هم نباشند هم جهت با دشمن هستند و برخی هم افراد هیجانزده هستند. در مورد دسته دوم باید کار فرهنگی انجام گیرد اما در خصوص دسته اول، مسئولان قضایی و امنیتی باید وظیفه خود را انجام دهند.»

او که مردم معترض را «دشمن» می‌بیند، با بیان اینکه «تنها راه علاج، ایستادگی در مقابل دشمن است» تأکید کرد: «اینکه برخی می‌گویند فضا را امنیتی نکنید بلکه ما هم موافق هستیم و تا آنجایی که ممکن است فضا نباید امنیتی شود اما کار فرهنگی جای خود و کار قضایی و امنیتی هم در جای خود!» خامنه‌ای به مسئولان نظام همچنین توصیه کرد، «مراقب باشید حوادث جزئی حواس شما را پرت نکند و از کارهای اصلی و اساسی باز نمانید!» او همچنین گفت: «ما به وعده الهی مبنی بر پیروزی قطعی یقین داریم و حتماً کمک الهی همراه ما خواهد بود!» این «کمک الهی» که خامنه‌ای به آن اشاره می‌کند، از زمان انقلاب ارتجاعی ۵۷ و روی کار آمدن

→ به سنج سفر کرده و در سخنانی، تظاهرات شهروندان را «اغتشاشات» خوانده و در ادعایی دروغ گفته است که این اعتراضات «توسط گروهک‌های تروریستی تجزیه‌طلب کومله، دموکرات و پژاک که سابقه بسیار بدی دارند حمایت، طراحی و پیگیری شده است.»

این سخنان وزیر کشور در حالی با موجی از اعتراضات شهروندان معترض روبرو شده که برخی از تحلیلگران معتقدند جمهوری اسلامی تلاش دارد در مناطق غرب کشور، اعتراضات را به جنگ نظامی میان جمهوری اسلامی و گروه‌های تجزیه‌طلب و احزاب تروریستی قومگرا تبدیل کند تا مسیر اعتراضات شهروندان در سراسر ایران را منحرف کرده و نظام را نجات دهد.

قابل توجه اینکه در هیچیک از ویدئوهای منتشر شده از خیزش مردمی در سنج و دیگر شهرهای کردنشین شعار تجزیه‌طلبانه و یا افرادی با لباس احزاب گرد تجزیه‌طلب دیده نمی‌شود.

سازمان عفو بین‌الملل و چند سازمان حقوق بشری غیردولتی دیگر، نسبت به ابعاد گسترده سرکوب معترضان در جریان خیزش سراسری علیه جمهوری اسلامی در سنج، مرکز استان کردستان، هشدار داده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل روز گذشته با هشدار نسبت به «ابعاد گسترده سرکوب جاری معترضان» در سنج نوشته که گزارش‌های دریافت شده حاکی از استفاده نیروهای امنیتی از سلاح گرم و شلیک مکرر گاز اشک‌آور، از جمله به خانه‌های مردم، است.

عفو بین‌الملل تأکید کرده است «مقامات جمهوری اسلامی برای پنهان کردن جنایات خود به قطع شبکه‌های اینترنت و تلفن همراه ادامه می‌دهند. کشورهای جهان باید فوراً مراتب اعتراض خود را با سفرای ایران مطرح کنند و از آنها بخواهند که فوراً به سرکوب اعتراضات پایان دهند و به حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز احترام بگذارند.»

سازمان عفو بین‌الملل همچنین در اقدام برای گردآوری توماری جهت تحقیقات مستقل از سوی سازمان ملل در ارتباط با جنایات جمهوری اسلامی بر اساس قوانین بین‌المللی از همگان خواسته است تا با امضای آن به عملی شدن چنین تحقیقاتی یاری برسانند.

با وجود تلاش نیروهای امنیتی برای سرکوب مردم معترض، فراخوان‌هایی برای تجمع‌های اعتراضی در روز چهارشنبه ۲۰ مهر از جمله در حمایت از مردم سنج منتشر شده است.

در همین ارتباط «مرکز همکاری احزاب کردستان» نیز امروز ۱۹ مهرماه با پشتیبانی از فراخوان اعتراضات روز ۲۰ مهر در سرتاسر ایران و حمایت از «اتحاد همگانی مردم مبارز ایران» اعلام کرده است «از تمامی اقشار و آحاد مردم کردستان و ایران درخواست دارد بعد از ظهر روز ۲۰ مهرماه در تمامی میدادین و خیابان‌های اصلی شهرها حضور بهم رسانند و بار دیگر علیه ظلم و استبداد رژیم اسلامی شعار سر دهند.»

در آخرین ساعات سه‌شنبه شب ۱۹ مهرماه به وقت ایران شاهزاده رضا پهلوی در پیامی با هشتگ #مهسا_امینی و IranRevolution۲۰۲۲ حمایت از مردم سنج را یک «وظیفه ملی» دانست و نوشت: «به مردم و جوانان دلاور سنج که در چند روز گذشته با نبردی جانانه به انقلاب ملی ایران تداوم بخشیده‌اند، درود می‌فرستم. امروز، حمایت از هم‌میهن‌مان در سنج، و نیز در زاهدان که پس از آن جمعه خونین، همچنان زیر ضرب و سرکوب قرار دارند، یک وظیفه ملی است.»

گزارش ویژه؛ حضور اعتراضی مردم در نازی آباد، فلاح و «امامزاده حسن» سرکوبگران را نقره داغ کرد؛ «دارالشهدا»ی تهران چه شد؟!



همچنان ادامه دارد. گردان «فاتحین» از یگان‌های اصلی اعزام نیروی آموزش دیده به سوریه است.

۳) مقامات حکومتی می‌گویند «سلمان ملک‌احمدی با سلاح گرم کشته شده است. منظور آنها همان «شات‌گان» است. این یعنی برای جمهوری اسلامی اسلحه ساچمه‌ای دو تعریف دارد: اگر دست مزدوران حکومت باشد می‌گویند سلاح «ساجمه‌زن» و ادعا می‌شود مأموران مسلح نیستند! اما اگر به سمت نیروهای امنیتی و پاسداران شلیک شود که آنهم معلوم نیست از درون خودشان باشد یا نه، آن را «سلاح گرم» و «جنگی» می‌نامند! در شرایطی که ده‌ها ویدئو از اعتراضات اثبات می‌کند که نیروی انتظامی و بسیج و حتی لباس شخصی‌ها با سلاح جنگی و «شات‌گان» به مردم تیراندازی می‌کنند همچنان ادعا می‌شود نیروهای امنیتی «به هیچ عنوان اسلحه‌های جنگی با خود ندارند» و «مردم را نمی‌زنند». ۴) هرچند حکومت ادعا کرده شلیک به امیراحمدی توسط «اغتشاشگران» صورت گرفته اما در صحت این ادعا تردید وجود دارد. یکی از بسیجی‌ها در توئیتر ادعا کرده اغتشاشگران یک دست سیاه‌پوش بودند! اتفاقاً یونینفورم رزمی شماری از پرسنل سرکوبگر نیروی انتظامی و گردان «فاتحین» یک‌دست سیاه است. با توجه به نزدیک بودن فاصله شلیک بعید نیست یکی از نیروهای سرکوبگر عمدی یا سهوی به او شلیک کرده باشد. تردید در مورد چگونگی تلفات از درون نیروهای سرکوبگر زمانی بیشتر می‌شود که برادر این فرد به خبرنگاری فارس می‌گوید «[شنبه] شب شرایط برای اعلام خبر شهادت او مناسب نبود و صبح [یکشنبه] با اقوام این موضوع را به خانواده اطلاع دادیم.»

یک عکاس بسیجی در همین ارتباط در توئیتر نوشته «ایکاش لباس نظامی فروش‌های گمرک و همه کشور قبل از فروش لباس نظامی، بدونند به کی دارن لباس می‌فروشون! سلمان امیراحمدی با سلاح ساچمه‌ای و لباس مبدل اغتشاشگرا به شهادت رسید!! هرکسی سلاح ساچمه داره، حتما پلیس و نیروی مردمی نیست! حتی با لباس مشکی و لجنی و...!» طرح این مسائل احتمال این را که امیراحمدی به هر دلیلی توسط خود نیروهای سرکوبگر از جمله از روی هراس و با شلیک اشتباه کشته شده باشد زیاد می‌کند. حتی این نیز بعید نیست که شلیک‌های عمدی به نیروهایی که معتقد به سرکوب مردم معترض هستند از سوی پرسنل نیروی انتظامی صورت گیرد که مخالف رژیم هستند و جانب مردم را گرفته‌اند.

طبق گزارش روزنامه «همشهری» طی سه هفته گذشته ۲۴ نفر از بسیجی‌ها و پاسداران و دیگر نیروهای سرکوب در جریان اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و حقوق خود کشته شدند.

علیرضا نادعلی نایب رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران می‌گوید «منطقه ۱۷ دارالشهدای شهر تهران است و معمولاً شاهد هیچ تحرکی در این منطقه نیستیم، اما عده‌ای اغتشاشگر به همراه موتورسیکلت به سمت این منطقه حرکت کردند و سعی داشتند آرامش این منطقه را برهم بزنند که که آسیب‌های زیادی به اموال عمومی وارد شده است.» برخلاف ادعای این عضو شورای اسلامی شهر تهران آنهایی که در اعتراضات محله فلاح بودند اهل محل بودند و نه کسانی که با چند موتور سیکلت از جاهای دیگر به آنجا رفته‌اند!

واقعیت این است که حکومت انتظار نداشت در تهران در محلاتی مثل نازی‌آباد، خزانه و فلاح مردم دست به اعتراض بزنند. اغلب ساکنین این مناطق بطور سنتی مذهبی هستند و قوی‌ترین پایگاه‌های بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در چهار دهه اخیر در این محلات مستقر بوده است. اتفاقاً در درگیری‌هایی که در این محلات رخ داد تلفات نیروهای امنیتی بالا بود؛ یکی از آنها «سلمان امیراحمدی» است. او عضو ناحیه مقاومت بسیج «حبیب ابن مظاهر» (محله ابوذر غربی) بوده است. یکی از مراکز اصلی پرورش بسیجی‌های خشن در جنوب تهران! این نیروی سرکوبگر البته شرایط خاصی نیز داشت. او کارمند سازمان تامین اجتماعی و عضو گردان تخریب «فاتحین» بسیج بود. اینها اطلاعاتی است که برادر خود وی در مصاحبه با خبرنگاری فارس به آنها اعتراف کرده است. طبق گفته‌های برادر این سرکوبگر، وی با شلیک سلاح شات‌گان یا تفنگ ساچمه‌ای در اثر اصابت ۱۳ تیر به صورت و گردنش کشته شده است. این اعتراف یعنی از فاصله نزدیک به او شلیک شده و تصاویری که از جسد وی در رسانه‌های حکومتی منتشر شده نیز این موضوع را تأیید می‌کند. گذشته از اینکه پس از کشتار آبان ۹۸ و بطور مشخص از اعتراضات سال گذشته مردم اصفهان در کف زاینده رود مشخص شد که حکومت «شات‌گان» در اختیار نیروهایش قرار داده، شلیک از نزدیک که منجر به مرگ این فرد شده نیز نشان می‌دهد که شلیک‌کننده در نزدیکی خود وی بوده است!

مرگ این بسیجی و اطلاعاتی که از وی منتشر شده چند موضوع را آشکار می‌کند:

۱) شمار زیادی از سرکوبگران علاوه بر اینکه عضو گردان‌های رزمی و امنیتی هستند به عنوان کارمند در ادارات و ارگان‌های دولتی نیز به اشتغال گرفته شده‌اند.

۲) برخلاف آن دیدگاه‌هایی که مدعی‌اند حکومت هنوز تمام قوای خود برای سرکوب مردم را به میدان نیاورده است اتفاقاً ورود یگان‌های «صابرین» و «فاتحین» به خیابان‌ها یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تمام قوای پوشالی و بره‌های کاغذین خود وارد میدان شده اما با وجود سرکوب‌ها اعتراضات

اعتراضات در تهران به محلاتی گسترش پیدا کرده که نه تنها سابقه تظاهرات ضدحکومتی نداشتند بلکه به خاطر بافت مذهبی قدرتمندترین پایگاه‌های بسیج و سپاه پاسداران در آن محلات مستقر هستند.

● معاون امنیتی وزارت کشور جمهوری اسلامی ادعا می‌کند اعتراضات در تهران مختصر است اما علیرضا نادعلی نایب رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران می‌گوید «منطقه ۱۷ دارالشهدای شهر تهران است و معمولاً شاهد هیچ تحرکی در این منطقه نیستیم، اما عده‌ای اغتشاشگر به همراه موتور سیکلت به سمت این منطقه حرکت کردند!»

● یکی از بسیجی‌ها که درگیری‌های روز شنبه ۱۶ مهرماه کشته شد «سلمان امیراحمدی» است. این نیروی سرکوبگر شرایط خاصی نیز داشت. وی کارمند سازمان تامین اجتماعی و عضو گردان تخریب «فاتحین» بسیج بود که به طرز مشکوکی با «شات‌گان» کشته شده است.

● برای جمهوری اسلامی «شات‌گان» دو تعریف دارد: اگر دست مزدوران حکومت باشد می‌گویند سلاح «ساجمه‌زن» است و ادعا می‌شود مأموران مسلح نیستند! اما اگر به سمت نیروهای امنیتی و پاسداران شلیک شود آن را «سلاح گرم» و «جنگی» می‌نامند!

● طبق گزارش روزنامه «همشهری» طی سه هفته گذشته ۲۴ نفر از بسیجی‌ها و پاسداران و دیگر نیروهای سرکوب در جریان اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و حقوق خود کشته شدند.

سه هفته پس از آغاز خیزش سراسری در ایران شمار تلفات در میان نیروهای سرکوبگر به شدت افزایش پیدا کرده است. با وجود اینکه سپاه گردان‌های امنیتی «صابرین» و «فاتحین» را به میدان آورده اما یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «در محلات جنوب شهر تهران نیروی‌های سرکوبگر خیلی صدمه دیدند.»

معاون امنیتی وزارت کشور جمهوری اسلامی با تهدید اعلام کرده که با معترضان «اتهام حجت» کرده است. سید مجید امیراحمدی گفته است «از این به بعد دستگیرشدگان صحنه اغتشاشات، تا زمان محاکمه دیگر به هیچ وجه آزاد نخواهند شد.»

معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور ادعا می‌کند در جریان اعتراضات روز شنبه «جز در شهرهای تهران و سمنان که ناآرامی‌ها مختصر بود، در تمام کشور آرامش و امنیت کامل برقرار بود و حقیقتاً دشمن در این توطئه جدید نیز با شکست مواجه شده است.» اما بر اساس گزارش‌هایی که فیلم و تصاویر آنها موجود است اعتراضات در اغلب شهرهای ایران در جریان بود. شنبه شب ۱۶ مهرماه در تهران نیز تظاهرات آنقدر گسترده بود که حتی به محلاتی کشیده شد که سابقه اعتراض نداشته‌اند.

«روز کودک» در حکومت «کودک‌کش»؛ دست کم ۱۹ کودک در اعتراضات کشته شده‌اند



متاسفانه در لایه‌های عمیق‌تر این سرکوب‌ها، ظلم‌های دیگری رخ داده که بر عمق فاجعه می‌افزاید. بطور مثال جمهوری اسلامی، نه تنها مسئولیت کشتار بی‌رحمانه کودکان را به عهده نمی‌گیرد بلکه با طرح سناریوهای تکراری و نخ‌نما سعی دارد جان باختن آنها را به عللی مانند خودکشی لاپوشانی کند.

سناریوی خودکشی و «سقوط از بلندی» را حکومت نه تنها پس از قتل حکومتی مهسا امینی (کسی که بنای اعتراضات سراسری با قتل او رقم خورد) به کار گرفت بلکه عین همان را برای نیکا شاکرمی نیز تکرار کرده است! حکومت خونریز جمهوری اسلامی علاوه بر دروغ و انکار این جنایت‌ها، ده‌ها اتهام و برچسب واهی نیز به کشته‌شدگان و خانواده‌های آنها نیز می‌زند!

صحنه‌های اعتراضات مردم در جمهوری اسلامی همواره چنان پُر حادثه و مرگبار بوده است که مجال برای بررسی باقی جنایات بجا مانده از ناکارآمدی‌های جمهوری اسلامی از جمله علیه کودکان باقی نمی‌ماند. به عنوان مثال در یک شرایط معمولی‌تر پرونده امیرحسین خادمی کارگر نوجوان ۱۶ ساله اهل حاجی‌آباد مرکز شهرستان زرین‌دشت که پس از تعرض جنسی در محل کارش به قتل رسید، در پس اینهمه جنایت فعلا مسکوت مانده تا زمانی پیگیری آن نیز دنبال گرفته شود.

با اینهمه در میان اخبار تکانه‌دهنده نباید جسارت کودکان و نوجوانان امروز را دست کم گرفت که اگرچه این حکومت با قدرناشناسی تمام زیبایی‌های زندگی را از ایشان غارت کرده و می‌کند اما آنها را تبدیل به جنگجویان تاریخ‌سازی کرده که در تلاش‌اند تا برای کودکان نسل‌های آینده میراثی گرانبها به یادگار بگذارند. میراثی که نشانی از جمهوری اسلامی تبهکار در آن نباشد.

کرمانشاه، نیما شفق دوست ۱۶ ساله از ارومیه، سیدس کشانی ۱۴ ساله، اقبال شهناوی ۱۶ ساله، سامر هاشم زهی ۱۶ ساله هر ۳ از زاهدان و... تنها بخشی از ده‌ها کودک سراسر ایران هستند که به دست نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به فجیع‌ترین شکل ممکن کشته شدند.

«سازمان حقوق بشر ایران»، در گزارشی که ۱۶ مهر منتشر کرده می‌گوید از بین ۱۸۵ کشته بجا مانده از اعتراضات، ۱۹ تن کودکان زیر ۱۸ سال بوده‌اند. به استناد همین گزارش، بیشترین کشتار در استان‌های سیستان و بلوچستان روی داده، بطوری که نیمی از جانباختگان مربوط به این استان هستند و در بین کشته‌شدگان یک کودک دو ساله نیز گزارش شده است.

«کمپین فعالین بلوچ» هویت دست‌کم ۹۷ نفر از کشته‌شدگان را از روز جمعه ۸ مهرماه تا ۱۷ مهرماه ۱۴۰۱ مستند کرده که در بین آنها کودکان و نوجوانان نیز دیده می‌شوند.

دکتر اشکان پویان پزشک متخصص اعصاب و ستون فقرات در زاهدان، ۱۴ مهرماه با انتشار تصویری در صفحه اینستاگرامی خود تایید کرده که از پشت سر به معترضان شلیک شده است. او نوشته: «معتراض بلوچ توسط نیروهای نظامی از پشت سر مورد هدف قرار گرفتند و بیشتر گلوله‌ها مربوط به این ناحیه‌ها است.»

دکتر پویان همچنین از مورد هدف قرار دادن کودکان بلوچ توسط نیروهای نظامی نیز انتقاد کرده و گفته است: «به بچه سیزده ساله گلوله زدید، شرم نکردید؟! شما حروم لقمه‌ترین سفاک‌های تاریخین.» طبق گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی این پزشک متخصص مفقود شده و تا کنون اطلاعی از وضعیت و سلامت او در دست نیست.

● «روز کودک» در جمهوری اسلامی در حالی پشت سر گذاشته شد که اکنون ایران یکی از سیاه‌ترین روزهای خود را در حفظ و حراست از حقوق کودکان می‌گذراند و جان کودکان و نوجوانان در تهدید دائمی رژیم ایران قرار گرفته است. در چهارمین هفته از اعتراضات سراسری در ایران، با وجود مخاطره‌آمیز بودن اطلاع‌رسانی، گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری حاکی از کشتار کودکان توسط مأموران امنیتی با استفاده از ابزارآلات جنگی است.

● سارینا اسماعیل زاده ۱۶ ساله اهل کرج، نیکا شاکرمی ۱۷ ساله زاده خرم آباد، امیرحسین بساطی ۱۵ ساله اهل کرمانشاه، نیما شفق دوست ۱۶ ساله از ارومیه، سیدس کشانی ۱۴ ساله، اقبال شهناوی ۱۶ ساله، سامر هاشم زهی ۱۶ ساله هر ۳ از زاهدان و... تنها بخشی از ده‌ها کودک سراسر ایران هستند که به دست نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به فجیع‌ترین شکل ممکن کشته شدند.

● «سازمان حقوق بشر ایران»، در گزارشی که ۱۶ مهر منتشر کرده می‌گوید از بین ۱۸۵ کشته بجا مانده از اعتراضات، ۱۹ تن کودکان زیر ۱۸ سال بوده‌اند. به استناد همین گزارش، بیشترین کشتار در استان‌های سیستان و بلوچستان روی داده، بطوری که نیمی از جانباختگان مربوط به این استان هستند و در بین کشته‌شدگان یک کودک دو ساله نیز گزارش شده است.

«روز کودک» در جمهوری اسلامی در حالی پشت سر گذاشته شد که طی سرکوب اعتراضات سراسری در ایران، دست‌کم ۱۹ کودک و نوجوان توسط مأموران امنیتی و یگان ویژه کشته شده‌اند و شمار نامعلومی نیز در بازداشت بسر می‌برند.

شانزدهم مهرماه در تقویم جمهوری اسلامی از سال ۱۳۷۲ «روز کودک» نامگذاری شده تا با وجود همه محدودیت‌ها و نبود قوانین حمایت‌گرانه از حقوق کودکان و نوجوانان، دست‌کم یک روز به صورت نمادین، روز این گروه از جامعه به عنوان «آینده کشور» باشد.

امسال روز کودک در شرایطی پشت سر گذاشته شد که ایران یکی از سیاه‌ترین روزهای خود را در حفظ و حراست از حقوق کودکان می‌گذراند و جان کودکان و نوجوانان در تهدید مستقیم رژیم ایران قرار گرفته است. در چهارمین هفته از اعتراضات سراسری در ایران، با وجود مخاطره‌آمیز بودن اطلاع‌رسانی، گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری حاکی از کشتار کودکان توسط مأموران امنیتی با استفاده از ابزارآلات جنگی دارد.

این در حالیست که کودکان و نوجوانان جسور نسل‌های امروز در نقشی استثنائی ظاهر شده و اعتراضات در ایران برای آزادی و حقوق مردم روی آنها متمرکز شده است. کمتر نسلی از کودکان زیر ۱۸ سال در ایران وجود داشته که تنها در چند روز شاهد بازداشت، تهدید و قتل هم سن و سالان خود بوده باشد آنهم به خاطر حقوقی که به عنوان حقوق اولیه و طبیعی به رسمیت شناخته شده است.

سارینا اسماعیل زاده ۱۶ ساله اهل کرج، نیکا شاکرمی ۱۷ ساله زاده خرم آباد، امیرحسین بساطی ۱۵ ساله اهل

ذره بین افکار عمومی روی سلبریتی‌ها؛ ریزش مجری‌های صداوسیما و حکومت و سخنان جدید شروین



دنیا را از عوامل فیلم «آکتور» (تولید فیلیمو) بود، او از صحنه این سریال به قهوه‌خانه رفت و عکسی بدون حجاب اجباری گرفت که سایر عوامل فیلم از جمله نوید محمدزاده، نیما جاویدی (کارگردان) بی‌اعتنا به سرنوشت دنیا، کار را تعطیل نکردند

کرمانشاه، در منزل خود در تهران بازداشت شده است. شروین حاجی‌پور که به دلیل انتشار و باز نشر میلیونی ترانه «برای...» توسط حکومت جمهوری اسلامی بازداشت شده بود، پس از آزادی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «... حالم خوبه اما متاسفم، از اینکه یکسری جریان‌های خاص ساکن خارج ایران که هیچ نسبتی باهاشون نداشتم، بعد انتشار این قطعه ازش یکسری استفاده‌های سیاسی

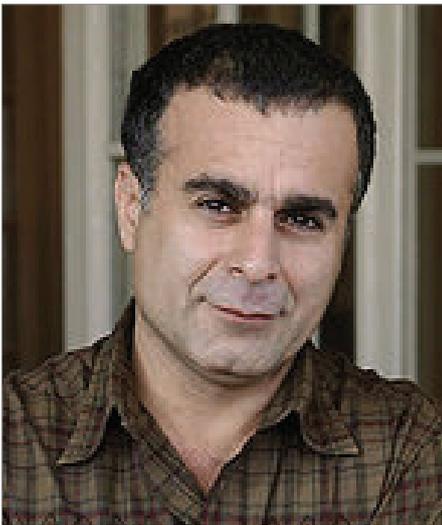
اسلامی امروز یکشنبه ۱۷ مهرماه با اشاره به واکنش هنرمندان و چهره‌های شناخته شده به اعتراضات مردم در این روزها از راه‌اندازی «پویشی» برای پاسخگو کردن این گروه از جامعه خبر داد و در سخنانی عجیب و پیشنهادی عجیب‌تر نوشت: «در این اغتشاشات بطور آشکار شاهد سلبریتی‌های سینمایی، ورزشی و غیره بودیم که با پول نظام مشهور شدند ولی علیه نظام موضع گرفتند و امنیت ملی را به مخاطره

● شروین حاجی‌پور خواننده جوان امروز در ویدئویی تأکید کرد که به هیچ جریان، سازمان یا گروهی تعلق ندارد و ترانه «برای...» را برای ابزار همداری با مردم و کسانی که به وضعیت کشور نقد دارند، ساخته است. او از مردم خواست که نگرش‌شان مانند یک خانواده باشد و از مسئولین نیز خواست که رویکردشان مانند یک والد به فرزندش باشد!

● فرمان‌آرا با انتشار ویدئویی دیدارش با ضرغامی را با هدف کسب مجوز برای فیلمبرداری اثر جدیدش در بناهای تاریخی و میراث فرهنگی اعلام داشت و توضیح داد که در کنار مردم بوده و خواهد بود.

● خبرگزاری «فارس» زیرمجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امروز یکشنبه ۱۷ مهرماه با اشاره به واکنش هنرمندان و چهره‌های شناخته شده به اعتراضات مردم در این روزها از راه‌اندازی «پویشی» برای پاسخگو کردن این گروه از جامعه خبر داد و در سخنانی عجیب و پیشنهادی عجیب‌تر نوشت: «در این اغتشاشات بطور آشکار شاهد سلبریتی‌های سینمایی، ورزشی و غیره بودیم که با پول نظام مشهور شدند ولی علیه نظام موضع گرفتند و امنیت ملی را به مخاطره انداختند. از این پس در قرارداد تمام این افراد بندی افزوده شود که در صورت اظهارات یا اقدامی علیه نظام، جزء یا کل مبلغ قرارداد را بتوان به عنوان جریمه دریافت کرد.»

رفتار هنرمندان و چهره‌های سرشناسی که همیشه بهترین سوژه برای کاربران فضای مجازی بودند، این روزها در خلال اعتراضات سراسری مردم ایران، بیش از پیش زیر ذره‌بین



بهمن قبادی



مونا برزویی



شروین حاجی‌پور

نادرست کردند...» او در این پست تأکید کرد: «برای سرزمینم، پرچم، مردم می‌موم، می‌خونم و دوست ندارم بازیچه‌ی افرادی شوم که به فکر من و شما و این کشور نیستند.» بسیاری از کاربران محتوای نوشتار او را ناشی از فشار و ارباب‌های حکومتی دانسته و گفته‌اند این متن دیکته شده بوده است. این خواننده جوان امروز نیز در ویدئویی

انداختند. از این پس در قرارداد تمام این افراد بندی افزوده شود که در صورت اظهارات یا اقدامی علیه نظام، جزء یا کل مبلغ قرارداد را بتوان به عنوان جریمه دریافت کرد.» سامان یاسین خواننده‌ای که در روزهای اخیر از اعتراضات مردمی حمایت خود را اعلام کرده نیز توسط مأموران امنیتی بازداشت شده و تا کنون خبری از وضعیت و مکان نگهداری او در دست نیست. یاسین ترانه‌سرا و خواننده پاپ اهل

افکار عمومی قرار گرفته است. آزادی به قید وثیقه شروین حاجی‌پور خواننده و مونا برزویی ترانه‌سرا از جمله اخبار داغ چهره‌ها محسوب می‌شود که هر دو با انتشار پستی معنادار این ذهنیت را ایجاد کردند که واکنش‌هایشان پس از آزادی، تحت فشار نیروهای امنیتی بوده است. خبرگزاری «فارس» زیرمجموعه سپاه پاسداران انقلاب

رساند و مورد تأیید پیدا و پنهان بسیاری از مقامات حکومت قرار گرفت بطوری که گویا جمهوری اسلامی با این قاتل زنجیره‌ای زنان همذات‌پنداری می‌کند!

خواهر دنیا راد منشی صحنه سینما که در جریان اعتراضات سراسری یک روز پس از آنکه عکسی بی‌حجاب را از خود در حال خوردن صبحانه در یک قهوه‌خانه منتشر کرده بود، دستگیر شد، از تماس محافل امنیتی با خانواده و اعلام صدور قرار وثیقه برای آزادی او خبر داده و نوشته که شبیه قرار است برای پیگیری به دادسرا مراجعه کند. او چند ساعت پیش از آن اطلاع‌رسانی کرده بود که خواهرش را از اوین به زندان قرچک منتقل کرده‌اند.

هنوز خبری از آزادی احتمالی راد انتشار پیدا نکرده است. با وجود اینکه پیام اینستاگرامی نوید محمدزاده در مورد دیدار با دنیا راد در روز شبیه این احتمال را تقویت می‌کرد. همچنین خبری در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافته مبنی بر اینکه تهیه‌کننده و کارگردان سریال «آکتور» که دنیا راد منشی صحنه آن بوده، عوامل را برای ادامه پروژه تحت فشار قرار داده‌اند و اجازه اعتصاب یا اعتراض به آنان نمی‌دهند. مهتاب کرامتی نیز به عنوان سفیر یونیسف در ایران به دلیل سکوت نسبت به آنچه بر مردم ایران و به ویژه کودکان بازداشت شده، که ظاهراً عرصه فعالیت اجتماعی اوست، می‌گذرد، به حدی تحت فشار افکار عمومی قرار گرفت که بالاخره ناچار به انتشار یک پست اینستاگرامی شد اما پس از چند ساعت همان پست را پاک کرد و پست دیگری در دو جمله منتشر کرد!

وی در پست اول نوشته بود: «اینجانب مهتاب کرامتی، سفیر حسن نیت یونیسف همراه و همدل با مردم کشورم هستم و هرگونه خشونت علیه مردم خصوصاً زنان و کودکان را محکوم می‌کنم. من هم در جریان گزارش‌های دلخراش مربوط به زخمی شدن و بازداشت کودکان زیر ۱۸ سال برای مقابله با معترضان هستم. تمامی این موارد را با مقام‌های صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) مطرح کرده‌ام»



مهتاب کرامتی

و در این زمینه پیگیرم. اگر این روزها مطلبی در صفحه اجتماعی‌ام مبنی بر انجام اینگونه پیگیری‌ها نمی‌گذارم دلیل بر انفعال و بی‌توجهی نیست. به امید روزهای پر از صلح و آرامش و عاری از خشونت.»

ساعاتی بعد او مطلب دیگری را جایگزین کرد و تنها نوشت: «جای کودکان و نوجوانان در مدرسه و کار آنها بازی است. با تغییر زمین بازی کودکان، خشونت درو می‌کنیم.»

نسبت به اعتراض مردم بی‌اعتنا بوده و به فیلمبرداری «چشم‌هایش» همچنان ادامه داده است. شماری از فعالان در سینما نیز به طعنه نوشته‌اند، تا جایی که می‌دانیم، هماهنگی با وزارتخانه‌ها و نهادها برای کسب مجوز مسئولیت دستیار تولید است و نه کارگردانی چون بهمن فرمان‌آرا!

بهمن قبادی دیگر فیلمساز ایرانی که سال‌هاست خارج از ایران زندگی می‌کند، با انتشار دو عکس فتوشاپ شده از علی خامنه‌ای در مراسم مشترک دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، سعید ملک‌ان گریمر و تهیه‌کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان گریمر خامنه‌ای معرفی کرد!

بهمن قبادی در یک استوری دو عکس را کنار هم قرار داد و نوشت: «خمیدگی او را ببینید! سعید ملک‌ان سال‌هاست گریمر اوست. ساختن بدل برای او کار آسانی است.»

مجتبی پوربخش مجری صداوسیما حکومت نیز اگرچه به اندازه چهره‌های یادشده شناخته شده نیست اما در روزهای گذشته به دلیل حمایت از اعتراضات مردمی و باز نشر واکنش‌های علی کریمی فوتبالیست در صفحه اینستاگرام خود، مورد توجه قرار گرفته است.

پوربخش که به عنوان تهیه‌کننده و مجری در برنامه «فوتبال یک» حضور داشت، با انتشار پست «تن آدمی شریف است به جان آدمیت» بطور ضمنی اخراج خود را از سازمان صداوسیما حکومت اعلام کرد. خبری که روز گذشته مشخص شد صحت دارد و اکنون برنامه او با اجرای شخص دیگری روی آنتن خواهد رفت.

بارید بابایی، مجید غضنفری و پیمان شیخی دیگر مجریان صداوسیما جمهوری اسلامی نیز با پیام‌هایی در اینستاگرام برای حمایت از مردم معترض با این نهاد منفور حکومتی که مردم آن را «سیمای میلی» می‌خوانند، قطع همکاری کرده‌اند.

علی عباسی کارگردان فیلم «عنکبوت مقدس» بر فرش



علی عباسی در لباس «آخوند خون‌آشام»

قرمز نمایش فیلم‌اش در جشنواره فیلم هامبورگ با پوشیدن لباس آخوندی و نمایش دندان‌های خون‌چکان دراکولا حاضر شد. این اقدام درحالی صورت گرفته که «عنکبوت مقدس» از سوی حکومت به کتاب «آیات شیطانی» تشبیه شده و مقامات حکومتی آن را توهین به امام هشتم شیعیان خوانده‌اند. فیلمی که از روی جنایات واقعی سعید حنایی ساخته شده که در مشهد چندین زن روسپی را به قتل

تأکید کرد که به هیچ جریان، سازمان یا گروهی تعلق ندارد و ترانه «برای...» را برای ابزار همداری با مردم و کسانی که به وضعیت کشور نقد دارند، ساخته است. او از مردم خواست که نگرش‌شان مانند یک خانواده باشد و از مسئولین نیز خواست که رویکردشان مانند یک والد به فرزندش باشد! کاربران شبکه‌های اجتماعی ویدئوی پخش شده را مورد بحث قرار داده‌اند و باتوجه به اینکه دو نفر پشت سر این خواننده دیده می‌شوند، موضوع دیکته و اجبار بودن این سخنان را مطرح می‌کنند.

مونا برزویی شاعر و ترانه‌سرا که ۱۴ مهرماه با قرار وثیقه آزاد شد، در اینستاگرام در متنی مشابه و دستوری، آزادی‌اش را ناشی از «رأفت اسلامی» حکومت خواند و از مردم قدردانی کرد، مردمی که «چادر از سر خواهر خود نمی‌کشند و ایران را یکپارچه و عزتمند می‌خواهند.»

در این یادداشت همچنین آمده است: «تنم ضعیف است و امکان پاسخگویی ندارم. دستتان را می‌فشارم. نگران من نباشید.»

دیدار بهمن فرمان‌آرا فیلمساز پیشکسوت با عزت‌الله زرغامی در وزارتخانه میراث فرهنگی نیز به شدت با انتقاد اهالی سینما و افکار عمومی روبرو شده است. فرمان‌آرا که تا پیش از این درباره اعتراضات سراسری در ایران ساکت مانده بود، با انتشار پست وزیر میراث فرهنگی مبنی بر دیدارشان به شدت آماج نقدها و اعتراضات کاربران قرار گرفته است.

زرغامی در توییت نوشت: «امروز با بهمن فرمان‌آرا ملاقات داشتم، در ۸۱ سالگی هنوز فیلمسازی می‌کند، روحیه گرفتم. شهید لبافی‌نژاد، برادر همسر اوست، نمی‌دانستم! آدم مستقلی است، می‌گوید از هرچه که شبیه رانت داشته، دوری کرده است. با هم اختلاف دیدگاه داریم ولی بر اساس منافع ملی اشتراکات زیادی یافتیم.» گفتنی است مرتضی لبافی نژاد که زرغامی به عنوان یک مقام جمهوری اسلامی از وی به عنوان «شهید» نام می‌برد از تروریست‌های عضو



بهمن فرمان‌آرا

سازمان مجاهدین خلق بود. در واکنش به توییت زرغامی اما فرمان‌آرا با انتشار ویدئویی دیدارش با وی را با هدف کسب مجوز جهت فیلمبرداری اثر جدیدش در بناهای تاریخی و میراث فرهنگی اعلام داشت و توضیح داد که در کنار مردم بوده و خواهد بود. با وجود این توضیح ولی بسیاری بر این عقیده‌اند فرمان‌آرا



«کمیته رصد تورم» در ادامه‌ی سیاست‌های شکست‌خورده اقتصادی جمهوری اسلامی

بدو تشکیل دولت سیزدهم، مهار تورم را به عنوان مهمترین هدف خود قرار داده و سپس طی اقداماتی با عنوان «جراحی اقتصادی» مدعی ترمیم مشکلات زیربنایی تورم‌زا شد. حاصل این ادعاها تا اکنون نه تنها به مهار تورم منجر نشده بلکه تورم همچنان بر مدار صعود است.

در این میان دولت به تازگی ادعا کرده که «کمیته رصد تورم» تشکیل خواهد داد اما به نظر نمی‌رسد این اقدام هم بتواند گره‌ای از مشکلات تورمی ایران باز کند اما از همین ابتدا مشخص است این طرح هم شکست خواهد خورد.

تصمیم تشکیل «کمیته رصد تورم» در ستاد هماهنگی اقتصادی دولت گرفته شده که بر اساس آن کمیته رصد تورم قرار است رشد تورم را کنترل کرده و «سیاست‌های مقتضی برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها مخصوصاً در بخش کالاهای مصرفی خانوار» را به ستاد هماهنگی اقتصادی پیشنهاد کند. این در حالیست که در ساختار معیوب جمهوری اسلامی نهاد یا سازمان مرجع برای کنترل و سیاست‌گذاری در مدیریت تورم مشخص نیست!

در تمام کشورهای جهان، بانک مرکزی مسئول این کار است و سیاست‌های پولی مناسب را در شرایط مختلف برای کنترل آن پیاده می‌کند. در جمهوری اسلامی اما نه تنها بانک مرکزی مستقل نیست بلکه به تازگی نیز مجلس شورای اسلامی در طرحی عجیب با اصلاح قانون بانکداری و تغییراتی که در آن ایجاد کرده، همان اختیارات محدود و مستقلاً که بانک مرکزی داشته را هم از آن گرفته است.

بانک مرکزی در ساختار جمهوری اسلامی در عمل در خدمت دولت و نه اقتصاد کشور است. دولت‌های مختلف بارها از عدم استقلال این بانک برای جبران کسری بودجه استفاده کردند که یکی از مهمترین دلایل افزایش تورم است. این روند در دولت ابراهیم رئیسی هم تکرار شده است. برای نمونه افزایش نرخ بهره بین بانکی در اوایل تابستان سال جاری یکی از اقدامات مهم برای کاهش نرخ تورم بود اما ناگهان با برخی اعتراضات از سوی دولت، بانک مرکزی به سرعت سیاست خود را تغییر داد و با تزریق پول در این بازار، هدف کاهش تورم را رها کرد.

از طرف دیگر هر چند دولت رئیسی مدعی است که استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول را قطع کرده، اما به نظر می‌رسد دولت برای تأمین منابع خود به سراغ بانک‌ها رفته و در واقع مسیر مستقیم استقراض از بانک مرکزی را دور زده است. به عقیده کارشناسان دولت باید سیاست‌های انقباضی پولی برای کنترل تورم را در دستور کار قرار دهد، تغییرات قانون بانکداری را متوقف کرده و اختیارات لازم را به این نهاد بدهد تا در راستای مهار تورم قدم بردارد.

و مجلس، روند رشد قیمت مواد غذایی همچنان ادامه خواهد یافت. هم اکنون کنترل نرخ تورم به وقوع نپیوسته است، آن چه در بازار تا حدی اتفاق افتاده توقف کسش قیمتی و ناتوانی مردم از خرید بیشتر است.»

از سوی دیگر تورم در بخش اجاره‌بهای مسکن که یکی از مهمترین هزینه‌های خانوارهای مستأجر را شامل می‌شود نیز افزایشی بوده است. میانگین اجاره‌بها در قراردادهای اجاره شهریور امسال ۴۱ درصد نسبت به ماه مشابه پارسل افزایش یافته است. با این حال، هم «میزان رشد» و هم «مبالغ اجاره» در بازار اجاره مسکن تهران بسیار بالاتر از «استطاعت مستاجر» است؛ به طوری که نیمی از مخارج ماهانه خانوارها را به خود اختصاص می‌دهد.

روزنامه ایران در گزارشی آماری اعلام کرده طی سالهای گذشته، تورم و گرانی سبب تغییراتی در شیوه هزینه‌کرد خانوار در ایران شده بطوریکه سهم هزینه مواد خوراکی و اجاره‌بهای مسکن افزایش و در مقابل سهم اقلامی مانند سرگرمی و تفریح به شدت کاهش یافته است.

در این گزارش آمده که در حالی که در اغلب سال‌های دهه ۱۳۹۰، متوسط درآمد سالانه خانوارها بیش از هزینه‌های آنها بوده است، اما شرایط کلی اقتصادی و بخصوص تورم، ترکیب سبد هزینه‌ای خانوارها را تغییر داده است. به طور معمول، همواره حدود دو سوم هزینه خانوارهای شهری صرف کالاهای غیرخوراکی می‌شد و یک سوم مابقی برای خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها هزینه می‌شد اما در حال حاضر این روند تغییر کرده و اغلب درآمد خانوار برای خوراک و اجاره هزینه می‌شود. مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز درباره اصلی‌ترین ابزار کاهش تورم در کشور توضیح داده که «نقدینگی نقش بسیار فعال در تحولات اقتصادی همه کشورها از جمله ایران دارد و همواره دولت و اقتصاددانان آن را عامل تورم فعلی اقتصاد کشور می‌دانند و آن را به عنوان یک بحث بسیار جدی مطرح می‌کنند اما معتقدم در حال حاضر نقدینگی دلیل عمده و اساسی تورم فعلی کشور نیست بلکه دلایل دیگری نیز وجود دارد.»

مرتضی افقه توضیح داده که «ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور عملاً نقدینگی‌زا و تورم‌زا هستند. بنابراین به دلیل این ساختارها نمی‌توان نقدینگی را کنترل کرد. در حال حاضر تولید در کشور سودآور نیست اما بخش دلالی اقتصاد سودآور و زودبازده است و همچنین تابع نظارت دولتی نیست. بنابراین حتی اگر نقدینگی کاهش یابد اقتصاد کشور به سمت فعالیت‌های مولد و تولید ملی نمی‌رود بلکه به سمت فعالیت‌های غیرمولد و دلالی می‌رود.»

تیم اقتصادی دولت رئیسی در حال سال گذشته و در

● قیمت غذا در مرداد ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۶، بیش از ۷ برابر افزایش یافته، آنهم در شرایطی که حقوق و دستمزدها بین ۳ تا ۵/۵ برابر بالا رفته است.

● کارشناسان هشدار می‌دهند که شوک‌های قیمت ارز همراه با سرکوب دستمزدها منجر به خالی شدن سفره مردم از مواد غذایی لازم شده است.

● در ساختار معیوب جمهوری اسلامی نهاد یا سازمان مرجع برای کنترل و سیاست‌گذاری در مدیریت تورم مشخص نیست! افزایش قیمت مواد خوراکی در سومین فصل سال نیز همچنان ادامه دارد و آمارهای تورمی نیز نشان می‌دهد وعده تیم اقتصادی دولت سیزدهم برای کاهش تورم در نیمه دوم سال شکست خورده است.

بر اساس آمارهای دولتی، قیمت غذا در مرداد ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۶، بیش از ۷ برابر افزایش یافته، آنهم در شرایطی که حقوق و دستمزدها بین ۳ تا ۵/۵ برابر بالا رفته است. نتیجه شوک‌های قیمت ارز و در سوی دیگر حذف ارز ترجیحی همراه با سرکوب دستمزدها منجر به خالی شدن سفره مردم از مواد غذایی لازم شده است.

بر اساس آمارهای دولتی، قیمت «روغن‌های خوراکی» در مرداد ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۰، بیش از ۵۰ برابر افزایش یافته است. قیمت «لبنیات و تخم مرغ» در مرداد ۱۴۰۱ نسبت به ماه مشابه در سال پیش از آن ۱۱۲ درصد صعود کرد. نرخ تورم سالانه «لبنیات و تخم مرغ» در ماه‌های خرداد تا مرداد ۱۴۰۱ سه رقمی بود.

در شهریورماه نیز تورم در اقتصاد ایران افزایشی بوده و مواد غذایی از جمله کالاهایی با بیشترین تورم بودند. آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه در شهریورماه در مرز ۵۰ درصد قرار داشته که این رقم نشان می‌دهد خانوار ایرانی در شهریورماه امسال برای تهیه یک سبد مشخص از کالا و خدمات نسبت به شهریور سال گذشته نزدیک به یک و نیم برابر بیشتر هزینه کرده است. تورم نقطه به نقطه اقلام خوراکی در شهریور ماه برای یازده استان کشور بالاتر از ۸۰ درصد بوده است، استان لرستان با تورم نزدیک به ۹۰ درصد در صدر این استان‌ها قرار دارد.

کارشناسان هشدار می‌دهند که شوک‌های قیمت ارز همراه با سرکوب دستمزدها منجر به خالی شدن سفره مردم از مواد غذایی لازم شده است.

احسان سلطانی اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی درباره افزایش قیمت غذا در ایران نوشته که «در تاریخ ایران حتی در زمان قحطی‌های بزرگ و وقوع جنگ و حتی اشتغال کشور، چهار سال مستمر نرخ تورم بالای مواد غذایی بی‌سابقه است. در چارچوب اقتصاد سیاسی ایران و رویکرد و اقدامات دولت



بازنش

می شود جلوی فحش دادن مردم را گرفت! هر قدر هم «بادب» باشیم، دشنام جزو فرهنگ ماست!

داده بود ولی می توانست بیشتر آنچه به او گفته میشد را بفهمد. سرانجام از اینکه می توانست ارتباط برقرار کند، عصبانی شد و دشنام داد: برو به جهنم!

بخشی از پایه و اساس زبان

این واقعیت که کسی که دیگر نمی تواند کلماتی مانند سب یا خانه را بگوید ولی می تواند عبارت پیچیده ای مثل «برو به جهنم» را بر زبان بیاورد، نشان می دهد که ناسزا گفتن در سطحی کاملاً خودکار از تولید گفتار روزمره اتفاق می افتد. این اتفاق در بخش متفاوتی از مغز رخ می دهد و بنابراین نمی تواند به راحتی جای خودش را به کلمات مودبانه بدهد.

در عین حال، ناسزا گفتن نقش مهمی در حفظ و نگاهبانی از بهداشت روان و سلامت بازی می کند زیرا ارتباط مستقیمی با احساسات، حالات و درونیات ما دارد. از این جالب تر، افرادی که به یک زبان خارجی بجز زبان مادری خود تسلط پیدا می کنند، بعدها به راحتی معادل واژه هایی را به کار می برند که در زبان مادری شان تابو بوده است!

این نشان می دهد که ما در جریان یادگیری زبان، کلمات ناسزا را زودتر و به صورت اکتسابی می آموزیم چرا که اساساً آنها ما را به عمیق ترین احساسات درونی متصل می کنند. کودکان اغلب خوشحال می شوند از اینکه می توانند به سادگی جملاتی با واژه های «بد» بسازند، با وجود اینکه هیچ تصویری ندارند از اینکه کلماتی که می گویند به چه معناست و چرا نامناسب است ولی این تأثیرات در ذهن ما ماندگار است.

تاریخ زبانشناسی به ما می گوید که همیشه چنین بوده است. چیزهایی که ما به آنها بد و بیراه می گوئیم طی قرن ها از تاهای مذهبی و سنتی تغییر شکل داده و در عین حال از کشور و فرهنگی به کشور و فرهنگ دیگر متفاوت هستند. به زبان هلندی اگر بخواهید کسی را توهین یا نفرین کنید باید بگویید که به یک بیماری هولناک مبتلا شود؛ در زبان چینی اما کافیسست بگویید که خیلی قمیز در می کند!

ما هر قدر که ادب را رعایت کنیم، این واقعیت را نمی توان انکار کرد که دشنام و فحاشی به اندازه خود زبان قدمت دارد. هر جا که یک زبان باستانی وجود داشته، دشنام هم بوده است. در واقع فحش دادن یکی از اساسی ترین کارکردهای زبان است. بنابراین هنگامی که پلیس خواست شما را به خاطر فحش دادن یا توهین جریمه کند، بگویید که به دلایل پزشکی فحش می دهید! هیچکس نمی تواند برای چیزی مبارزه کند که هزاران سال پیش و با وجود آمدن زبان از بین رفته است. و البته این را حتماً به خاطر داشته باشید که از هیچیک از دشنام های چهارحرفی استفاده نکنید!

۴ این مطلب نخستین بار ۳ شهریور ۱۳۹۸ / ۲۵ اوت ۲۰۱۹ در وبسایت کیهان لندن منتشر شد.

نه، منظور این نیست! لطفاً این کار را نکنید، نه در خانه، نه در خیابان و نه در محل کار و همچنین شبکه های اجتماعی! مشکل بر سر این است که تلاش برای وضع قانون در برابر هر نوع رفتار کلامی از ابتدا محکوم به شکست است. اگر یک پدیده زبانی به اندازه کافی گسترش پیدا کرده و مورد توجه قرار گرفته باشد که افراد لزوم متوقف کردن آن را احساس کنند، یعنی به حدی رسیده که هرگز از بین نمی رود. به ویژه اگر این پدیده چیز نه چندان زبانی مثل بد و بیراهه گفتن باشد! چرا فحش گاهی مفید است؟

برخی از دلایل مبنی بر اینکه فحش دادن به دردبخور است، کاملاً مشهور است. استفاده از فحش مثل برجسته کردن یک عبارت با ماژیک در یک متن است: توجه را به خود جلب می کند و نشان می دهد که شما نه تنها در مورد چیزی کاملاً جدی هستید، بلکه از نظر عاطفی نیز برای شما مهم است.

وقتی از کلماتی استفاده می کنید که برای افرادی که با آنها صحبت می کنید، غیرمنتظره هستند، باعث می شود آنها بنشینند و گوش بدهند، و این اغلب می تواند پیام شما را بطور مؤثرتر از آنچه قبلاً با کلمات معمولی بیان می کردید، به مقصد برساند. تأثیر قابل توجه فحش، با این واقعیت تقویت می شود که فحش در فرهنگ های مختلف، اغلب از کلمات کوتاهی تشکیل شده (آنها معمولاً بیشتر از چهار حرف نیستند). پس نه فقط از نظر محتوا، بلکه از نظر آوایی هم مفهوم مورد نظر شما را برجسته می کند.

بد و بیراهه گفتن همچنین می تواند به عنوان یک سوپاپ اطمینان برای شما عمل کند و فشارهای روحی و روانی را کاهش بدهد. تحقیقات نشان داده است افرادی که تحت فشار یک درد خفیف قرار دارند، با قرار دادن دست خود در یک ظرف آب گرم، قادر به تحمل طولانی تر درد هستند و نتیجه گیری شده که هنگام بیان کلمات داغ، بیشتر از گفتن کلمات خنثی می توان فشار روانی و درد آن را تحمل کرد.

اینها و بسیاری از مطالعات دیگر در مورد دشنام گفتن، جنبه های مفید آن را نشان می دهد. اما فحش دادن در سطحی کاملاً متفاوت نیز جذاب است. آسیب مغزی حاصل از تصادف یا زخمی شدن، بیماری های عصبی یا سکنه مغزی با ضرر به زدن به قدرت تکلم، اغلب قدرت فرد را در بیان کلمات شکل و مودبانه کاهش می دهد. یزای به گفتن نیست که از دست دادن این عملکرد زبانی برای افرادی که به این سوانح دچار شده اند، بسیار ناامیدکننده است. آنها ممکن است نتوانند حتی ساده ترین جملات را بسازند یا کلمات بنیادین را بازیابی کنند، اما این مشکل بیانی روی توانایی های فکری آنها کاملاً بی تأثیر است. یکی از قدیمی ترین مطالعات در این مورد، توسط پل پروکا در سال ۱۸۶۱ انجام شد که بر روی پرونده بیماری مبتلا به صرع تحقیق می کرد که تقریباً قدرت تکلم خود را از دست

● اگر یک پدیده زبانی به اندازه کافی گسترش پیدا کرده و مورد توجه قرار گرفته باشد که افراد لزوم متوقف کردن آن را احساس کنند، یعنی به حدی رسیده که هرگز از بین نمی رود. به ویژه اگر این پدیده چیز نه چندان زبانی مثل بد و بیراهه گفتن باشد!

● وقتی از کلماتی استفاده می کنید که برای افرادی که با آنها صحبت می کنید، غیرمنتظره هستند، باعث می شود آنها بنشینند و گوش بدهند، و این اغلب می تواند پیام شما را بطور مؤثرتر از آنچه قبلاً با کلمات معمولی بیان می کردید، به مقصد برساند. تأثیر قابل توجه فحش، با این واقعیت تقویت می شود که فحش در فرهنگ های مختلف، اغلب از کلمات کوتاهی تشکیل شده (آنها معمولاً بیشتر از چهار حرف نیستند). پس نه فقط از نظر محتوا، بلکه از نظر آوایی هم مفهوم مورد نظر شما را برجسته می کند.

● ما هر قدر که ادب را رعایت کنیم، این واقعیت را نمی توان انکار کرد که دشنام و فحاشی به اندازه خود زبان قدمت دارد. هر جا که یک زبان باستانی وجود داشته، دشنام هم بوده است. در واقع فحش دادن یکی از اساسی ترین کارکردهای زبان است. شعارهای این روز مردم، از دانشجو و تحصیلکرده تا مردم به اصطلاح «عادی» سبب شد تا این بررسی کوتاه را که سه سال پیش در کیهان لندن منتشر شد، دوباره انتشار دهیم.

تلاش برای ممنوع کردن فحاشی تلف کردن وقت است. هر جا زبان وجود دارد، بد و بیراهه و «فرهنگ کوچک» نیز وجود دارد و در ادبیات نیز به شکل «هزل» و «هجو» نیز به زندگی ادامه می دهد.

تصور عمومی رایج این است که مردم خیلی بیشتر از گذشته در حال فحش دادن و بد و بیراهه گفتن هستند و این یک پدیده ی تازه است. ظهور آشکار فحاشی و بدزبانی به راحتی به دوران ما نسبت داده می شود که گویا تحت تأثیر ارتباطات و شبکه های اجتماعی رو به ازدیاد گذشته است. نگهبانان وحشت زده رفتارهای مودبانه استدلال می کنند: این بدزبانی ها باید متوقف شود! آنها راه متوقف کردن فحاشی را تکمیل تحریم، جریمه، اخراج یا در خانواده و با فرزندان، بدون شام به رختخواب رفتن می دانند.

اما در عوض، کسانی که با استفاده از فحاشی احساس آرامش می کنند، بی وقفه به مطالعاتی اشاره دارند که نشان می دهد افرادی که بد و بیراهه می گویند، نه تنها صادق تر، سالم تر و سازش پذیرتر هستند، بلکه بسیار باهوش تر و دارای دایره لغات بسیار بیشتری نسبت به کسانی هستند که فحش نمی دهند!

خب، ممکن است شما بگویید، پس شروع کنیم به فحش دادن! چون فکر می کنید فشار خون را پایین می آورد، ضریب هوشی شما را افزایش می دهد و شما را خوش بیان تر هم می کند!

محدود ساختن اینترنت به هدف سانسور اعتراضات دست نیافت و فقط فشار اضافی بر کسب و کارها آورد!



در سال ۱۳۹۸ به این اینستاگرام ایرانی پیوست و برایش متنی نوشت و ابراز امیدواری کرد که جهانی شود. با اینهمه پلیس فتا در سال ۱۴۰۰ اعلام کرده بود که شکایاتی از همزندان و چهره‌های شناخته شده و شهروندان عادی دریافت کرده که این اپلیکیشن از اطلاعات شخصی کاربران

ممنوعیت بیشتر اینترنت جهانی هستند. از جمله محسن مهدیان مدیرعامل موسسه «همشهری» از مسئولان خواسته اینترنت را به گونه‌ای ببندند که مردم با فیلترشکن هم نتوانند باز کنند و به شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها دسترسی داشته باشند!

این مقامات اما پاسخگوی ضرر و زبانی که کسب و کارهای مختلف از قطع اینترنت و فیلتر شدن شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها متحمل می‌شوند نیستند. به بیان دیگر همانطور که بیش از چهار دهه مردم و سرنوشت آنها برای مجموعه افرادی که بدنه‌ی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دادند اهمیت نداشته، اکنون نیز کاهش و قطع درآمد میلیون‌ها خانوار برای نظام اهمیتی ندارد.

پیشتر نت بلاکس اعلام کرده بود که قطع اینترنت در ایران ساعتی یک و نیم میلیون دلار معادل ۴۵ میلیارد تومان بر اقتصاد زیان وارد می‌کند. یعنی روزانه بیش از ۱۰۸۰ میلیارد تومان به اقتصاد ضربه می‌زند.

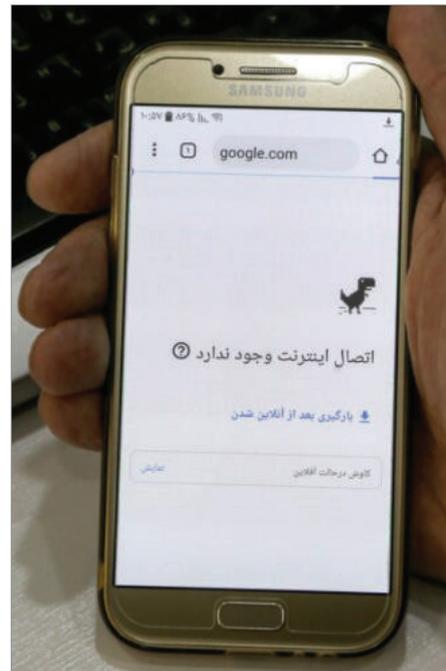
حال سازمان نظام صنفی رایانه‌ای تهران طی مطالعه‌ای به نتایج مشابهی دست پیدا کرده است. بر اساس این پژوهش که در هفته‌های اخیر انجام شده، نشان می‌دهد، در طول ۵ روز منتهی به دهم مهر ماه سال جاری، ۱۰۴ شرکت زیرمجموعه این سازمان با چالش‌های متعددی مواجه شدند. بطوری که ۴۷ درصد از کسب و کارهای زیرمجموعه آن، بیش از ۵۰ درصد از درآمد خود را از دست داده‌اند.

سازمان نظام صنفی رایانه‌ای تهران بر پایه این آمارها برآورد کرده که اگر اختلالات اینترنت همچنان ادامه پیدا کند، ۷۳ درصد از کسب و کارهایی که کمتر از ۵۰ نفر نیروی کار دارند، روزانه ۵۰ میلیون تومان زیان ببینند.

بخشی از زیان‌های وارد شده به کسب و کارهای روستایی است که عمدتاً زنان در آن مشغول فعالیت هستند. آنها محصولات غذایی و صنایع دستی تولیدی خود را از طریق صفحات و گروه‌هایی در اینستاگرام و واتس‌آپ معرفی و به فروش می‌رسانند. با فیلتر شدن اینستاگرام و واتس‌آپ این زنان سه هفته است نتوانسته‌اند سفارش خرید دریافت کنند!

به گفته مرکز توسعه کسب و کار «تکرانا» امروز بیش از ۹ میلیون نفر از اینستاگرام درآمد دارند، که اگر آمار

در سال ۱۳۹۸ به این اینستاگرام ایرانی پیوست و برایش متنی نوشت و ابراز امیدواری کرد که جهانی شود. با اینهمه پلیس فتا در سال ۱۴۰۰ اعلام کرده بود که شکایاتی از همزندان و چهره‌های شناخته شده و شهروندان عادی دریافت کرده که این اپلیکیشن از اطلاعات شخصی کاربران



«استفاده غیرمجاز و بدون اجازه» کرده است. جدا از چنین حاشیه‌هایی، همانطور که غلامرضا نوری قزلبچه گفته است اپلیکیشن‌های داخلی نظیر «روبوکا» از نظر فنی و ظرفیت‌ها نیز قادر به پاسخگویی به نیاز کاربران نیستند. سه هفته بعد از اختلال در اینترنت و فیلتر اپلیکیشن‌ها، جمهوری اسلامی نتوانسته جایگزین‌هایی دست‌کم برای کسب و کارها معرفی کند. این در حالیست که همچنان مقامات و حتی اهالی رسانه که به جمهوری اسلامی و رانت و پولپاشی آن وابسته هستند خواهان محدودیت و

● نماینده اصلاح طلب مجلس شورای اسلامی در ارتباط با قطع اینترنت و فیلتر شدن دو اپلیکیشن پرکاربرد واتس‌آپ و اینستاگرام گفت: «قطعی اینترنت و فیلترینگ برای شرایط امروز جامعه و با ناآرامی‌های اخیر قابل توجیه است!»

● محسن مهدیان مدیرعامل موسسه «همشهری» از مسئولان خواسته اینترنت را به گونه‌ای ببندند که مردم با فیلترشکن هم نتوانند باز کنند و به شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها دسترسی داشته باشند!

● رئیس کمیسیون کسب و کارهای دانش‌بنیان اتاق بازرگانی در انتقاد از قطع اینترنت و تحمیل زیان به کسب و کارها گفته: هر کس در اکوسیستم فناوری کشور کار می‌کند یا عاشق مملکت است یا مشکل روانی دارد!

با گذشت سه هفته از اختلال شدید در اینترنت کشور و فیلتر شدن اینستاگرام و تلگرام، زیان کسب و کارهای اینترنتی رو به افزایش است. پلتفرم‌های معرفی شده داخلی از سوی حکومت نه تنها مورد اعتماد کاربران نیست بلکه حتی کارآمد و حرفه‌ای هم نیست. معترضان همچنان راه‌های مختلفی برای ارسال اخبار و تصاویر و ویدئوهای اعتراضات پیدا می‌کنند با اینهمه همچنان عده‌ای سوار بر کشتی نظام خواهان محدود ساختن حق دسترسی شهروندان به اینترنت هستند.

غلامرضا نوری قزلبچه فعال اصلاح طلب و عضو فراکسیون به اصطلاح مستقلین مجلس شورای اسلامی امروز دوشنبه ۱۸ مهرماه ۱۴۰۱ در ارتباط با قطع اینترنت و فیلتر شدن دو اپلیکیشن پرکاربرد واتس‌آپ و اینستاگرام در سخنانی عجیب گفت: «قطعی اینترنت و فیلترینگ برای شرایط امروز جامعه و با ناآرامی‌های اخیر قابل توجیه است!» ولی در عین حال با اشاره به زیان کسب و کارهای آنلاین به دلیل قطع اینترنت گفته که «هم کسب و کارها و هم خیلی از فعالیت‌های روزمره مردم در فضای اینترنت و پلتفرم‌ها انجام می‌شود؛ پس باید هرچه سریع‌تر اینترنت به حالت عادی برگردد به خصوص اینکه اقتصاد خانوارهای اقشار پایین دست جامعه در فضای اینترنت شکل گرفته است. آنها در این بستر تولیدات و محصولات کارگاهی خود را عرضه کرده و به فروش می‌رسانند.» وی امیدواری کرد «با آرام شدن شرایط، وضعیت اینترنت به حالت عادی برگشته و قطعی اینترنت و اپلیکیشن‌ها برداشته شود.»

او همچنین به ناتوانی اپلیکیشن‌های داخلی برای جایگزینی با اپلیکیشن‌های خارجی خبر داده و گفته که «هنوز اپلیکیشن‌های داخلی ظرفیت جایگزینی با اپلیکیشن‌های خارجی را ندارند؛ باید اپلیکیشن‌های داخلی را تقویت کرد منتها حتما پلتفرم‌های بین‌المللی هم فعال باشند چون کسب و کارها از ظرفیت آنها استفاده می‌کنند.» یکی از اپلیکیشن‌های داخلی که این روزها از سوی مقامات حکومت به عنوان جایگزین برای اینستاگرام مطرح شده «روبوکا» است؛ روبیکا پروژه‌ای مشارکتی است که از زمان دولت حسن روحانی با تلاش‌های محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات دولت تدبیرآمید قرار بود فعال شود تا جمهوری اسلامی راحت‌تر مردم را در دیوارهای بلند سانسور زندانی کند.

محمد جواد آذری جهرمی به عنوان وزیر ارتباطات وقت

هک شبکه خبر صداوسیما جمهوری اسلامی و پخش شعار «زن، زندگی، آزادی»



دیگر شهرهای ایران نیز اعتراضات که از اولین ساعات روز شنبه ۱۶ مهر آغاز شد، تا پاسی از شب ادامه داشت. کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، کمیته مشورتی اتحادیه‌های کارگری و فدراسیون‌های اتحادیه کارگری جهانی خشونت دستگاه‌های جمهوری اسلامی علیه معترضان را محکوم کردند.

شاران بارو، دبیر کل کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری ضمن ادای احترام به مردم ایران که مقابل سرکوب حکومتی ایستاده‌اند، اعلام کرد: «ما به آنها درود می‌فرستیم و در کنار آنها می‌ایستیم.»

در این بیانیه اعلام شده است، مقاومت از سوی زنان و دخترانی هدایت می‌شود که می‌خواهند به زنتیزی و نقض حقوق اولیه که جوهره رهبران سیاسی و مذهبی جمهوری اسلامی است، پایان دهند.

این کنفدراسیون خواهان آزادی تمامی فعالان کارگری زندانی در ایران شده و گفته: «کارگران از همه بخش‌ها در خط مقدم مبارزه برای حقوق در ایران بوده‌اند. کشوری که یکی از بدترین سوابق حقوق کارگران جهان را داراست.»

فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران: با نزدیک به ۲۰۰ کشته در ایران تحقیقات بین‌المللی ضروری است

از سوی دیگر، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، خواستار تحقیقات بین‌المللی در مورد مرگ مهسا ژینا امینی شده‌اند. پیش از این نیز گروهی از فعالان حقوق بشر و وزارت خارجه چندین کشور اروپایی این خواسته را مطرح کرده بودند.

فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر ضمن اعلام اینکه ۱۹۳ تن از جمله ۱۸ کودک در اعتراضات سراسری در ایران کشته شده‌اند، جمهوری اسلامی را متهم به استفاده از نیروی مرگ بار علیه معترضان در سراسر کشور دانسته است.

گفتنی است حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز ۷۵۲ در توییتی نوشته است: «این یک انقلاب است و دنیای غرب باید به آن تن بدهد.» او در هفته‌های گذشته با مقامات عالی‌رتبه کانادایی دیدار داشته و خواستار اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران شده بود.

● تصویر خامنه‌ای در حال سوختن و چهره دختران کشته شده با شعار «به ما پیوندید و پیا خیزید» بر صفحه تلویزیون به نمایش درآمد.

● اعتراضات و تجمعات «شنبه همبستگی» در شهرهای ایران شب نیز ادامه یافت.

شنبه شب ۱۶ مهرماه ۱۴۰۱، بخش خبری ساعت ۲۱ صداوسیما جمهوری اسلامی لحظات از سوی گروه هکری به نام «عدالت علی» هک شد.

در این چند ثانیه تصویر سیدعلی خامنه‌ای رهبر رژیم ولایت فقیه با عبارت «خون جوانان ما می‌چکد از چنگ تو» در کنار تصاویری از کشته‌شدگان اعتراضات مردم ایران به نمایش درآمد.

گروه «عدالت علی» در ارتباط با هک صداوسیما رژیم همراه با نمایش تصاویر کشته‌شدگان همچنین نوشت «پیاخیزید و در خیابان‌ها به ما پیوندید. تا نابودی نظام فاسد به عملیات خود ادامه می‌دهیم.»

در این میان، به گزارش خبرگزاری مهر، در نشست محسن منصوری استاندار تهران با فرمانده انتظامی غرب استان تهران آخرین وضعیت امنیتی و شرایط کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

استاندار تهران در این جلسه بطور خاص به غرب استان اشاره کرده و گفته است: «غرب استان تهران با جمعیت حدود ۴ میلیون نفر و ترکیبی از اقوام و استان‌های مختلف کشور، بافت خاصی دارد.»

منصوری با اعلام اینکه برخی از نیروهای پلیس در طول اعتراضات سراسری مردمی چند روز به منزل نرفته‌اند، گفته است: «زیرساخت‌های موجود در مجموعه دستگاه‌های امنیتی جوابگو نیست و کمبودهایی وجود دارد.»

این در حالیست که اعتراضات سراسری شنبه ۱۶ مهرماه که از پیش برای آن فراخوان داده شده بود، با تاریک شدن هوا نیز در بسیاری از شهرها از جمله شهرهای سمنجان، بوکان، جوانرود، کامیاران و مهاباد همچنان ادامه یافت.

بنا بر اعلام شبکه حقوق بشر کردستان، در جریان تظاهرات سراسری در این روز در مناطق کردنشین دست کم دو نفر کشته و ۵۷ نفر مجروح شده‌اند. در برخی از

کسب و کارهای عمدتاً روستایی و اتسای را هم به این آمار اضافه کنیم حدود ۱۱ میلیون نفر روی همین دو رسانه مجازی امرار معاش می‌کنند که برای زنان روستایی، تنها محل درآمد به معنای واقعی «امرار معاش» است. قابل توجه آنکه بستن اینستاگرام و واتساپ جلوی پیام‌رسانی و انتشار اخبار مربوط به خیزش سراسری مردم و ارسال عکس و فیلم و... را نگرفته و نخواهد گرفت ولی حتما باعث فقر و از دست دادن تنها محل درآمد میلیون‌ها نفر از جمله زن روستایی می‌شود.

قطع اینترنت چنان موج ویرانگری از ضرر و زیان در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران ایجاد کرده که اتاق بازرگانی نشستی برای بررسی اثرات محدودیت اینترنت برگزار کرده است. در این نشست نیما قاضی رئیس انجمن تجارت الکترونیک با اشاره به هزینه ۲۵۰۰ میلیارد تومانی برای رویکا گفت: «با وجود این هزینه‌ها، رویکا دستاوردی صفر دارد. ما شنیده‌ایم قرار است همین رقم دوباره برایش خرج شود، رقمی که از کل سرمایه گذاری استارت‌آپی ایران بیشتر است.»

نیما قاضی افزوده که این ارقام در جای اشتباهی سرمایه‌گذاری می‌شود و «نکته این است که شبکه اجتماعی فقط از جنس سرور و پلتفرم و نرم‌افزار نیست. از جنس اعتماد هم هست. یعنی سوخت اصلی آن اعتماد است.»

رئیس انجمن تجارت الکترونیک همچنین گفته که «تصمیمات الان از جنس امنیتی است نه اقتصادی» و تأکید کرده که «این تصمیمات حتی به امنیت هم در دراز مدت آسیب خواهد زد.»

در این نشست همچنین حسین سلاح‌ورزی نائب‌رئیس اتاق ایران با اشاره به خسارت‌های میلیاردی قطع اینترنت در سه هفته گذشته گفت که «در شرایطی که تحریم، نوسانات نرخ ارز، تورم اقتصادی شرایط کار را سخت کرده حال قطع اینترنت هم به مشکلات از قبیل کاهش سرمایه‌گذاری و ناامیدی در جوانان کشور اضافه کرده و امیدوارم سیاست‌گذاران متوجه تبعات این محدودسازی باشند.»

افشین کلاهی رئیس کمیسیون کسب‌وکارهای دانش بنیان اتاق بازرگانی نیز در سخنانی تند و انتقادی به اقدامات جمهوری اسلامی در زمینه اینترنت گفته که «هر کس در اکوسیستم فناوری کشور کار می‌کند یا عاشق مملکت است یا مشکل روانی دارد!»

به گفته او «فیلترینگ جواب نداده» و «فقط باعث افزایش بدفرازاها» شده است. او همچنین با زیر سوال بردن صحبت وزیر ارتباطات مبنی بر اینکه همه پلتفرم‌ها به جز اینستاگرام و واتساپ به درستی کار می‌کنند گفت: «این صحبت در حالی مطرح می‌شود که اپ‌استورها فیلتر هستند و مشکلات دیگر وجود دارد.»

رئیس کمیسیون کسب‌وکارهای دانش‌بنیان اتاق بازرگانی تأکید کرده که وظیفه حکومت تأمین نیازهای اولیه زندگی است: «دسترس به اینترنت آزاد جز حقوق اولیه هر آدم است و یک مسئله زیرساختی است» و «این اقدامات باعث می‌شود که کسی در این حوزه سرمایه‌گذاری نکند و نتوان درباره اقتصاد دانش‌بنیان صحبت کرد.»

ابعاد زیان‌های قطع اینترنت گسترده‌تر از کسب و کارهای آنلاین است. محمود لیاثی معاون وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت پست با اشاره به اختلال اینترنت در دو هفته گذشته و فیلتر پلتفرم‌های اینستاگرام و واتساپ گفته که «درآمد شرکت پست یک سوم کاهش یافته است و این موضوع نشان می‌دهد یک سوم مرسوله‌های پستی و معاملات از طریق اینترنت بین‌الملل و پلتفرم‌های خارجی انجام می‌گرفته است.»

بیستم مهرماه؛ تداوم تظاهرات مردمی، اعتصاب بازاریان و دانشجویان و کارکنان صنعت نفت



نخستین روز اعتصاب کارکنان صنعت نفت در عسلویه صنعت نفت عسلویه

شورای سازماندهی اعتراضات کارگری پیمانی نفت همچنین بار دیگر با مردم معترض در خیابان اعلام همبستگی کرده و نوشته که «بار دیگر همبستگی خود را با اعتراضات مردم در کف خیابانها علیه قتل مهسا و مهساها و علیه سرکوب اعتراضات برحق مردمی اعلام می‌کنیم. در همین راستا ما بر آزادی فوری بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر و تمامی زندانیان سیاسی، بر جمع شدن نیروی سرکوب از خیابانها و بر محاکمه قاتلان مهسا و همه کسانی که در این مدت به دست نیروهای سرکوب به قتل رسیده‌اند تأکید می‌کنیم.»

اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز با انتشار بیانیه‌ای، ضمن حمایت از اعتصاب کارگران پروژه‌های شاغل در صنعت نفت، از کارگران خواست، با «گسترش اعتصابات سراسری» به پیروزی اعتراضات کمک کنند.

در این بیانیه آمده است: «ما پیشتر اعلام کرده بودیم که خیزش سراسری جاری برای خلاصی کل جامعه از وضعیت جهمی موجود شکل گرفته است و بر همین مبنا مبارزه ما کارگران هم هست و باید برای پیروزی این جنبش، آن را از سطح خیابانها به محل‌های کار خود گسترش دهیم.»

در بخشی دیگر از این بیانیه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، اعلام کرده که «کارگران پروژه‌های شاغل در صنعت نفت پرچمدار این عمل شدند و به اعتصاب سراسری دانشجویان و معلمان پیوستند.»

این اتحادیه کارگری در پایان نوشته است «طبقه‌ی کارگر ایران تعیین‌کننده‌ترین نیرو برای به پیروزی رساندن خیزش اعتراضی جاری است و با گسترش اعتصابات به مراکز بزرگ و کلیدی در بخش‌های مختلف صنعتی، این امر را به سرانجام خواهد رساند.»

اعتصاب در صنعت نفت از روز دوشنبه ۱۸ مهرماه آغاز شد. کارکنان پروژه‌ای در فاز دوم پالایشگاه آبادان، پتروپالایش کنگان، پتروشیمی هنگام، پتروشیمی دماوند و پتروشیمی بوشهر دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. یک روز بعد نیز کارگران پروژه‌های شاغل در پتروشیمی آبادان دست به اعتصاب زده و در مقابل گیت ۱۴ این مجموعه جمع کردند.

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه نیز با صدور اطلاعیه‌ای از اعتصاب کارگران نفت و پتروشیمی حمایت و با اعتراضات مردمی اعلام همبستگی کرده است.

مدارس و بازار و صنعت برای امروز چهارشنبه ۲۰ مهرماه منتشر شده بود.

این در حالیست که اختلال در اینترنت از صبح چهارشنبه ارسال تصاویر و ویدئوهای تجمعات دانشجویی و تظاهرات مردمی را با کندی روبرو کرده است. نت بلاکس، نهاد غیردولتی ناظر بر ترافیک اینترنت در جهان، از اختلال گسترده در ترافیک اینترنت ایران از صبح چهارشنبه ۲۰ مهرماه خبر داده است. بر اساس این گزارش، اینترنت موبایل در ایران به شبکه داخلی متصل و ارتباط کاربران با شبکه جهانی قطع شده است.

همزمان اعتصاب در صنعت نفت امروز چهارشنبه ۲۰ مهرماه ۱۴۰۱ برای سومین روز پیاپی ادامه یافته است و کارگران در بیش از ۱۰ پروژه نفتی دست به اعتصاب زدند. صبح امروز شماری از کارگران صنعت نفت اتوبان مسیر کنگان عسلویه را با ریختن سنگ مسدود کردند تا نیروهای سرکوبگر نتوانند به سایت‌هایی که کارگران در آنها اعتصاب کرده‌اند برسند.

روز دوشنبه ۱۸ مهرماه دست‌کم ۱۱ کارگر اعتصابی در عسلویه بازداشت شدند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در بیانیه‌ای اسامی اعتصاب‌کنندگان بازداشت شده را اعلام و تهدید کرده که «ساکت نمی‌نشینیم.» بر اساس این بیانیه مهدی جهانبخشی، علی محمودی، هادی مولایی، نورعلی بهادری، فرید کوراوند، کامبیز مهمدی، شاهین نجفی، احمد پور، فرشید مرادی، علی شاپوری و امید کوراوند کارگرانی هستند که بازداشت شده‌اند.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تأکید کرده که «سرکوب و دستگیری همکارانمان در عسلویه را به شدت محکوم می‌کنیم و خطاب به نیروهای حراست و سرکوب قاطعانه اعلام می‌داریم که این دستگیری‌ها بهای سنگینی برای شما خواهد داشت.»

در این بیانیه آمده «اولتیماتوم می‌دهیم که اگر عزیزان بازداشتی ما فوراً آزاد نشوند و نیروهای سرکوب از خیابانها و محیط‌های کار ما بیرون نروند در اشکال گسترده‌تری دست به اعتراض خواهیم زد. شک نداشته باشید که ما کارگرن پروژه‌های نفت که زندگی و معیشت‌مان در مناطق پادگانی نفت و در زیر چنگ پیمانکاران بی‌رحم و چپاولگر سال‌هاست که به یغما رفته است، با این سرکوبگری ساکت نخواهیم شد.»

● بازاریان از صبح چهارشنبه در شهرهای مختلفی در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و خراسان رضوی مغازه‌های خود را بسته نگه داشته‌اند.

● تجمعات و تظاهرات مردمی در چند شهر ایران از جمله بهارستان، اصفهان، تهران، مشهد، گرگان آغاز شده است.

● مهدی جهانبخشی، علی محمودی، هادی مولایی، نورعلی بهادری، فرید کوراوند، کامبیز مهمدی، شاهین نجفی، احمد پور، فرشید مرادی، علی شاپوری و امید کوراوند کارگران بازداشت شده صنعت نفت هستند.

● نت بلاکس نهاد غیردولتی ناظر بر ترافیک اینترنت در جهان، از اختلال گسترده در ترافیک اینترنت ایران از صبح چهارشنبه ۲۰ مهرماه خبر داده است.

خیزش ملی مردم ایران با تظاهرات و اعتصاب دانشجویان و بازاریان در چند شهر و همچنین کارکنان پیمانی صنعت نفت در چند واحد پتروشیمی و پالایشگاه امروز چهارشنبه ۲۰ مهرماه نیز ادامه یافته است. چند تشکل کارگری با اعتصاب کارگران صنعت نفت اعلام همبستگی کرده و گسترش اعتصابات را سرعت بخشیدن به پیروزی خیزش مردمی علیه حکومت اسلامی ارزیابی کرده‌اند.

امروز در میانه‌ی چهارمین هفته‌ی خیزش ملی مردم برای آزادی و علیه جمهوری اسلامی، بازاریان نیز در چند شهر ایران اعتصاب کردند. ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد بازاریان از صبح چهارشنبه در شهرهای مختلفی در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و خراسان رضوی مغازه‌های خود را بسته نگه داشته‌اند. شهرهای سنج، کرمانشاه، سرپل ذهاب، مهاباد، سقز، مشهد، میروان و دهگلان از جمله شهرهایی هستند که بازاریان در آنها دست به اعتصاب زده‌اند.

دانشجویان نیز همچنان کلاس درس را تحریم کرده و اعتصاب خود را با تجمع و تظاهرات در محوطه دانشگاه پیش می‌برند. ویدئوهایی از تجمع اعتراضی دانشجویان در دانشگاه‌های «رجایی» تهران، «پتروشیمی» اصفهان، «پردیس مرکزی» دانشگاه تهران منتشر شده است.

تظاهرات مردمی در چند شهر ایران از جمله بهارستان، اصفهان، تهران، مشهد، گرگان نیز آغاز شده و ویدئوهایی از تجمعات مردم منتشر شده است. پیش از این فراخوانی برای برگزاری تظاهرات در خیابان و اعتصاب در دانشگاه‌ها،

فاجعه‌ی کودکان سرکوب‌شده! ۲۸ گشته و تأیید بازداشت دانش‌آموزان و ارجاع آنان به «مراکز روانشناسی»!



دختران دانش‌آموز ایران / مهرماه ۱۴۰۱

یکشنبه ۱۷ مهر از کشته شدن ۲۸ کودک در اعتراضات سراسری خبر داده است. کمپین فعالان بلوچ نیز فهرستی از اسامی ۱۱ کودک کشته شده در سرکوب مردم زاهدان انتشار داده که یک کودک دو ساله نیز در بین کشته‌شدگان بوده و بزرگترین آنها ۱۶ ساله هستند.

طبق اعلام کمپین فعالان بلوچ، این کودکان با تیراندازی نظامیان و لباس شخصی‌ها کشته شده‌اند.

انجمن حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در بیانیه‌ای درباره معترضان در اعتراضات جاری ایران با اشاره به اینکه «گروه‌های سنی دهه ۸۰ و گاهی دهه ۹۰» در میان معترضان حضور دارند، از «ناشکبایی حاکمیت و به‌ویژه نیروهای انتظامی و نظامی» و بی‌توجهی آنها به شرایط خاص کودکی که منجر به «اعمال خشونت علیه این گروه سنی» شده، انتقاد کرده است.

انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران هفته گذشته طی بیانیه‌ای از به کار گرفتن کودکان در سرکوب اعتراضات نیز انتقاد کرده و با اشاره به دستگیری و کشته شدن کودکان در اعتراضات تأکید کرد: «رهبران و مسئولان کشور کمترین توجه را به حق بقا و رشد همه جانبه کودکان دارند و به جای حمایت از حق بقای کودکان، زمینه را برای تشدید خشونت تا گرفتن حق زندگی کودکان فراهم کرده‌اند.»

موج گسترده نگرانی از امنیت کودکان و نوجوانان که در هر حال جزو آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی در ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی به شمار می‌روند، حالا در جریان اعتراضات سراسری واکنش صندوق کمک به کودکان سازمان ملل، یونیسف، را نیز به دنبال داشته است. یونیسف با انتشار بیانیه‌ای نسبت به کشته و زخمی شدن کودکان و نوجوانان در اعتراضات ایران ابراز نگرانی کرده و با اشاره به خشونت اعمال‌شده در خیابان‌ها به این گروه از جامعه، آن را در سلامت روانی این کودکان اثرگذار خوانده است.

یونیسف همچنین خواستار این شده است که از کودکان در برابر هر گونه خشونت و آسیب، از جمله در جریان درگیری‌ها و رویدادهای سیاسی حفاظت شود. این نهاد بین‌المللی همچنین خشونت علیه کودکان توسط هر کسی و در هر زمینه‌ای را «غیرقابل دفاع» دانسته است.

مدارس گفته، مدیر یکی از مدارس سندرچ، فیلم‌های مدار بسته را به حراست استان تحویل داده است. این امر در حالیست که خون بیش از ۲۵ دانش‌آموز از چنگ نیروهای نظامی و امنیتی می‌چکد.

اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان و اکنون اعزام آنان به مراکز به اصطلاح اصلاح و تربیت، در کنار فشارهایی است که از سوی نهاد مدرسه و برخی معلمان و کادر آموزشی به کودکان و نوجوانان وارد می‌شود. این امر نگرانی‌های جدی نسبت به امنیت جانی و روانی این کودکان پدید آورده است.

ضمن اینکه گزارش‌های تأییدنشده‌ای نیز در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد که حاکی از فراتر رفتن از مرزهای تهدید و تذکر به کودکان و نوجوانان و در مواردی معرفی آنان به نیروهای پلیس است. کیهان لندن امکان راست‌آزمایی گزارش‌های انتشاریافته را ندارد ولی پیشینه رفتارهای ضدحقوق بشری و همچنین نقض قوانین بین‌المللی در حوزه کودکان و نوجوانان، و سفاک بودن این نظام، احتمال چنین برخوردهایی را بالا می‌برد.

همین روایت‌ها موجب نگرانی بسیاری از خانواده‌ها شده و گفته‌اند که دیگر نسبت به امنیت فرزندان‌شان در مدارس مطمئن نیستند.

اخبار و تصاویر منتشر شده در فضای مجازی که مستقیماً توسط مردم اطلاع‌رسانی می‌شود تمامی ادعای مسئولان از امنیت نسل جدید جامعه را زیر سوال می‌برد. بر اساس آنچه این روزها در میانه اعتراضات رخ می‌دهد، نه تنها شماری از دانش‌آموزان معترض در خیابان‌ها کشته شده‌اند بلکه خانواده‌هایشان تحت شدیدترین فشارهای روانی و روحی برای اعتراف اجباری و انکار واقعیت و یا سکوت تحمیلی قرار گرفته‌اند.

در همین ارتباط یک جوان به نام آرین عبدالله‌زاده دانش‌آموز پایه دوازدهم دبیرستان «دکتر حسابی» سقز است که به گزارش هرانا روز شنبه ۱۶ مهرماه در حال بازگشت به منزل توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و تا کنون از سرنوشت و وضعیت وی اطلاعی در دسترس نیست. انجمن حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان نیز روز

یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش دولت «قاضی مرگ» در گفتگو با روزنامه «شرق» با اشاره به اینکه دانش‌آموزی زندانی نشده، اعلام کرده «مواردی هم اگر بازداشت باشند برای بحث اصلاح و تربیت است که در مرکز روانشناسی هستند و دوستان کارشناس کارشان را انجام می‌دهند تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه برگردند!» وی همچنین گفته تعداد دانش‌آموزان بازداشتی زیاد نیست ولی می‌تواند آمار دقیق بدهد.

اگر چه نوری مدعی شده تعداد دانش‌آموزان بازداشتی زیاد نیست اما بنا به گزارش شاهدان عینی از شهرهای مختلف و همچنین شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، تخمین زده می‌شود نوجوانان و کودکان بازداشتی در سراسر کشور تعداد قابل توجهی باشند.

در حالی که وزیر آموزش و پرورش دولت سیزدهم صراحتاً اعلام کرده که برخی دانش‌آموزان بازداشتی «برای اصلاح و تربیت به مراکز روانشناسی ارجاع داده شده‌اند»، یکروز قبل از آن رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی مدعی شد که اصلاً دانش‌آموز بازداشتی نداریم!

علیرضا منادی رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی هجدهم مهرماه اعلام کرده بود، «اصلاً دانش‌آموز بازداشتی نداریم. منادی چنان دیوار حاشا را بالا برده که حتی فیلمی را که نشان می‌دهد به دلیل اعتراض دانش‌آموزان نیروهای امنیتی وارد مدرسه‌ای شدند، دروغ خوانده و گفته چنین چیزی وجود ندارد!

یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش اما در گفتگو با روزنامه «شرق» با اشاره به اینکه دانش‌آموزی زندانی نشده، اعلام کرده «مواردی هم اگر بازداشت باشند برای بحث اصلاح و تربیت است که در مرکز روانشناسی هستند و دوستان کارشناس کارشان را انجام می‌دهند تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه برگردند!»

وی همچنین گفته تعداد دانش‌آموزان بازداشتی زیاد نیست ولی می‌تواند آمار دقیق بدهد.

وزیر آموزش و پرورش دولت «قاضی مرگ» در پاسخ به اینکه پس در جریان اعتراضات خیابانی دانش‌آموزان بازداشتی هم داریم، اعلام کرده که «در این شرایط و مرحله ممکن است این دانش‌آموزان به شخصیت‌های ضداجتماعی تبدیل شوند که می‌خواهیم آنها را اصلاح کنیم!»

اگر چه نوری مدعی شده تعداد دانش‌آموزان بازداشتی زیاد نیستند اما بنا به گزارش شاهدان عینی از شهرهای مختلف و همچنین شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، تخمین زده می‌شود که نوجوانان و کودکان بازداشتی در سراسر کشور تعداد قابل توجهی باشند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، به تازگی از همکاری برخی مدیران مدارس شهر سندرچ و شمار دیگری از شهرهای ایران با نیروهای امنیتی خبر داده و عنوان کرده است: «برخی از مدیران مدارس، تبدیل به بازوی نیروهای امنیتی و نظامی شده‌اند و در راستای سرکوب دانش‌آموزان و معلمان معترض با این نیرو همکاری می‌کنند.»

این شورا همچنین ضمن محکوم کردن این اقدام مدیران

فقر و بیکاری نیروی کار متخصص؛ دستفروشی در داخل و ظرفشویی در خارج کشور



حق مسکن ۶۵۰ هزار تومانی را ابلاغ نکرده است. فرامرز توفیقی فعال کارگری در اینباره توضیح داده که تا سافانه هنوز همان صد هزار تومان افزایش حق مسکن که صد درصد قانونی است، ابلاغ و اجرا نشده؛ فقط وعده داده‌اند در مهرماه ابلاغ اجرائی آن صادر می‌شود و باید مابه‌التفاوت آن از ابتدای سال به حساب کارگران واریز شود که در این باره هم ضمانتی وجود ندارد.

فعالان کارگری معتقدند با توجه به افزایش سرسام‌آور تورم دولت باید برای افزایش دستمزدهای اقشار کم‌درآمد اقدامی فوری انجام دهد اما فرامرز توفیقی می‌گوید وقتی دولت هنوز افزایش رقم حق مسکن را ابلاغ نکرده چطور می‌توان امیدوار بود که برای افزایش دستمزدها در نیمه دوم سال اراده و توجهی وجود داشته باشد. با اینهمه فرامرز توفیقی تأکید کرده که «اگر برای ترمیم مزد نباشد در نیمه دوم سال، بحران معیشت جدی‌تر خواهد شد. وقتی نمی‌توانند بازار را مدیریت کنند و هیچ‌گونه راهکاری برای در دسترس قرار دادن کالاها ندارند، باید مزد را به پایه قیمت‌های تثبیت شده برسانند، در غیر این صورت حتی مایحتاج اولیه از دایره استطاعت مزدبگیران حداقلیایی حتی بالاتر از حداقل خارج می‌شود.»

بر اساس آخرین آمارهای تورمی مرکز آمار ایران، نرخ تورم نقطه‌ای در شهریورماه ۱۴۰۱ به عدد ۷/۴۹ درصد رسیده است؛ یعنی خانوارهای کشور به‌طور میانگین ۷/۴۹ درصد بیشتر از شهریور ۱۴۰۰ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

این آمارها نشان می‌دهد گرانی ادامه دارد و تیم اقتصادی دولت رئیسی نیز برخلاف همه شعارها و وعده‌هایی که به مردم داده بود نتوانسته با گذشت بیش از یک سال برای مهار تورم در ایران اقدامی انجام دهد.

آخرین محاسبات نیز نشان می‌دهد نرخ سبد معیشت خانوارهای متوسط کارگری در شهریور ۱۴۰۱، به حدود ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده است. این در حالیست که درآمد اقشار کارگری و اغلب بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی کمتر از میلیون تومان و حدود یک سوم رقم خط فقر است. به بیان دیگر، حقوق بخش زیادی از کارگران و بازنشستگان تنها برای پوشش هزینه‌های ۱۰ روز در ماه کفاف می‌دهد.

● کارگران و استادکاران در استان‌های بزرگ و در کلانشهرها دستفروشی می‌کنند و در استان‌های مرزی، کولبری. حتی وقتی هم به خارج کشور مهاجرت می‌کنند معمولاً به کارهای نامرتب مشغول می‌شوند.
● دولت حتی پس از شش ماه، هنوز حق مسکن ۶۵۰ هزار تومانی را ابلاغ نکرده است.
● نرخ سبد معیشت خانوارهای متوسط کارگری در شهریور ۱۴۰۱، به حدود ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده است.

فقر و بیکاری سبب شده استادکاران و کارگران متخصص در حوزه صنعت به مشاغل غیرتخصصی روی بیاورند. در این میان کارگران و استادکاران فعال در ساختمان‌سازی از مشکلات مضاعفی مانند نداشتن بیمه هم در عذاب هستند. میکائیل صدیقی مشاور کانون عالی کارگران ساختمانی کشور با بیان اینکه امسال وضعیت ساخت‌وساز به دلیل شرایط اقتصادی کشور خوب نبوده و سازندگان جرأت سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه ندارند گفته که این رویه موج گسترده بیکاری در میان کارگران و استادکاران ایجاد کرده است.

به گفته میکائیل صدیقی ۵۰ درصد استادکاران ساختمان بیکارند و کارگران و استادکاران ساختمانی بیکار شده به اجبار رو به مشاغل دیگر آورده‌اند، مشاغلی که در زمهری مشاغل کاذب جای می‌گیرند.

او گفته کارگران و استادکاران در استان‌های بزرگ و در کلانشهرها دستفروشی می‌کنند و در استان‌های مرزی، کولبری. حتی وقتی هم به خارج کشور مهاجرت می‌کنند معمولاً به کارهای نامرتب مشغول می‌شوند؛ استادکار داریم که در کردستان عراق ظرفشویی می‌کند یا در رستوران گارسون است، این شرایط غمبار در شأن کارگران و استادکاران حرفه‌ای ایرانی نیست و مسئولان باید پاسخگویی این وضعیت باشند.

مشاور کانون عالی کارگران ساختمانی کشور افزوده که «هیچ زمان شرایط زندگی کارگران جزو اولویت‌های تصمیم‌سازان نبوده است؛ امروز در استان کردستان ۵۰ درصد کارگران و استادکاران ساختمانی بیکارند؛ در میان باقی نیز نیمه بیکار و موقتی کار زیاد داریم؛ کارگری که سر میدان می‌ایستد در ماه نهایت ۱۰ یا ۱۵ روز کار دارد یا استادکاری که روزمزد کار می‌کند، شاید فقط یک سوم ماه را شاغل باشد. آمار هوا که رو به سردی برود، بدتر می‌شود؛ در فصول سرد سال شاید ۲۰ درصد کارگران هم سر کار نباشند.» یکی از مشکلات مضاعف کارگران و استادکاران ساختمانی، عدم برخورداری از بیمه است. قانون بیمه کارگران ساختمانی بیش از سه سال در انتظار تصویب مجلس شورای اسلامی است.

میکائیل صدیقی گفته که بیش از ۵۰۰ هزار کارگر ساختمانی در صف بیمه هستند؛ این آمار یعنی ۵۰۰ هزار خانواده در کشور فقط منتظر یک اصلاحیه هستند که فقط اصلاحیه هست و نیازی به تأیید شورای نگهبان هم ندارد؛ فقط نمایندگان مجلس تصویب کنند، کار تمام است. برای دیگر کارگران نیز وضعیت درآمدی و بیمه‌ای چندان مطلوب نیست و دولت حتی پس از شش ماه، هنوز ابلاغ

انتشار ویدئو

«اعتراف‌گیری» از دو

شهروند فرانسوی؛

امام جمعه تهران:

مأموران امنیتی فرانسه در مرز

ایران آموزش براندازی دیده‌اند!

● نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی اینترنت را قطع کرده‌اند و مردم امکان ارسال ویدیوها و تصاویر مربوط به اعتراضات را ندارند. با چنین ترفند «مجازی» مقامات حکومت مدعی‌اند اعتراضات در واقعیت پایان یافته است! حال آنکه در داخل و خارج تظاهرات و تجمعات علیه نظام جمهوری اسلامی که مردم ایران آن را نمی‌خواهند، با عزمی راسخ‌تر از همیشه ادامه دارد. اگر اعتراضات پایان یافته بود، حکومت اینترنت را قطع نمی‌کرد تا همه ببینند که اعتراضات پایان یافته است!

● آنوقت رسانه‌های حکومتی ویدیویی منتشر کرده‌اند که در آن یک زن خارجی روسی بر سر جلوی دوربین نشسته وادار شده تا بگوید «سیسیل کولر» مأمور امنیتی فرانسه است. او در یک پلان دیگر می‌گوید «برای تأمین هزینه‌های اعتراضات و اعتصابات پول صرف شده است.»

● کاظم صدیقی امام جمعه موقت تهران درباره بازداشت اتباع خارجی در جریان اعتراضات ایران در خطبه‌های نماز گفت: «در جریان دستگیری عوامل جنایتکار در مراحل مختلف، عوامل فرانسوی دستگیر شدند و در بازجویی از آنها به دست آمد که اینها در مناطق مرزی ایران آموزش دیده‌اند تا براندازی کنند.»

● حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نیز پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران در دروغی عجیب ادعا کرده «کسانی در اغتشاشات به قصد کشته‌سازی در حوادث حضور یافتند و این راهبر دشمن است!»

در ایران منابع حکومتی پنجشنبه ۱۴ مهرماه با انتشار ویدیویی مدعی شدند که مربوط به «اعتزافات دو جاسوس دستگیر شده فرانسوی» در ارتباط با اعتراضات است!

یکی از آنها که با روسری جلوی دوربین نشسته وادار شده تا بگوید «سیسیل کولر» مأمور امنیتی فرانسه است. او در یک پلان دیگر می‌گوید «برای تأمین هزینه‌های اعتراضات و اعتصابات پول صرف شده است.»

فرد دیگری که یک مرد سپیدموی است گفته «اهداف ما در سرویس امنیت خارجی فرانسه اعمال فشار به (دولت) ایران است.»

دستگاه‌های تبلیغاتی نظام مدام با تولید محتوایی غیرقابل باور و پر از ضعف‌های محتوایی به دنبال اعتراف‌گیری از مردم یا لاپوشانی جنایت‌هایی هستند که از جمله طی هفته‌های اخیر نهادهای سرکوبگر پی در پی مرتکب آنها شده‌اند.



رژیمی که متخصص بالا رفتن از دیوار سفارتخانه‌هاست حالا منتقد حمله به سفارتخانه‌هایش شده است!



سفارت جمهوری اسلامی در دانهمارک

می‌رود که بدون فوت وقت، چنین کنند.»
خبرگزاری‌های حکومتی جمعه ۱۵ مهرماه گزارش داده بودند که حسین امیرعبداللہیان «در پی ورود غیرقانونی یک مهاجم مسلح به محوطه سفارت جمهوری اسلامی ایران در دانهمارک»، در گفتگوی تلفنی با افسانه نادپور سفیر جمهوری اسلامی در دانهمارک، وضعیت این حمله را مورد بررسی قرار داد.

او گفت: «مایه تاسف است که در قلب اروپا چنین تعرضی به یک خانم و سفیر دارای مصونیت دیپلماتیک انجام می‌شود و پلیس نیز به‌موقع در محل حضور پیدا نمی‌کند.»

افسانه نادپور نیز می‌گوید، «فرد مهاجم پس از ورود به محوطه سفارت، در حالی که سلاح سرد در دست داشت ضمن تهدید، اقدام به ایجاد رعب و وحشت و وارد آوردن خسارات به خودروهای مستقر در پارکینگ سفارت کرد.»

انتقاد مقامات جمهوری اسلامی از حمله به سفارت‌های رژیم که خودش متخصص حمله به سفارتخانه‌هاست، با واکنش افکار عمومی روبرو شده است از جمله یک کاربر توئیتر می‌نویسد «اونهایی که به چندین سفارت در تهران حمله کردند حالا شاکی هستند که چرا به سفارت ما در دانهمارک حمله شده.»

رسانه‌های حکومتی ادعا می‌کنند پلیس دانهمارک فرد مهاجم را بازداشت کرده اما مشخص نیست این اقدام کار خود عوامل جمهوری اسلامی برای فضا سازی است یا نه! به ویژه آنکه سفیر رژیم در کپنهاگ یک «زن» است! پیش از این وزارت خارجه جمهوری اسلامی سفیر دانهمارک در تهران را احضار کرده بود.

طی سه هفته که از آغاز خیزش مردم ایران می‌گذارد همچنین گزارش شده که افرادی به سفارتخانه‌های رژیم در اسلو، برلین و بروکسل حمله کرده‌اند.

● منابع حکومتی ویدئویی را منتشر کرده‌اند که بر اساس آن ادعا می‌کنند فردی با چاقو به افسانه نادپور سفیر جمهوری اسلامی در کپنهاگ حمله کرده است.

● نادپور ادعا کرد، «فرد مهاجم پس از ورود به محوطه سفارت، در حالی که سلاح سرد در دست داشت ضمن تهدید، اقدام به ایجاد رعب و وحشت و وارد آوردن خسارات به خودروهای مستقر در پارکینگ سفارت کرد.»

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در حالی گفته «اخیراً تعرض‌های خشونت‌آمیز دیگری هم به مقرهای دیپلماتیک ما در اروپا صورت گرفته است و ارتباط این حملات با حمایت سیاسی غرب از اغتشاشگران غیر قابل کتمان است» که معلوم نیست حمله کپنهاگ آنهم در ارتباط با یک سفیر «زن»، کار خودشان نباشد!

● انتقاد مقامات جمهوری اسلامی از حمله به سفارت‌های رژیم با واکنش افکار عمومی روبرو شده چرا که خود رژیم متخصص بالا رفتن از دیوار سفارتخانه‌هاست!

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز شنبه ۱۶ مهرماه ادعا کرد که سفیر رژیم در کپنهاگ پایتخت دانهمارک مورد حمله قرار گرفته است. ناصر کنعانی می‌گوید، «در یک حادثه امنیتی جدی در سفارت ما در کپنهاگ، یک مهاجم تلاش کرد تا سفیر ما را که اتفاقاً یک زن هم هست، با چاقو مورد حمله قرار دهد.»

آنطور که این مقام وزارت خارجه گفته این سوء قصد ناکام مانده اما او تأکید کرده، «اخیراً تعرض‌های خشونت‌آمیز دیگری هم به مقرهای دیپلماتیک ما در اروپا صورت گرفته است و ارتباط این حملات با حمایت سیاسی غرب از اغتشاشگران غیر قابل کتمان است.»

وی به دولت‌های خارجی گفته، «نسبت به حفاظت از اماکن دیپلماتیک و دیپلمات‌ها تعهد قانونی دارند و انتظار



تظاهرات ایرانیان خارج از کشور در حمایت از خیزش مردم داخل ایران

→ کاظم صدیقی امام جمعه موقت تهران درباره بازداشت اتباع خارجی در جریان اعتراضات مردم ایران در خطبه‌های نماز جماعت امروز گفت: «در جریان دستگیری عوامل جنایتکار در مراحل مختلف، عوامل فرانسوی دستگیر شدند و در بازجویی از آنها به دست آمد که اینها در مناطق مرزی ایران آموزش دیده‌اند تا براندازی کنند، برخی از اینها در کشورهای دیگر چنین آموزش‌هایی برگزار و مربی تربیت می‌کنند تا در داخل کشور جوانان ما را با ارائه چند خبر کاذب عصبانی کنند و علیه کشور خودشان به صحنه بکشاند!»
اینکه چرا مقام‌های جمهوری اسلامی گمان کردند برای «براندازی نظام» لزوماً باید در مناطق مرزی کلاس‌های آموزش براندازی برگزار شود مشخص نیست! آنها همچنین توضیح نمی‌دهند که چرا نظام‌شان اینقدر کارآمد است که می‌توان با «چند خبر کاذب» جوانان را «عصبانی» کرد! وقتی واقعیات موجود و اقدامات جمهوری اسلامی به اندازه کافی مردم را عصبانی و عاصی کرده، چه نیازی به «چند خبر کاذب» هست!؟

حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نیز پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران در دروغ‌های تکراری و عجیب ادعا کرده «کسانی در اغتشاشات به قصد کشته‌سازی در حوادث حضور یافتند و این راهبرد دشمن است... در حوادث گذشته نیز شاهد آن بودیم، کسانی که به قتل رسیدند در محل‌های تجمع نبودند یا با سلاح‌هایی به قتل رسیدند که در اختیار نیروهای حافظ امنیت نبود، این قتل‌ها با چاقو و سلاح سرد انجام شده بود و همکاران بنده در میدان سلاح ندارند و از شکاری و گلوله‌های پلاستیکی استفاده می‌شود.»

غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی هم تبلیغات همیشگی رژیم را تکرار کرد و هشدار داد «مهمترین هدف دشمن در جنگ ترکیبی اخیر توسعه نارضایتی‌ها و ایجاد اغتشاش در مسیر طرح سوریه‌سازی ایران است.»

اینهمه در حالیتی که نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی اینترنت را قطع کرده‌اند و مردم امکان ارسال ویدیوها و تصاویر مربوط به اعتراضات را ندارند. با چنین ترفند «مجازی» مقامات حکومت مدعی‌اند اعتراضات در واقعیت پایان یافته است! حال آنکه در داخل و خارج تظاهرات و تجمعات علیه نظام جمهوری اسلامی که مردم ایران آن را نمی‌خواهند، با عزمی راسخ‌تر از همیشه ادامه دارد. اگر اعتراضات پایان یافته بود، حکومت اینترنت را قطع نمی‌کرد تا همه ببینند که اعتراضات پایان یافته است!

است که بسیاری از شهروندان در اینبار و بیماری‌های ناشی از آن ابراز نگرانی کرده‌اند.

مسئولان همدان می‌گویند، راه حل مخلوط کردن آب سد تالوار با آب‌هایی با درصد آرسنیک کمتر است. از طرفی آنان معتقدند که پس از تصفیه، آرسنیک آب به حد استاندارد می‌رسد و مردم نباید نسبت به آن نگران باشند.

در شهریور ماه خبرگزاری «دانشجو» در این خصوص گفته بود که دانشگاه علوم پزشکی همدان و وزارت نیرو در حال آزمایش میزان آرسنیک موجود در آب سد تالوار هستند. مسئولان همدان می‌گویند که اعلام نتیجه این آزمایش زمان‌بر است.

مهرداد نهندچی یکی از فعالان محیط زیست استان همدان با اشاره به اینکه حتی در موضوع کیفیت آب سد

خیال حکومت با تأمین آب مردم همدان از چشمه راحت شد! تداوم قطع آب در شهر «هزارچشمه»!

● از اواسط اردماه تا کنون شهر همدان مشهور به شهر «هزارچشمه»، به عنوان یکی از شهرهای پرجمعیت از آب آشامیدنی شهری برخوردار نیست و مردم با قطع مکرر جریان آب و ساعت‌های طولانی بی‌آبی نزدیک به ۲ ماه است که گرفتارند. گزارش شبکه‌های محلی نشان می‌دهد، مردم همچنان با دبه و از چشمه‌های اطراف در روستاها آب تأمین می‌کنند.

● «هگمتانه آنلاین» هفته گذشته درباره وضعیت جاری در شهر همدان نوشته بود، در برخی مناطق شهر همدان افت شدید فشار، قطع مکرر و طولانی آب وجود دارد و در برخی مناطق بیش از سه روز است که آب نیست و تانکرهای توزیع آب مستقر شده‌اند و صف‌های عریض و طویل شهروندان برای دریافت آب را تشکیل شده است.

● بنا بر گزارش این رسانه محلی، دو هفته است که مسئولان نیز دیگر وعده به اتصال جریان آب نمی‌دهند و سکوت کرده‌اند. مقامات مسئول حکومتی نیز طبق معمول با سفرهای پرهزینه و بی‌فایده به همدان، تنها وعده به اتصال و برقراری جریان آب تا آخر شهریور دادند که تا امروز نیز به عمل در نیامده است.

در حالی که از اواسط اردماه تا کنون مردم شهر همدان با قطع مکرر جریان آب شهری مواجه‌اند، وعده‌های مسئولان کشوری و استانی در مورد اتصال آب شهری از آخر شهریورماه هنوز عملی نشده است.

از اواسط اردماه تا کنون شهر همدان مشهور به شهر «هزارچشمه» به عنوان یکی از شهرهای پرجمعیت از آب آشامیدنی شهری برخوردار نیست و مردم با قطع مکرر جریان آب و ساعت‌های طولانی بی‌آبی نزدیک به ۲ ماه است که گرفتارند. گزارش شبکه‌های محلی نشان می‌دهد، مردم همچنان با دبه و از چشمه‌های اطراف در روستاها آب تأمین می‌کنند.

● «هگمتانه آنلاین» هفته گذشته درباره وضعیت جاری در شهر همدان نوشته بود، در برخی مناطق شهر همدان افت شدید فشار، قطع مکرر و طولانی آب وجود دارد و در برخی مناطق بیش از سه روز است که آب نیست و تانکرهای توزیع آب مستقر شده‌اند و صف‌های عریض و طویل شهروندان برای دریافت آب تشکیل شده است.

یک ویدئو از جاده منتهی به چشمه «صلوات» حاکی از تعدد اتومبیل‌ها در این جاده برای تأمین آب از چشمه است که بر اثر حجم بالای اتومبیل‌ها، تصادف نیز رخ داده است.

بنا بر گزارش این رسانه محلی، دو هفته است که مسئولان نیز دیگر وعده به اتصال جریان آب نمی‌دهند و سکوت کرده‌اند. مقامات مسئول حکومتی نیز طبق معمول با سفرهای پرهزینه و بی‌فایده به همدان، تنها وعده به اتصال و برقراری جریان آب تا آخر شهریور دادند که تا امروز نیز به عمل در نیامده است.

بیش از ۱۸ سال است که پروژه مشکوک انتقال آب از سد تالوار طول کشیده و قرار بود به دستور مقامات دولت سیزدهم روند تکمیل سرعت بگیرد. گفته می‌شود طی این دو دهه، فقط ۴۰ درصد کار پیشرفت داشته و بنا بود ۶۰ درصد باقیمانده ظرف مدتی کوتاه به سرانجام رسد.

از طرفی با وضعیت همدان در سال آبی گذشته و حجم آب موجود در سد اکباتان مشخص بود که امسال همدانی‌ها با بی‌آبی گسترده مواجه می‌شوند ولی مسئولان تا لحظات قطع کامل آب در اینبار سکوت کرده و اطلاع‌رسانی نکردند. اینطور که پیداست تصمیم نهادهای مسئول اساساً بر این است تا مردم همدان همچنان از طریق چاه‌های آب اطراف شهر و چشمه‌ها و رودخانه‌های روستاهای مجاور آب مصرفی را



تداوم قطع آب و برداشت آب از چشمه «صلوات»

تالوار که اهمیت بسیار بالایی دارد، مطالعات دقیقی انجام نشده است، بیان کرد: «در حال حاضر نمونه‌هایی از آب تالوار برداشته شده، دکتر هوشنگ قمرنیا استاد تمام گروه مهندسی آب دانشگاه کرمانشاه اعتقاد دارد که آرسنیک موجود در این آب ۱۴ برابر حد مجاز است و تأکید دارد که مجری طرح باید زیرسوال برود که چرا مطالعات و پژوهش‌ها پیش از شروع پروژه انجام نشده است.»

مهرداد نهندچی اظهار داشت: «این انتقال آب یک انتقال اضطراری بود و ما حق نداریم بیش از حد توان آنجا آب برداشت کنیم، کما اینکه ۸۰ درصد منابع آب تالوار هم کاهش پیدا کرده، در گذشته چیزی حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب بوده در حالی که اکنون ۱۲۰ میلیون مترمکعب بوده و طبق گفته استاندار سهم همدان از این آب ۳۰ میلیون مترمکعب است.»

وی افزود: «وزارت نیرو میزان آب موجود در تالوار را بین استاهای همدان، زنجان و کردستان تقسیم می‌کند اما نمی‌توانیم تمام آب موجود را مصرف کنیم؛ بخشی از آن آب حق آبه محیط زیست است و باید به سفره‌های آب زیرزمینی و طبیعت برگردد که اگر تمام ذخیره‌های آب استفاده شود مشکلاتی مانند دشت کبودراهنگ برای این منطقه به وجود خواهد آمد.»

اکنون این پرسش‌ها مطرح است که اگر آب سد تالوار آرسنیک داشته چرا ۱۸ سال وقت و بودجه صرف پروژه‌ای شده که در نهایت اگر مشکل آب را تأمین کند، سلامتی را به خطر می‌اندازد؟! از طرف دیگر اگر فقط ۴۰ درصد یعنی کمتر از نصف این پروژه در نزدیک به دو دهه پیش رفته، چه انتظاری وجود دارد که یکماهه تکمیل شود و برای آن بودجه جدیدی در نظر گرفته‌اند؟!

تأمین کنند. آنهم در وضعیتی که شهرهای امروزی با جریان آب سالم لوله‌کشی حتی دیگر تعریف نمی‌شود و استانداردهای شهری فراتر از این امکانات رفته است. ضمن اینکه مسئولان دانشگاه علوم پزشکی در چند نوبت و در رسانه‌های مختلف به مردم اعلام کرده‌اند که در هر حال آب را بجوشانند بعد مصرف کنند.

اکنون نه تنها آبی به استان نرسیده بلکه در بخش‌هایی از پروژه انتقال آب مشکلاتی به وجود آمده است. به گزارش شرکت آبفای کشور این پروژه در حال حاضر در مرحله تست تاسیسات و رفع نواقص موجود در طول لوله‌گذاری و تصفیه خانه‌هاست تا پس از تصفیه آب در تصفیه‌خانه «بهشتی» و اخذ تاییدیه کیفی، به مخازن شهر پمپاژ شده و در اختیار شهروندان شهر همدان قرار بگیرد.

احمدحسین فلاحي نماینده همدان مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «آب سد تالوار به همدان رسیده اما هنوز وارد شبکه توزیع نشده است. در این مدت دوباره ترکیب‌های لوله‌ها اتفاق افتاده که روند آبرسانی را کند کرده است. مسئله دیگر در حال حاضر کیفیت آب همدان است که در بیشتر مناطق مشکل ایجاد کرده و هنوز رفع نشده است.»

قطع دوباره جریان آب و نارضایتی عمومی چنان گسترده شده که امام جمعه همدان در خطبه نماز جمعه این هفته از مسئولان امنیتی خواسته در مورد آبرسانی به همدان تحقیق کنند که چرا این مسئله طول کشیده است.

قطع مکرر آب در برخی مناطق همدان همچنان پابرجاست و مردم همچنان با وجود مشکل کم آبی منتظر عملی شدن وعده مسئولان مبنی بر حل مشکل کمی و کیفی آب هستند. نکته‌ای که پیش از انتقال آب از سد تالوار مطرح بوده و تا کنون حل نشده باقی مانده مشکل آرسنیک موجود در آب

چه کسانی «انقلاب» برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به «اصلاحات» گاهش می دهند؟!



اعتراضات ضدحکومتی در ایران مهرماه ۱۴۰۱

به خاطر سوء مدیریت اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی ناامید شده‌اند و علی‌خامنه‌ای را مسئول می‌دانند... دوران ناآرامی گذشته و خشم و التهاب شدیدی که در اعتراضات کنونی دیده می‌شود می‌تواند به چیزی ختم شود یک چالش بسیار دشواری برای جمهوری اسلامی خواهد بود.

صنم وکیل معتقد است «جوانان در ایران هیچ عدالت اقتصادی را نمی‌بینند و امیدی به آینده ندارد و این مسئله خشم گسترده‌ای را برانگیخته است که با خشونت در خیابان‌ها سرزیر می‌شود.»

شبکه سی‌ان‌بی‌سی نیز با اشاره به افزایش تورم و بیکاری در ایران می‌نویسد «گاهش احتمال دستیابی به معامله اتمی به این معناست که تحریم‌های اقتصادی جمهوری اسلامی همچنان بر اقتصاد ایران تأثیر خواهد گذاشت.»

جواد صالحی اصفهانی استاد اقتصاد در «ویرجینیا تک» می‌گوید: «شکی نیست که زیربنای اعتراضات در ایران مسائلی فراتر از حجاب اجباری است.»

صالحی اصفهانی می‌گوید «آنچه تحمل شرایط بد اقتصادی را برای جوانان سخت‌تر می‌کند این است که می‌بینند سوادشان از آنهایی که حکومت را به دست دارند بیشتر است.»

فراتر از این اظهارات موافق و مخالف که در ارتباط با شرایط جامعه ایران مطرح می‌شوند، حضور جوانان و حتی کودکان زیر ۱۸ سال و دانش‌آموزان مدارس به ویژه دختران از یکسو و شعارهای بدیع و ابتکارات بی‌بدیل معترضان در بیان خواست‌ها و تمایلات آنان، پیام‌های بسیار روشن‌تری از آن دارد که بتوان شجاعت و جسارت معترضان را که تا پای از دست دادن زندگی پیش می‌روند به حساب «اصلاحات» یا «تحول» یا «معیشت» و یا «حجاب اجباری» نوشت! آنها، زن و مرد، پیر و جوان، در سراسر ایران، با صدای بلند فریاد می‌زنند که حقوق برابر زنان، زندگی، آزادی و میهن و آبادی می‌خواهند! دقیقاً همان حقوق و تعلقاتی که جمهوری اسلامی زیر پا گذاشته و با هیچ اصلاح و تحولی قادر به تأمین آنها نیست. به همین دلیل با ترس و نگرانی شمشیر را علیه همه مردم از رو بسته است.

حال لاپوشانی و تقلیل دادن انقلاب مردم ایران به اصلاحات است.»

پت تاکر مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای مؤسسه «اکونومیست اینتلینجس یونیت» نیز به سی‌ان‌بی‌سی می‌گوید: «منتظر باشید که اعتراضات ضد حکومتی در ایران همچنان ادامه‌دار باشد و با بدتر شدن اوضاع اقتصادی و تشدید محدودیت‌های اجتماعی ابعاد آن گسترده‌تر و خشم عمومی تشدید شود.»

او که سابقاً از حامیان معامله اتمی آمریکا با جمهوری اسلامی بوده و دیدگاه‌هایش حتی در خبرگزاری‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز بازتاب داشت به سی‌ان‌بی‌سی گفته این اعتراضات که با زور مقابل آن ایستاده‌اند وابستگی جمهوری اسلامی به سپاه پاسداران را افزایش خواهد داد.

سوزان مالونی معاون مدیر برنامه سیاست خارجی در مؤسسه «بروکینگز» که از حامیان سیاست‌های غرب‌ستیزانه جمهوری اسلامی است می‌گوید، «در سال‌های اخیر [بارها] شاهد اعتراضات مردم در ایران به خاطر نارضایتی اقتصادی بودیم. اعتراضات عمده‌تاً توسط طبقه کارگر و طبقه متوسط رو به پایین هدایت می‌شوند.»

سوزان مالونی که از حامیان سیاست‌های جمهوری اسلامی و مخالف فشارهای بین‌المللی علیه ملاحه‌است و دیدگاه‌های او در رسانه‌های حکومتی نیز بازتاب دارد معتقد است «نقطه عطف این جنبش اجتماعی که در ایران جریان گرفته این است که حتی با وجود سرکوب‌های شدید ظرفیت گسترش و تداوم دارد، اما بعید است که به یک جنگ داخلی تبدیل شود.»

با وجود اینکه مردم در ایران بیشتر از اعتراضات گذشته با نیروهای امنیتی رژیم درگیر شده‌اند اما سوزان مالونی نسبت به دورنمای تغییر رژیم ابراز تردید می‌کند. دلیل او اینست که «جمهوری اسلامی یک حکومت دینی است و اهرم‌های قدرت را در دست دارد و از حمله صدام حسین در سال ۱۹۸۰ و شیوع کرونا و تمام ناآرامی‌های ۴۳ ساله گذشته جان سالم به در برده است!»

از سوی دیگر، صنم وکیل عضو مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل «چتم هاوس» گفته «جوانان ایران چندین دهه

● زن و مرد، پیر و جوان، در سراسر ایران، با صدای بلند فریاد می‌زنند که حقوق برابر زنان، زندگی، آزادی و میهن و آبادی می‌خواهند! دقیقاً همان حقوق و تعلقاتی که جمهوری اسلامی زیر پا گذاشته و با هیچ اصلاح و تحولی قادر به تأمین آنها نیست. به همین دلیل با ترس و نگرانی شمشیر را علیه همه مردم از رو بسته است.

● در حالی که حامیان جمهوری اسلامی با اشاره به وخیم بودن اوضاع می‌گویند «در گردنه‌های نفسگیر جنگ حق و باطل قرار داریم»، لایبگرن جمهوری اسلامی خارج از ایران به شدت در تلاش‌اند تا بگویند آنچه در ایران در حال وقوع است به یک انقلاب منتهی نخواهد شد.

● امیلی شرادر کنشگر اسرائیلی می‌گوید «در حالی که مردم ایران در خیابان‌ها برای سرنگونی رژیم اسلامی مبارزه می‌کنند، در این زمان نایاک لابی نظام آخوندی در آمریکا در حال لاپوشانی و تقلیل دادن انقلاب مردم ایران به اصلاحات است.»

● پت تاکر مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای مؤسسه «اکونومیست اینتلینجس یونیت» (از حامیان معامله اتمی آمریکا و جمهوری اسلامی) به سی‌ان‌بی‌سی می‌گوید: «منتظر باشید که اعتراضات ضد حکومتی در ایران همچنان ادامه‌دار باشد و با بدتر شدن اوضاع اقتصادی و تشدید محدودیت‌های اجتماعی ابعاد آن گسترده‌تر و خشم عمومی تشدید شود.»

● سوزان مالونی معاون مدیر برنامه سیاست خارجی در مؤسسه «بروکینگز» از حامیان سیاست‌های غرب‌ستیزانه جمهوری اسلامی به دورنمای تغییر رژیم ابراز تردید می‌کند. دلیل او این است که «جمهوری اسلامی یک حکومت دینی است و اهرم‌های قدرت را در دست دارد و از حمله صدام حسین در سال ۱۹۸۰ و شیوع کرونا و تمام ناآرامی‌های ۴۳ ساله گذشته جان سالم به در برده است!»

بیش از سه هفته پس از آغاز خیزش سراسری در ایران اعتراضات با وجود سرکوب و قطع اینترنت و بازداشت‌ها همچنان ادامه دارد و حکومت با زور اسلحه و باتوم حریف مردم نشده است.

شمار زیادی از تحلیلگران معتقدند اعتراضات در ایران مؤلفه‌های یک انقلاب را دارد و بعید نیست به «سرنگونی» جمهوری اسلامی منتهی شود. حتی حامیان نظام با اشاره به وخیم بودن اوضاع می‌گویند «در گردنه‌های نفسگیر جنگ حق و باطل قرار داریم!» که البته خودشان را «حق» و مردم و حقوق آنان را «باطل» می‌دانند.

در این میان، لایبگرن جمهوری اسلامی خارج از ایران به شدت در تلاش‌اند تا بگویند آنچه در ایران در حال وقوع است یک انقلاب نیست و به سرنگونی رژیم منتهی نخواهد شد. آنها برخلاف شعارها و خواست مردم ایران برای سپردن جمهوری اسلامی به تاریخ، حتی روایت‌سازی می‌کنند تا فضای بین‌المللی را که به شکلی کم‌سابقه علیه رژیم و به سود مردم است، در مسیر عکس تغییر دهند.

امیلی شرادر کنشگر اسرائیلی می‌گوید «در حالی که مردم ایران در خیابان‌ها برای سرنگونی رژیم اسلامی مبارزه می‌کنند، در این زمان نایاک لابی نظام آخوندی در آمریکا در

قطع اینترنت و محدودیت فضای مجازی؛ زورهای آخر حکومتی که در فضای واقعی از مردم شکست خورده است



درباره زیان تحمیل شده به زنان سرپرست خانوار گفته که «قطع اینترنت فشار و محدودیت به گروهی از روستاییان و زنان سرپرست خانوار وارد کرده که حتی حالا دیگر شرایط تأمین یک وعده غذایی را ندارند. این محدودیت فقط باعث خسارت به کسب و کارهای خرد و بزرگ نشده؛ بلکه به گروهی فشار وارد کرده که شاید از وجود آنها بی‌خبر باشیم.» او افزوده که «این گروه نه شرکت دارند، نه با بازاریابی و تبلیغات آشنا هستند و نه به بازار دسترسی دارند؛ بلکه فقط افرادی با حداقل امکانات هستند که فضایی مانند اینستاگرام به آنها در فروش و به‌دست‌آوردن حداقل روزی کمک می‌کند.»

به گفته زهرا نقوی با فیلتر شدن شبکه‌های اجتماعی این زنان همه درآمد خود را از دست داده و در روزهای گذشته شماری از این زنان ناچار به دستفروشی در شهرها روی آورده‌اند تا شکم فرزندانشان را سیر کنند.

این در حالیست که فضای شهرها به دلیل تظاهرات و حضور مأموران حکومتی امنیت ندارد و این زنان با وجود تهدیدها ناچار به دستفروشی هستند.

با اینهمه دامنه خسارت وارد شده به کسب و کارها بسیار گسترده از اینهاست؛ از کسب و کارهای کوچک و خانگی که غالب زنان سرپرست خانوار مورد اشاره در آنها مشغول به فعالیت هستند تا کسب و کارها و استارت‌آپ‌هایی با سرمایه‌گذاری قابل توجه که یک ماه در فضایی مبهم و نگران‌کننده فعالیت‌شان به تعلیق درآمده است.

سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان پس از دو هفته اختلال اینترنت و فیلتر شبکه‌های اجتماعی یک نظرسنجی از شرکت‌های عضو این سازمان در قالب پرسشنامه با مشارکت ۱۰۴ شرکت را از تاریخ ۷ مهر ۱۴۰۱ تا ۱۰ مهر ۱۴۰۱ انجام داده است. نتایج این نظرسنجی نشان داده درصد شرکت‌هایی که در این مدت کاهش فروش را تجربه نکرده‌اند «صفر» است. به بیان دیگر همه شرکت‌هایی که در این نظرسنجی شرکت کردند طی دو هفته آغاز محدودسازی اینترنت دچار زیان مالی شدند.

را نیز برانگیخته است.

البرز حسینی نماینده زنان در مجلس شورای اسلامی معتقد است که «اگر فضای کنونی اینترنت و فیلترینگ در کشور ادامه پیدا کند، قطعاً به جامعه آسیب بیشتری وارد خواهد کرد و به تبع آن، خیلی از مشاغل و درآمدها با چالش جدی روبرو خواهند شد و مشکل دیگری که ایجاد خواهد شد این است که نارضایتی فعالان این حوزه هم به نارضایتی‌های موجود کشور، اضافه خواهد شد.»

البرز حسینی با تأکید بر اینکه افزایش نارضایتی‌ها در پی محدودیت اینترنت برای امنیت کشور [نظام] خطرناک است گفته که «باید جایگزین مناسبی هم برای پلتفرم‌های خارجی پیدا شود. وقتی جایگزین مناسب ایجاد نشده و نتوانستیم در این خصوص مردم را اقناع و راضی کنیم، چه انتظاری است؟ در این شرایط که این رسالت مهم محقق نشده، نباید روی به محدود کردن پلتفرم‌های خارجی بیاوریم.»

نماینده زنان در مجلس شورای اسلامی افزوده که «بستت و محدود کردن شبکه‌های اجتماعی، راه حل نیست. در عین حال امروز افراد زیادی به این واسطه ضرر مالی کردند و دولت اگر پای کار بیاید و به خاطر این ایام و آسیبی که این کسب و کارها دیدند، آنها را مورد کمک و حمایت قرار دهد، حتماً در آرامش فعالان این حوزه تأثیرگذار خواهد بود. از این‌رو، هم وزارت ارتباطات و هم دستگاه‌های امنیتی باید تصمیم عاجلی در این خصوص بگیرند که منافع همگان لحاظ شود.»

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌هایی هستند که کسب و کارهای زیادی را با استفاده از بستر اینستاگرام و واتساپ پیش می‌برند. از تهیه و فروش انواع مواد غذایی آماده و نیمه‌آماده تا صنایع دستی و کالاهای مختلف دیگر. گزارش‌ها نشان می‌دهد این زنان از جمله اصلی‌ترین قربانیان قطع اینترنت و فیلتر شدن شبکه‌های اجتماعی طی یک ماه گذشته هستند.

زهرا نقوی فعال در بخش توسعه کارآفرینی روستایی و مشاور طرح توانمندسازی اقتصاد زنان سرپرست خانوار

● نماینده زنان در مجلس شورای اسلامی: اگر قطع اینترنت ادامه پیدا کند، قطعاً خیلی از مشاغل و درآمدها با چالش جدی روبرو شده و نارضایتی فعالان این حوزه هم به نارضایتی‌های موجود کشور، اضافه می‌شود.

● زنان سرپرست خانوار از جمله اصلی‌ترین قربانیان قطع اینترنت و فیلتر شدن شبکه‌های اجتماعی طی یک ماه گذشته هستند.

● فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی و ایجاد اختلال در اینترنت سابقه‌ای ۱۵ ساله در ایران دارد. آنهم در حالی که اطلاع‌رسانی و پخش فایل‌های صوتی و تصویری درباره رویدادهای ایران به هر حال و با وجود این محدودیت‌ها انجام می‌شود!

یک ماه قطع اینترنت و فلج شدن صدها هزار کسب و کار در ایران سبب زیان گسترده به کارآفرینان و صاحبان مشاغل و برخی استارت‌آپ‌ها شده است. گزارش‌ها از افزایش شمار زنان دستفروش حکایت دارد که پیشتر کسب و کارهایی کوچک در شبکه‌های اجتماعی داشتند و حالا بیکار شده‌اند. طی چهار هفته گذشته با کاهش چشمگیر سرعت اینترنت و فیلتر کردن پلتفرم‌های اینستاگرام و واتساپ صدها هزار کسب و کار که معرفی محصول، بازاریابی و فروش را از طریق اینترنت و به ویژه اینستاگرام و واتساپ انجام می‌دادند قادر به فعالیت نیستند.

کاهش و صفر شدن درآمد بیش از ۱۰ میلیون نفر در ایران یکی از آثار قطع اینترنت برای سرکوب اعتراض و جلوگیری از چرخه آزاد اطلاعات و اخبار است.

این در حالیست که اخبار و ویدئوهای اعتراضات به هر شکلی منتشر می‌شود و ایجاد محدودیت در اینترنت فقط به اقتصاد خانوارها زیان وارد کرده است.

اعتراضات گسترده از سوی کارشناسان و فعالان اقتصادی به قطع اینترنت و ادامه محدودیت کسب و کارهایی که پیشتر هم در شرایط رکود تورمی به سختی خود را حفظ کرده بودند، واکنش برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی

تطمیع سربازان وظیفه برای «خدمت» در یگان‌های سرکوب:

از «مرخصی تشویقی» و «کسر خدمت» تا «پاداش نقدی» و «افزایش حقوق»!



مراسم صبحگاه سربازی در قرارگاه فرماندهی نیروی انتظامی استان اصفهان مهرماه ۱۴۰۰

سردار قاسم رضایی معاون فرمانده نیروی انتظامی می‌گوید «حدود دو هزار نفر از نیروهای پلیس در اغتشاشات اخیر مصدوم شدند». بر همین اساس با ادامه اعتراضات، کمبود نیروی سرکوبگر برای جمهوری اسلامی مشکلات جدی‌تری ایجاد خواهد کرد.

در روزهای اخیر چند چهره شناخته شده که از اعتراضات مردم ایران علیه حکومت اسلامی حمایت می‌کنند بارها به نظامیان به ویژه سربازان توصیه کردند که در سرکوب مردم مشارکت نکرده و دست خود را به خون شهروندان آلوده نکنند. همچنین شهانوی فرح پهلوی در پیامی با ستایش از اعتراضات و شجاعت مردم ایران، بار دیگر نیروهای انتظامی و سرکوبگر را خطاب قرار داد و «از فرد فرد همه نیروهای انتظامی، ارتش، سپاه، بسیج، لباس شخصی‌ها و یا دیگران با هر گرایشی که دارند» به نام «یک مادر» از آنها خواست «دست خود را بیشتر به خون جوانان هم‌میهن خود آغشته نکنند».

پیشتر شاهزاده رضا پهلوی بارها به نیروهای انتظامی و نظامی هشدار داد که وظیفه‌ی آنها دفاع از مردم و مملکت است و فکر نکنند در ایران بدون جمهوری اسلامی فراموش خواهد شد که آنها مردم را سرکوب کرده‌اند.

حالا جمهوری اسلامی که با وجود سرکوب شدید در برابر اعتراضات سراسری کم آورده است، به وعده و وعید متوسل شده تا سربازان را نیز مانند خود و مزدورانش به قاتل مردم تبدیل کند. در آخرین وعده‌ها رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا گفته «کف حقوق سربازان ۵/۲ میلیون تومان و سقف آن هشت میلیون تومان است و سربازانی که در مناطق مرزی خدمت می‌کنند، مجردین بالای چهار میلیون و متاهلین بیش از شش میلیون دریافت می‌کنند».

اینهمه در حالیست که مقامات کشوری و فرماندهان نظامی و انتظامی در خانه‌های مجلل خود جا خوش کرده و در حالی که کشتار مردم را نظاره می‌کنند همچنان فرمان به سرکوب می‌دهند. اما بسیاری از سربازان به بهانه بیماری و همچنین صدمه دیدن در خیابان ترحیم می‌دهند در بیمارستان باشند یا به مرخصی استعلاجی می‌روند. شمار دیگری از سربازان ترک خدمت کرده‌اند. پیش از این یک منبع آگاه در یکی از کلاتری‌های تهران به کیهان لندن گفته بود «مرخصی ساعتی روزانه سربازان لغو شده... با ادامه اعتراضات خیلی از وظیفه‌ها مرخصی دو سه ساعته می‌گیرند اما برمی‌گردند».

● جمهوری اسلامی که با وجود سرکوب شدید در برابر اعتراضات سراسری کم آورده است، به وعده و وعید متوسل شده تا سربازان را نیز مانند خود و مزدورانش به قاتل مردم تبدیل کند.

● موسی کمالی مشاور عالی فرمانده قرارگاه مهارت‌آموزی ستاد کل نیروهای مسلح قول داده سربازانی که در دوره‌های «مهارت‌آموزی» شرکت می‌کنند مشوق‌هایی مثل «امکان انتخاب محل خدمت، کسر خدمت یک تا شش ماه و یکماه مرخصی تشویقی، اعطای درجه تشویقی، بخشودگی اضافه خدمت و همچنین جوایز نقدی دریافت می‌کنند».

● سردار قاسم رضایی معاون فرمانده نیروی انتظامی می‌گوید «حدود دو هزار نفر از نیروهای پلیس در اغتشاشات اخیر مصدوم شدند».

● رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا گفته «کف حقوق سربازان ۵/۲ میلیون تومان و سقف آن هشت میلیون تومان است و سربازانی که در مناطق مرزی خدمت می‌کنند، مجردین بالای چهار میلیون و متاهلین بیش از شش میلیون دریافت می‌کنند».

سردار تقی‌مهری رئیس سازمان وظیفه عمومی نیروی انتظامی به سربازان وظیفه که در سرکوب اعتراضات مردم همکاری داشته باشند قول «سه روز مرخصی تشویقی» داده است. با ادامه اعتراضات در ایران پس از انتشار گزارش‌هایی در مورد فرار سربازان وظیفه از خدمت با چراغ سبز ستاد کل نیروهای مسلح وعده و وعید به آنها برای «پرداخت وام» و «صدور امریه» آغاز شد. در همین ارتباط سردار موسی کمالی مشاور عالی فرمانده قرارگاه مهارت‌آموزی ستاد کل نیروهای مسلح ۱۸ مهرماه قول داد سربازانی که در دوره‌های «مهارت‌آموزی» شرکت می‌کنند مشوق‌هایی مثل «امکان انتخاب محل خدمت، کسر خدمت یک تا شش ماه و یکماه مرخصی تشویقی، اعطای درجه تشویقی، بخشودگی اضافه خدمت و همچنین جوایز نقدی دریافت می‌کنند».

نیروی انتظامی و سپاه پاسداران حتا با وجود بسیج و لباس شخصی‌ها بدون حضور سربازان وظیفه در سرکوب اعتراضات با مشکل اساسی روبرو هستند. طولانی شدن اعتراضات از اواخر شهریور تا کنون علاوه بر ترک و فرار از خدمت به بدنه نیروی انتظامی و سپاه پاسداران که با تمام قوا در خیابان مقابل مردم ایستاده‌اند لطمه‌های جدی زده است.

➔ بیش از ۴۱ درصد شرکت‌ها ۲۵ تا ۵۰ درصد درآمد خود را در این مدت از دست داده‌اند و حدود ۴۷ درصد هم بیشتر از ۵۰ درصد کاهش فروش داشته‌اند. همچنین شرکت‌ها اعلام کرده‌اند که ادامه اختلال در اینترنت، زیان آنها را بیشتر خواهد کرد؛ ۵۳ درصد مشاغل اعلام کردند روزانه ۵۰ میلیون تومان ضرر خواهند کرد. ۲۱ درصد نیز ضرر ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومانی و حدود ۱۸ درصد خسارت بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومانی را گزارش کرده‌اند. قریب به ۸ درصد مشاغل نیز روزانه بالاتر از ۵۰۰ میلیون تومان خسارت می‌بینند: «اگر تعداد کارکنان را شاخصی برای بزرگی شرکت‌ها بدانیم، تقریباً همان ۸ درصدی که بالای ۲۰۰ نفر نیرو دارند احتمالاً روزانه بالای ۵۰۰ میلیون تومان خسارت خواهند دید و همان ۷۳ درصدی که زیر ۵۰ نفر نیرو دارند روزانه ۵۰ میلیون تومان خسارت خواهند دید». در این میان زیان گسترده کسب و کارها در شرایط بحرانی اقتصاد ایران برای مقامات حکومتی هیچ اهمیتی ندارد. با وجود آنکه اخبار اعتراضات و ویدئوها در حال انتشار است، به نظر می‌رسد قطع اینترنت برای مقامات حکومتی تنها «زور»‌های آخر حکومتی است که در خیابان از مردم ایران شکست خورده و نفس‌های آخر را می‌کشد.

فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی و ایجاد اختلال در اینترنت سابقه‌ای ۱۵ ساله در ایران دارد اما هر بار شدیدتر از بار قبل ادامه پیدا کرده است. فیس‌بوک سال ۱۳۸۸ و پس از اعتراض به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری مسدود شد. خبرگزاری ایلنا در این مورد نوشته بود کمیته تعیین مصادیق مجرمانه دستور فیلترینگ سایت فیس‌بوک و دیگر وب‌سایت‌های را صادر کرد؛ کمیته‌ای متشکل از نمایندگان برخی وزارتخانه‌ها از جمله اطلاعات و کشور و نیز قوه قضاییه. آن زمان هواداران میرحسین موسوی و مهدی کروبی با ایجاد صفحه‌های در این شبکه‌های اجتماعی، مبارزات انتخاباتی خود را به عرصه اینترنت نیز گسترانده بودند.

یوتیوب که قبلاً سال ۱۳۸۵ به صورت موقت فیلتر شده بود، سال ۱۳۸۸ در دسته‌ی فیلترشده‌های همیشگی قرار گرفت و به سرنوشت فیس‌بوک دچار شد.

تویتر شبکه اجتماعی دیگر است که سال ۱۳۸۸ فیلتر شد، ولی دلیل مسدود کردن آن موضع‌گیری مدیر این شبکه‌ی اجتماعی عنوان شد. آنهم در حالی که از رهبر جمهوری اسلامی که به زبان‌های مختلف در آن اکانت دارد و فعالیت مغزشویی و خرافی می‌کند تا مقامات رژیم در این شبکه حضور داشته و به فعالیت تبلیغاتی به سود جمهوری اسلامی مشغولند. طی سال‌های اخیر بارها درباره‌ی رفع فیلتر این شبکه‌ی اجتماعی حرف زده شده است، ولی دلیل تداوم ممنوعیت آن همان چیزی است که این روزها برای واتساپ و اینستاگرام گفته می‌شود.

تلگرام اولین بار در طول روزهای اعتراض به وضعیت گرانی در دی‌ماه سال ۱۳۹۶ مدتی از دسترس خارج شد و یک سال بعد بیژن قاسم‌زاده بازپرس دادرسی فرهنگ و رسانه در اقدامی غیرقانونی دستور بستن همیشگی این نرم‌افزار پر مشتری را صادر کرد.

واتساپ و اینستاگرام پس از تجمعات اعتراضی ۱۴۰۱ به فهرست نرم‌افزارهای فیلترشده‌ی قبلی اضافه شده‌اند. فیلتر و مسدود ساختن این دو پلتفرم به شکلی است که بسیاری از کاربران حتی با فیلترشکن نمی‌توانند به آنها دسترسی داشته باشند.

وایپر و سیگنال هم احتمالاً به این دو اضافه می‌شوند، هرچند وایپر قبلاً یکبار فیلتر شده بود، ولی کاربران ایرانی از این دو کمتر استفاده می‌کردند حالا اما با فیلتر واتساپ دوباره سراغ وایپر و سیگنال رفته‌اند.



صحنه‌ای از اعتراضات مه‌ماه ۱۴۰۱ در ایران